

دین و بین‌الملل

رصد ماهانه | شماره ششم
آبان‌ماه ۱۴۰۰



دولت-ملت‌ها، همیشه گرفتار مرزهای خاکی بوده‌اند. اینکه «ملت»‌ها مجبور باشند تا «خود» را در جغرافیایی دوبعدی از «دیگری» جداکنند می‌تواند از پیامدهای عرفی شدن مفروضات بشر در عصر جدید تلقی گردد.

به‌عکس، «دین» در گستره تاریخی آن مستحکم‌ترین عامل «تعریف» آدمیان از «خود» جمعی «شان» بوده است. اگر هویت‌های لخت جغرافیایی می‌توانند در دولت-ملت‌های مدرن متمثل شوند عجیب نیست هویت‌های سخت ایمانی را نیز در کالبد امامت-امت بازشناسیم.

در گذر تاریخ تا به امروز، امامت‌های دینی به‌دست شخصیت‌هایی بوده است که از طریق حکم و حکمت توده پیروان را سیاست کرده و بازیگرانی مهم در تعیین‌بخشی به حوزه عمومی بوده‌اند. این شخصیت‌ها را صرف‌نظر از آنکه گاه حقیقی‌اند (چون علما) و گاه حقوقی (چون سازمان‌های دینی)، «نهاد دین» تعبیر کرده‌ایم تا اشارتی باشد بر نقاط تکینه تأثیرگذاری بر جریان امر قدسی در میان توده‌ها.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دین و بین الملل



شماره ششم

آبان ۱۴۰۰



مرکز مطالعات بین‌رشته‌ای

ماهنامه دین و بین‌الملل



تهیه و تدوین: مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه

با همکاری اندیشکده راهبردی مرصاد

ناظر علمی: سید مفید حسینی کوهساری

سر دبیر: علی امیرخانی

آدرس: قم، جمکران، بلوار انتظار، مجتمع دارالولایه،

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، طبقه ۳

مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه

تلفن: ۰۲۵۳۳۱۳۳۱۴۰

فاکس: ۰۲۵۳۳۱۳۳۱۲۸

آدرس پایگاه اطلاع‌رسانی: www.hawzah-ird.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۸
بخش اول: اخبار.....	۱۱
عراق.....	۱۲
پرونده خبری: دین و تابوشکنی‌های صنعت سرگرمی.....	۱۲
موج تابوشکنی‌های دینی در عراق.....	۱۲
اعتراض‌های دینی به برگزاری جشنواره بابل.....	۱۴
مقتدی صدر به طلاب حوزه علمیه عراق شهریه می‌دهد.....	۱۸
مقتدی صدر، قرداحی و جنگ یمن؛ یک بام و دو هوای سعودی‌ها.....	۱۹
شامات.....	۲۱
لغو منصب مفتی جمهوری در سوریه؛ گامی دیگر در رویکرد فرامذهبی.....	۲۱
خلیج فارس.....	۲۵
پرونده خبری: آینده سلفیت در یمن.....	۲۵
دارالحدیث سلفیت مورد حمله هوایی قرار گرفت.....	۲۵
شیخ مشهور سلفی یمن: انصار الله ولی امر مسلمانان یمن است.....	۲۶
حجوری برای کمک به انصار الله در مارب پیش‌قدم شد.....	۲۸

- عربستان به یک روحانی شیعه لبنانی مخالف حزب الله تابعیت داد ۳۰
- تابوشکنی در نمایشگاه کتاب ریاض؛ عرضه کتبی که تا دهه‌ها ممنوع بود ۳۲
- آزادی برخی زندانیان عقیدتی در عربستان سعودی ۳۶
- تعیین یعقوب هرتزوج به عنوان خاخام یهودیان عربستان! ۳۸
- نماز باران در کشورهای خلیج فارس ۳۹
- دیدار سفیر دولت نجات ملی یمن در ایران با سه تن از علما و مراجع تقلید ۴۱
- القاعده مسئولیت ریودن العطاس واعظ یمنی را بر عهده گرفت ۴۲
- محمد العیسی: علمای مسلمان می‌توانند طالبان را به سمت اعتدال سوق دهند ۴۳
- حوزه ترکی ۴۷**
- اعلام حمایت بایدن از رهبر ارتدوکس ترکیه در بحبوحه تنش با این کشور ۴۷
- دیدار علی‌اف با ارباش در باکو ۴۹
- اذان مشترک ارباش در مسجدی در قره‌باغ آذربایجان ۵۱
- افتتاح کمیته بین‌المللی حمایت از پیامبر اکرم (ص) در ترکیه ۵۲
- ترکیه تورهای زیارتی به «بیت المقدس» را از سر می‌گیرد ۵۵
- آفریقا ۵۸**

- تونس قراردادهای خود با سازمان اخوانی «اتحاد العلماء» را لغو کرد ۵۸
- اتحاد العلماء از الجزایر و مراکش درخواست پرهیز از نزاع و جنگ کرد ۶۰
- پیشوای قرآنیون مصر: «أشهد أن محمداً رسول الله» باید از اذان حذف شود! ۶۳
- مهلت ۱۰ روزه وزارت اوقاف مصر برای جمع‌آوری صندوق‌های دریافت کمک‌های مالی از مساجد ۶۶
- رهبر تیجانیه بوركینافاسو درگذشت ۶۹
- شبه قاره** ۷۱
- سخنگوی دفتر سیاسی طالبان: از بیانات آیت الله خامنه‌ای استقبال می‌کنیم ۷۱
- رهبر طالبان پاکستان: نظام اسلامی در افغانستان حاکم شد، حالا نوبت پاکستان است ۷۲
- رهبر طالبان برای نخستین بار در انتظار عمومی ظاهر شد ۷۳
- طالبان از رئیس آقاخانیه برای سفر به افغانستان دعوت کرد ۷۵
- شرق آسیا** ۷۷
- استفاده از رمزارزها در اندونزی حرام اعلام شد ۷۷
- غرب** ۷۹

- شورای اروپا به دنبال واکنش‌ها در فرانسه از کارزار «آزادی در حجاب»
 عقب‌نشینی کرد ۷۹
- نسل جدید آلمان نگرش بهتری به اسلام دارد ۸۲
- طرح کنگره آمریکا برای تروریستی خواندن اخوان المسلمین ۸۴
- پیوستن بزرگترین سازمان اسلامی آمریکای شمالی به معاهده منع اشاعه
 سوخت‌های فسیلی ۸۷
- سایر ادیان ۸۹**
- دادگاه عالی یونان مجوز ذبح شرعی را لغو کرد و خواستار راه‌حل جایگزین
 شد ۸۹
- پاپ به نمایندگی از شیخ الازهر، سند برادری انسانی را به رئیس‌جمهور آمریکا
 اهدا کرد ۹۲
- پاپ برای اولین بار به یک زن در واتیکان پست مهم داد ۹۴
- رهبری کلیسای پروتستان آلمان با ۲۰ میلیون عضو به زنان سپرده شد ۹۵
- دیدار پاپ با رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در واتیکان ۹۸
- سیک‌های هند برای مراسم سالانه میلاد گورو نانک به پاکستان
 می‌روند ۱۰۰
- بخش دوم: تحلیل‌ها ۱۰۲**
- تشدید بحران و اختلاف در اخوان المسلمین مصر ۱۰۳

- بحران اخوان و شکست در آزمون اخلاق!! ۱۰۶
- در تقارن هفته وحدت و درگذشت حسن حنفی ۱۱۲
- قم، بغداد، قاهره... حسن حنفی این‌گونه از دوست عراقی خود یاد کرد..... ۱۱۳
- جنگال گسترده با افتتاح «انجمن چندموسری» در شمال سوریه ۱۱۹
- مولد النبی در نگاه مذاهب اسلامی ۱۲۳
- نسخه سیسی از اسلام ۱۲۶
- کنفرانس وحدت ابوظبی؛ رقیبی تازه برای گفتمان رو به افول تقریب در تهران ۱۳۰
- سروریه؛ درباره جریانی که واعظان مساجد در عربستان سعودی نسبت به آن هشدار دادند، چه می‌دانیم؟ ۱۳۳
- نزاع خوانش‌ها؛ الازهر همسو با دولت در پروژه کنترل جمعیت با سلفیت می‌جنگد ۱۳۶
- پیامدهای فتوای جدید آیت الله سیستانی: خنثی کردن عادی‌سازی روابط با اسرائیل و اتحاد مسلمانان ۱۴۰
- شکست عادی‌سازی ۱۴۱
- محدوده اجتماعی و سیاسی فتوا ۱۴۱
- پروژه دیانت ابراهیمی بین الازهر و امارات ۱۴۴
- فارین پالیسی: بیشترین امید آمریکا به مقتدی صدر است ۱۴۷
- جنگال‌ها بر سر ترجمه کتاب مقدس به لهجه‌های مختلف خلیجی ۱۵۱

- سفر خاخام اعظم ایران به آمریکا خشم صهیونیست‌ها را برانگیخت..... ۱۵۵
- سفری مهم که مورد توجه رسانه‌ها قرار نگرفت؛ لابی دین در امر سیاست..... ۱۵۹
- علی عبدالرحمن الحدیفی: از حمله به «روافض» در حضور هاشمی رفسنجانی تا دعوت به وحدت اسلامی!..... ۱۶۱
- «مبلغان قهوه‌خانه‌ها»؛ مردان الازهر بین دود قلیان و ترانه‌های ام کلثوم..... ۱۶۷
- تأثیر ظهور طالبان بر پرونده تروریسم در اردن..... ۱۷۲
- بازتاب ظهور طالبان بر گروه‌های وفادار به القاعده و داعش..... ۱۷۴
- آیا ترس و تهدید واقعی وجود دارد یا خیر؟..... ۱۷۶
- در پی افزایش جمعیت مسلمان در اوتاراکنند، هند انگشت اتهام خود را متوجه سازمان اطلاعات پاکستان کرد..... ۱۷۷
- ساخت بیش از ۴۰۰ مدرسه و مسجد در مناطق مرزی با نپال..... ۱۷۸
- امکان ساخت کریدوری برای اتصال پاکستان..... ۱۷۹
- بخش سوم: منشورات**..... ۱۸۱
- انتشار ویرایش جدید کتاب «پانصد مسلمان موثر جهان»..... ۱۸۲
- چکیده مقاله «چانه‌زنی موسیقایی میان اسلام معتدل و رادیکال در مراکش»..... ۱۸۶
- مشکل کثرت: «تصوف» و «طالبان»..... ۱۸۸
- انبوهی از تصوف‌ها..... ۱۸۸

جریان‌های مختلف در درون طالبان ۱۸۹

مدیریت کردن مجالس ذکر ۱۹۱

پیشگفتار

امروز جهان شاهد تحولات سریع و فراگیر در عرصه‌های گوناگون حیات بشری است و انقلابی عظیم و حیرت‌انگیز در ارتباطات و تعاملات رخ داده و بحث از جهانی‌شدن یا جهانی‌سازی مسجل شده است.

فرهنگ بشر با پیش‌گویی و پیش‌بینی سرنوشت نهایی آدمی و پیش‌بینی آینده جهان همراه و همزاد بوده است. ادیان الهی و به طور خاص ادیان ابراهیمی، حرکت جهان را بر محور تعالی و تکامل ابعاد وجودی انسان و جامعه‌ای سعادت‌مند بر محور عدالت و دیانت پیش‌بینی کرده و وعده تحقق جامعه‌ای آرمانی را داده‌اند. ظهور مکاتب برخاسته از اندیشه‌های بشری، رویکردهای گوناگونی را در این خصوص پدیدار نموده که در نگاهی خوش‌بینانه قابل شناسایی است.

در حالی که بسیاری از نظریه‌پردازان کلاسیک از سپری شدن عمر دین و سنّت سخن گفته‌اند، شواهد حاکی از آن است که جهان به سوی اقبال و توجه و احساس نیاز به دین به پیش می‌رود. انقلاب ۱۹۷۹م جمهوری اسلامی ایران و توسعه اسلام در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰م بر سرعت این پدیده افزوده و شواهد حاکی از پویایی سنّت در عصر کنونی و ابطال‌کننده دیدگاه «افول سنّت» در جهان کنونی است.

افزایش آگاهی و تعاملات فرهنگی زمینه‌گزینش عقلانی را فراهم نموده‌اند و اسلام با برخورداری از آموزه‌های عقلانی و جهان‌شمول، فرصت بی‌نظیری به دست آورده است. بنابراین، با شناخت ابعاد وجودی انسان، می‌توان راه دین‌مداری او را فراهم کرد. به نظر می‌رسد می‌توان به طور همزمان، سه لایه هویتی را در آدمی شناسایی کرد: هویت فردی، هویت جمعی و هویت جهانی.

هویت فردی انسان برخاسته از فضای خصوصی درونی او بوده و دارای اقتضائات و تمنیات و خواسته‌هایی است که به تناسب به فعلیت رسیدن استعدادهای درونی و موقعیت آن استعدادهای نسبت به یکدیگر، تجلی می‌یابد. آدمی در این منظر، به خواسته‌های نفسانی و غریزی تمایل دارد و در صورتی که مانعی در پیش روی خود نبیند، به دنبال خواسته‌های نفسانی خویش حرکت می‌کند.

هویت جمعی انسان برخاسته از قرار گرفتن او در فضای عمومی و به عنوان عضوی از گروه، مذهب، قبیله و امت است و به تناسب خواسته‌های جمعی تبلور یافته در آن فضا، تجلی می‌یابد. میزان و نحوه بروز این هویت به توان اطلاع‌رسانی و جذب مخاطب بستگی دارد. از این‌رو، در دنیای نوین نیز این هویت فعال بوده و چه بسا تشدید نیز گردیده است.

هویت جهانی انسان نیز برخاسته از فضای جهانی و موقعیت فرد در جامعه جهانی و نگاه جهانی است. روشن است که این هویت تا حدی از قیود و شرایط هویت جمعی آزاد است. امکانات ارتباطی در اثر رشد و توسعه فناوری وسایل ارتباط جمعی زمینه‌گسترش این هویت را فراهم ساخته‌اند. آن چه مهم است این

است که دوگانگی را باید در اقتضائات متفاوت سطوح و لایه‌های هویتی جست‌وجو کرد و گسترش ارتباطات و خستگی بشر امروز از دنیای مادی و بی‌پاسخ ماندن نیازهای معنوی و عقلانی او رویکرد جدیدی نسبت به دین فراهم کرده است و اسلام با قابلیت و ظرفیت بی‌بدیل پیام‌های جهان‌شمول، می‌تواند از این فرصت استفاده نماید.

حوزه‌های علمیه بر اساس وظیفه ذاتی خود، باید از تمام ظرفیت‌های خود برای به فعلیت رساندن قابلیت‌ها و ظرفیت‌های جهانی، بهره‌برداری و استفاده نماید.

ششمین شماره «ماهنامه دین و بین‌الملل» با هدف شناسایی و رصد قابلیت‌های دینی و فرهنگی در عرصه‌های بین‌المللی، تقدیم حضور مخاطبان فرهیخته و اندیشمند می‌گردد.

سید مفید حسینی کوهساری

مسئول مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه



بخش اول: اخبار

عراق

پرونده خبری: دین و تابوشکنی های صنعت سرگرمی



موج تابوشکنی های دینی در عراق



شهر باستانی بابل ماه گذشته بار دیگر میزبان جشنواره ای بین المللی بود که اجراهای گوناگون رقص و موسیقی را در برنامه داشت.^۱ جشنواره بین المللی بابل نخستین بار در سال ۱۹۸۵ راه اندازی شد، اما این جشنواره از سال ۲۰۰۳ و در پی حمله آمریکا به عراق متوقف شد. حال پس از نزدیک به ۲۰ سال بار دیگر امسال این جشنواره احیا شده است و اجراهای گروهی و فردی متنوعی در این جشنواره برگزار شد. نکته قابل توجه در این جشنواره که خود آن را «بزرگ ترین رویداد

^۱ <https://www.facebook.com/Babylon.International.Festival>

در عراق» می‌خواند، اجراهای متعدد خوانندگان زن مشهور عرب در این جشنواره است.^۱

در همین حال، روز جمعه ۲۲ اکتبر «الاولی نیوز» خبر داد که سازمان گردشگری عراق به یک فروشگاه در استان بابل عراق اجازه فروش مشروبات الکلی را ارائه کرده است. در تصویری که این خبرگزاری منتشر کرده است مجوز فروش مشروبات الکلی برای نخستین بار پس از فروپاشی رژیم بعث در عراق به یکی از فروشگاه‌های نوشیدنی در بابل داده شده است.^۲

هم‌زمان با این اخبار، پایتخت عراق روز پنجشنبه ۲۱ اکتبر شاهد اولین سفر خواننده زن مطرح لبنانی برای اجرای کنسرت بود. حضور این خواننده در عراق که پرطرفدارترین هنرمند در جهان عرب به شمار می‌آید، صداهای موافق و مخالف بسیاری را بلند کرد؛ در همین رابطه عراقی‌ها هشتگ «عراقیون یرفضون غناء الیساف فی العراق» را علیه این خواننده ترند کردند که در آن ضمن محکوم کردن موضع‌گیری‌های ضد مقاومت وی، خواهان ممنوعیت اجرای او در بغداد شده بودند.^۳ با وجود مخالفت‌ها این خواننده شب ۲۲ اکتبر اجرای خود را در بغداد به صحنه برد.

^۱ [https://yal.net/۱۸/۱۰/۲۰۲۱-تعرفوا-علی-۲۰۲۱-مهرجان-بابل-۲۰۲۱-تعرفوا-علی-۲۰۲۱-](https://yal.net/۱۸/۱۰/۲۰۲۱-تعرفوا-علی-۲۰۲۱-مهرجان-بابل-۲۰۲۱-تعرفوا-علی-۲۰۲۱/)
أيا/elkarmaly/news/

^۲ <https://www.awla.news/الموافق-على-فتح-مخزن-لبيع-المشروبات-ل->

^۳ <https://www.alquds.co.uk/م-علاقة-حزب-الله-يرفض-غناء-اليسافي-الع/>

- **ملاحظه:** هم‌زمانی انتشار این اخبار در رسانه‌های عراقی بیش از اینکه خود دارای اهمیت باشد، بازخوردگیری از شخصیت‌های مطرح در نهاد دین شیعی است که می‌تواند هدف اصلی از نشر آن باشد تا مجریان اصلی برنامه‌ریزی لازم را برای تغییرات فرهنگی دنبال کنند.

اعتراض‌های دینی به برگزاری جشنواره بابل



یک روز پیش از آغاز به کار جشنواره بین‌المللی بابل (مهرگان بابل دولتی) که قرار بود از پنج‌شنبه ۲۸ اکتبر و برای نخستین بار پس از سال ۲۰۰۳ دوباره برگزار شود، حسن مندیل استاندار بابل در پاسخ به درخواست‌ها و اعتراض‌های

دینی در استان، دستوری مبنی بر لغو برنامه‌های خوانندگی از جشنواره صادر کرد.^۱

حسن مندی‌علت لغو بخش‌های آوازخوانی این جشنواره را درخواست‌های بسیار از سوی شخصیت‌های دینی و اجتماعی عنوان کرده است. در سندی دیگر، کمیته عالی جشنواره بابل به شرکت‌های برگزارکننده این جشنواره دستور داده که در پاسخ به درخواست‌های «طلاب علوم دینی و شخصیت‌های اجتماعی» بخش آوازخوانی جشنواره را لغو کنند.

رسانه‌های محلی در بغداد به نقل از حیدر ابراهیم، مدیر روابط عمومی استانداری بابل، گفته‌اند که استاندار بنا به دستوری اداری تصمیم گرفته است که اجرای آواز در جشنواره بابل را لغو کند. حیدر ابراهیم تصمیم استاندار را ناشی از درخواست‌های متعدد و همچنین عزم برخی از مردم برای تظاهرات به منظور جلوگیری از آوازخوانی در جشنواره دانست.^۲

گفتنی است عصر روز چهارشنبه ۲۷ اکتبر عده‌ای از طلاب علوم دینی و مردم دین‌دار شهر حله، مرکز استان بابل، تظاهراتی علیه برنامه‌های اباحی‌گرانه جشنواره بابل برگزار کرده و خواستار بیان فرهنگ واقعی و ارزش‌های اصیل مردم عراق در این جشنواره شدند.^۳

^۱ <https://www.nasnews.com/view.php?cat=۷۲۷۱۲>

^۲ <https://www.alaraby.co.uk/entertainment۲۰/۰۰/media/الغناء-جدل-واسع-بشأن-إلغاء>

الفقرات-الغنائية-في-مهر-جان-بابل-الدولي

^۳ <https://t.me/Elixirofwisdom/۱۰۶۲۷>

از سوی دیگر، خبرگزاری عراق (واع) به نقل از یک مقام دولتی، لغو اجرای آواز در جشنواره بین‌المللی بابل را تکذیب کرد. این منبع که هویت او توسط خبرگزاری فاش نشده است، گفت: «گزارش‌های پیرامون لغو اجرای آواز در جشنواره بین‌المللی بابل صحت ندارد.»^۱

خبرگزاری «ناس» نیز به نقل از یکی از اعضای کمیته برگزاری تأکید کرد که «همه برگزارکنندگان جشنواره نامه استاندار را رد کردند». وی افزود: «استاندار هیچ ارتباطی با درخواست لغو ندارد... نامه استاندار بابل تأثیری بر جشنواره نخواهد داشت و همه رویدادها سر جای خود هستند و همه چیز عالی است.»^۲

در همین زمینه، یک مقام محلی در استان بابل به العربی‌الجدید گفت: «سند منتشر شده صحیح است و این اقدام شخصی استاندار حسن مندیل بوده است، اما به سرعت با مخالفت دولت در بغداد مواجه شد، زیرا موضوع خارج از اختیارات استان است، زیرا جشنواره بین‌المللی است و توسط دولت عراق و نه مقامات محلی سازماندهی شده است.» وی افزود: «استاندار سعی کرد با برخی از نیروهای مسلح و جناح‌هایی که جشنواره را رد می‌کنند، با حسن نیت برخورد و از خود

^۱ https://www.ina.iq/۱۳۹۶۳۶_.html

^۲ <https://www.nasnews.com/view.php?cat=۷۲۷۱۴>

مقتدی صدر به طلاب حوزه علمیه عراق شهریه می‌دهد

مقتدی صدر، رهبر جنبش صدر، پنجشنبه ۲۸ اکتبر دستور تخصیص شهریه به طلاب حوزه‌های علمیه عراق را صادر کرد.

در سندی که دفتر مقتدی صدر صادر کرده آمده است: «به منظور همگامی با پیشرفت تحصیلی و غلبه بر وضعیت اجتماعی طلاب حوزه علمیه، حجت الاسلام و المسلمین سید مقتدی صدر دستور اختصاص شهریه به طلاب عراقی علوم دینی حوزه‌های علمیه را صادر کرد».

- **ملاحظه:** گذشته از شرط «عراقی بودن»، دیگر شرط قابل توجه برای دریافت این شهریه ۵۰ هزار دیناری، دادن «تعهد کتبی مبنی بر عدم ورود به مسائل سیاسی» است.^۱

^۱ <https://www.nasnews.com/view.php?cat=۷۲۸۰۲>

مقتدی صدر، قرداحی و جنگ یمن؛ یک بام و دو هوای سعودی‌ها



ویدیویی در توئیتر منتشر شده است که در آن مقتدی صدر جنگ سعودی علیه یمن را ظالمانه و دخالت‌های عربستان در یمن را موجب افزایش فرقه‌گرایی و خشونت در منطقه معرفی می‌کند.

این ویدیو را محمد عبدالسلام سخنگوی انصار الله نیز با هشتگ «الحرب السعودية علی اليمن ظالمة» منتشر کرده است که واکنش منفی شخصیت‌های عربستانی از جمله ترکی الحمد را در پی داشت. ترکی الحمد این صحبت‌های مقتدی صدر را غیر منطقی دانست.^۱

مقتدی صدر این موضع خود را در مصاحبه با فرانس ۲۴ در سال ۲۰۱۵ و ۳ ماه پس از شروع جنگ اعلام کرد. در مصاحبه مذکور مقتدی صدر با صراحت بیان کرده بود که این جنگ، جنگی ظالمانه است که در مورد آن با هیچ‌کس

^۱ <https://arabic.cnn.com/middle-east/article/04/11/2021/iraq-alsadr-saudi-yemen>

تعارف نخواهد داشت. وی همچنین افزود اگر عربستان سعودی این جنگ را متوقف کند آتش فرقه‌گرایی و خشونت نیز در منطقه خاموش خواهد شد.^۱

• **ملاحظه:** با وجود این موضع‌گیری، در سال ۲۰۱۷ محمد بن سلمان ولیعهد عربستان در دیداری که برای اولین بار صورت می‌گرفت، از مقتدی صدر پذیرایی کرد. در پی این دیدار دفتر مقتدی صدر در بیانیه‌ای اعلام کرد که در این دیدار موضوعات مرتبط به عراق مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است.

چندی پیش در لبنان کلیبی از جورج قرداحی وزیر اطلاع‌رسانی دولت لبنان منتشر شد که وی در آن جنگ عربستان علیه یمن را جنگی بیهوده می‌نامید. اگرچه تاریخ کلیپ منتشرشده مربوط به پیش از منصب گرفتن قرداحی در دولت لبنان بود، اما در پی انتشار گسترده این کلیپ عربستان سعودی سفیر خود از لبنان را فراخواند و به سفیر لبنان در عربستان نیز ۴۸ ساعت برای ترک آن کشور فرصت داد. امارات، کویت و بحرین نیز در حمایت از عربستان سفرای خود را از لبنان فراخواندند و قطر نیز موضعی همسو با عربستان گرفت.

اکنون باید دید که منافع مشترک بین عربستان سعودی و جریان پیروز در انتخابات اخیر عراق اجازه اقدام مشابه با حکومت مرکزی عراق را به سعودی‌ها خواهد داد یا بار دیگر ثابت خواهد شد که اقدامات منطقه‌ای عربستان مصداق سیاست یک‌بام و دو هوا است.

^۱ <https://www.france24.com/ar/20150615-مقتدی-الصدر-العراق-الشیعة-تنظیم-150615>

شامات



لغو منصب مفتی جمهوری در سوریه؛ گامی دیگر در رویکرد فرامذهبی

بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه با صدور فرمانی اختیارات شورای فقهی در وزارت اوقاف این کشور را توسعه داده، اما سمت مفتی جمهوری را لغو کرد. تصمیم لغو منصب مفتی جمهوری سوریه چند روز پس از واکنش تند شورای علمی فقهی به تفسیر مفتی احمد بدرالدین حسون از یکی از آیات قرآن اتخاذ شد که این شورا این تفسیر را تحریف و تعریف نادرست دانست و تأکید کرد که نباید به سمت تفاسیر شخصی عجیب کشیده شد و برخی این بیانیه شورای علمی فقهی سوریه را دلیلی بر تقویت اقتدار و نقش وزارت اوقاف سوریه تلقی کردند.

بر اساس فرمان رئیس‌جمهور سوریه، وزیر اوقاف به عنوان رئیس شورای علمی فقهی وزارت اوقاف و دو معاون او از اعضای این شورا هستند.

رئیس اتحادیه علمای بلاد شام، قاضی شرعی اول در دمشق، ۳۰ نفر از علمای ارشد در سوریه به نمایندگی از «همه مذاهب»، نماینده‌ای از ائمه جماعت، پنج نفر از زنان عالمه قرآنی، نماینده‌ای از دانشگاه علوم دینی بلاد شام، دو نماینده از دانشکده‌های شریعت در دانشگاه‌های دولتی سوریه هم در آن عضویت دارند.

از جمله وظایفی که به شورای فقهی سوریه افزوده شده است، تعیین تاریخ شروع و پایان ماه‌های قمری و اعلام احکام فقهی ناشی از آن مربوط به شعائر و عبادات اسلامی است.

بر اساس فرمان رئیس‌جمهور سوریه، صدور فتوا بر اساس ادله فقهی مبنی بر فقه اسلامی با «تمامی مذاهب» آن و تعیین اصول و موازین صدور فتوا از جمله اختیارات جدید شورای فقهی سوریه است.^۱

• **ملاحظه:** این تصمیم بشار اسد برای لغو منصب مفتی جمهوری را می‌توان گامی دیگر برای تمرکز بیشتر نهاد دین در وزارت اوقاف و گشایش نهاد افتا از فضایی تک‌مذهبی (سنی) به تمامی مذاهب موجود در سوریه به شمار آورد.

در ۱۰ اکتبر ۲۰۱۸ مجلس سوریه قانون جدیدی را برای وزارت اوقاف تصویب کرد که جایگزین قانون قبلی این وزارت که به سال ۱۹۶۱م

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۱۳۵۷۴>

بازمی‌گشت، شد.^۱ مهم‌ترین نکته برجسته در این قانون که از سوی بشار اسد به مجلس فرستاده شده بود، محدود کردن دوره مفتی جمهوری به سه سال (در حالی که پیش از آن بدون محدودیت زمانی بود)، تشکیل شورای علمی فقهی ذیل وزارت اوقاف و افزایش اختیارات وزیر اوقاف بود. بر اساس این قانون وزیر اوقاف «نماینده شرعی و قانونی اوقاف اسلامی در سوریه» شمرده شده و مدیریت مدارس و مؤسسات دینی و ریاست «شورای علمی فقهی (المجلس العلمی الفقہی)» و «شورای مرکزی اوقاف» را بر عهده دارد.

شورای فقهی وزارت اوقاف با همین قانون تشکیل شد و شعار اصلی خود را «مرجعیت اندیشه علمای شام به جای کشورهای دیگر» و «ردّ تعصب و فرقه‌گرایی» عنوان کرد.^۲ طبق قانون این شورا متشکل از تمامی مذاهب اسلامی است و در کنار ایشان نمایندگان از طوایف مسیحی (معمولاً دو نفر) حضور خواهند داشت.

طبق آخرین داده‌های^۳ پیش از جنگ داخلی، در سوریه با اکثریت حدود ۷۴ درصدی اهل سنت و حدود ۱۳ درصدی شیعی (علوی و اثنی‌عشری و

^۱ <http://www.sana.sy/?p=۸۲۷۶۰۴>

^۲ https://mow.gov.sy/ar/maglish_profile

^۳ https://www.cia.gov/the_world_factbook/countries/syria/

اسماعیلی)^۱، سالیان دراز علمایی از اهل سنت منصب مفتی اعظم را بر عهده داشتند؛ «محمد شکری راغب اسطوانی» نخستین کسی بود که این منصب را در سال ۱۹۴۱م و پیش از خروج اشغالگران فرانسوی از سوریه بر عهده گرفت. «محمد ابوالیسر عابدین» در سال ۱۹۵۵م با رحلت اسطوانی جایگزین وی شد. در سال ۱۹۶۴م عابدین برکنار و «شیخ احمد کفتارو» مفتی اعظم سوریه گشت. وی چهل سال در این منصب بود تا اینکه در سال ۲۰۰۴م با وفات وی، «احمد بدر الدین حسون» مفتی اعظم سوریه شد.

^۱ طبق همین آمار، ۱۰ درصد جمعیت مسیحی و ۳ درصد دروزی هستند. گفتنی است این برآورد برای پیش از جنگ داخلی در سوریه است و بی‌شک با مهاجرت‌های گسترده پناهجویان سوری، این آمار تغییراتی داشته است.

مرکز دار الحدیث العمود در شمال منطقه الجوبه در سال ۲۰۱۹ با مدیریت یحیی الحجوری تأسیس شد. الحجوری، شاگرد مقبل هادی الوادعی، مؤسس دارالحدیث دماج در صعده و جانشین او پس از مرگش بود. دارالحدیث دماج در سال ۲۰۱۳ توسط انصار الله محاصره و پس از درگیری‌های چندماهه تخلیه شد. هرچند یحیی الحجوری خاطره خوبی از نیروهای انصار الله ندارد ولی با توجه به بیانیه چند روز گذشته وی، همراهی قبایل منطقه العمود با انصار الله و پیشروی‌های سریع نیروهای صنعا در این جبهه به نظر می‌رسد حمله به دارالحدیث العمود توسط سعودی و برای ایجاد تنش صورت گرفته باشد.

شیخ مشهور سلفی یمن: انصار الله ولی امر مسلمانان یمن است



۸ نوامبر تعدادی از شیوخ سلفی استان‌های تعز و إب با محمدعلی الحوثی رئیس کمیته عالی انقلاب یمن و عضو شورای عالی سیاسی انصار الله دیدار کردند.

در این دیدار که با حضور شیخ محمد المهدی از شیوخ مشهور سلفی یمنی و رئیس جمعیت خیریة الحکمة برگزار شد بر لزوم گفتگو بین مذاهب مختلف اسلامی تأکید شد.

شیخ محمد المهدی در این دیدار با تأکید بر اینکه انصار الله در حال حاضر ولی امر مسلمانان یمن است، گفت ما سلفی‌ها خود را مکلف به حبّ و تسلیم و اطاعت از شما می‌دانیم و این «دین» و اعتقاد ما است و مسئله «سیاست» نیست. وی افزود ما در بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه خود، مردم به خصوص جوانان را به مشاهده وضعیت آشفته و ناامنی‌های عدن و دیگر مناطق تحت کنترل دولت هادی فرامی‌خوانیم و بابت امنیت موجود در مناطق زندگی خود از انصار الله سپاسگزاریم.

نماینده شیوخ سلفی تعز نیز در این دیدار با اشاره به حضور منظم سلفی‌های استان تعز در مراسم‌ها و راهپیمایی‌های انصار الله و حتی حضور برخی افراد با اعتقادات سلفی در مقابله با ائتلاف عربی درخواست‌های خود از دولت صنعا را مطرح کرد.^۱

- **ملاحظه:** شیخ محمد المهدی شیخ سلفی مشهور یمنی مستقر در استان إب در مرکز یمن است که از ابتدای دهه ۹۰ میلادی جمعیت خیریه الحکمه را به همراه تعدادی دیگر از همفکران خود تأسیس کرد و تاکنون ریاست آن را بر عهده دارد.

^۱ <https://www.youtube.com/watch?v=hAΔySqtBGxA>

جمعیت خیریه الحکمه یکی از فعال‌ترین خیریه‌های سلفی یمن است که فعالیت‌های مذهبی و خیریه زیادی در مناطق مختلف یمن انجام داده است. هم‌زمان با انقلاب بهار عربی در سال ۲۰۱۱ حزب سلفی رشاد به عنوان بازوی سیاسی این تشکیلات تأسیس شد. این حزب پس از حمله عربستان به یمن مانند دیگر تشکیلات سیاسی یمنی به دو شاخه موافق و مخالف حمله عربستان به یمن تقسیم شد. المهدی از ابتدای انقلاب انصار الله با سیطره انصار بر استان إب مخالفت نکرده و تاکنون با دولت صنعا همراه بوده است.

حجوری برای کمک به انصار الله در مأرب پیش‌قدم شد



یحیی الحجوری شیخ برجسته سلفی با حمایت از نیروهای صنعا در شهر مأرب به گروه‌های سلفی ضد ائتلاف پیوست.

عبدالباسط الزیدی، یکی از بازوهای اجرایی حجوری، در میان گروه بزرگی از رهبران سلفی در صنعا حضور پیدا کرده و در تهیه کاروان تدارکاتی برای حمایت از مجاهدین انصار الله در مأرب شرکت کردند.

به هنگام تحویل کاروان حمایتی در صنعا، در کنار الزیدی دیگر رهبران برجسته جنبش سلفی، از جمله محمد الأهدل رئیس جمعیه الاحسان، شیخ صالح الوادعی، رئیس جمعیه الصدیق، و شیخ عارف حجری، رئیس جمعیه الحکمه، نماینده شیخ محمد الامام، رئیس مرکز معبر و صالح بن جدبان حضور داشتند.

کاروان تدارکاتی سلفی‌ها یک روز پس از دیدار رهبران جریان‌های سلفی با محمد علی الحوثی، از اعضای شورای عالی سیاسی، تهیه و اهدا شده است، دیداری که در آن رهبران سلفی بر اطاعت خود از انصار الله به عنوان «ولی امر» مسلمان یمن تأکید کردند.

آنچه این کاروان را متمایز می‌کرد، حضور حجوری بود که ائتلاف چند روز پیش مرکز او در الجوبه را هدف حمله هوایی قرار داد. این حمله در پاسخ به پرهیز حجوری از جنگ در صفوف ائتلاف و آغاز انتقال شاگردانش به المهره با نزدیک شدن جنگ به مرکز او در منطقه الجوبه بوده است.^۱

^۱ <https://alkhabaralyemeni.net/۱۴۹۸۸۶/۱۰/۱۱/۲۰۲۱/>

عربستان به یك روحانی شیعه لبنانی مخالف حزب الله تابعیت داد



به گزارش روزنامه عکاظ، عربستان سعودی به «محمد الحسینی» روحانی شیعه لبنانی و دبیرکل شورای موسوم به «شورای اسلامی-عربی (المجلس الإسلامی العربی)» در لبنان، تابعیت سعودی داد.

نام الحسینی در فهرستی از کارشناسان حوزه انرژی و شخصیت‌های دینی، پزشکی و آموزشی دیده می‌شود که به تازگی از سوی پادشاه عربستان تابعیت این کشور را دریافت کرده‌اند.

وی پس از دریافت تابعیت عربستان گفت: «با یک دستور سخاوتمندانه، تابعیت عربستان را به ما دادند و این افتخار بزرگی است که زیباترین مفاهیم وفاداری و وابستگی را بیان می‌کند».

الحسینی با تمجید از اقدامات محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی و چشم‌انداز ۲۰۳۰ وی، تأکید کرد: «اعطای تابعیت عربستان در واقع وفاداری،

وابستگی و مسئولیتی است که هر انسان عربی و مسلمان به آن افتخار می‌کند و مسئولیت حفظ چنین بخشش گران‌سنگی مترتب بر آن است».

روزنامه عکاظ درباره وی مدعی شده است: «الحسینی به مخالفت با فرقه‌گرایی، حمایت از طرح‌های معتدل و مقاومت با تلاش‌ها برای سیاسی کردن طایفه شیعیان شناخته شده است».

الحسینی خود را یک روحانی شیعه معتدل معرفی می‌کند و مدعی است که با مقابله با فرقه‌گرایی می‌پردازد.

وی از مخالفان شدید حزب الله لبنان است و سال ۲۰۱۱ میلادی به جرم جاسوسی برای رژیم صهیونیستی توسط نیروهای امنیتی این کشور بازداشت شد.^۱
(ترجمه: شفقنا)

• **ملاحظه:** طبق گزارش روزنامه الشرق الاوسط چاپ لندن عربستان به ۲۷ شخصیت جدید علمی، پژوهشی و پزشکی تابعیت سعودی اعطا کرده است.

از میان شخصیت‌های دینی، چهار عضو شورای عالی رابطه العالم الاسلامی به چشم می‌خورد که شاید شناخته‌شده‌ترین آنها در ایران، رضوان السید، نویسنده و اندیشمند لبنانی و برنده جایزه بین‌المللی ملک فیصل در زمینه مطالعات اسلامی باشد. سه شخصیت دیگر در این میان، مصطفی سربیک، رئیس العلماء و مفتی اعظم سابق بوسنی و هرزگوین، حسین داودی، رئیس

^۱ <https://www.okaz.com.sa/news/local/۲۰۸۸۱۳۸>

المجلس الاسكندنافي للعلاقات، محمد نمر السماك، دبیر كل الجنة الإسلامية - المسيحية للحوار هستند.
این فهرست همچنین شامل عبدالله صالح عبدالله مورخ عراقی و محمد الحسینی است.^۱

تابوشکنی در نمایشگاه کتاب ریاض؛ عرضه کتبی که تاده‌ها ممنوع بود



روزنامه العرب چاپ لندن نوشت: در نمایشگاه بین‌المللی کتاب ریاض که از اول تا دهم اکتبر برگزار شد، کتبی با عناوین متنوع در زمینه ادبیات و اندیشه‌های مختلف دیده می‌شد که تا پیش از این در عربستان سعودی ممنوع بود و تابو محسوب می‌شدند.

^۱ <https://al-ain.com/article/saudi-nationality-doctors-list>

العرب همچنین نوشت: نمایشگاه کتاب امسال ریاض هم‌زمان با موج اصلاحات اجتماعی و دینی که در عربستان دنبال می‌شود، شاهد گشایش بی‌سابقه و کاهش چشم‌گیر سانسور کتب بود؛ به طوری که در قفسه‌های این نمایشگاه، کتبی در مورد سکولاریسم، تصوف، مسیحیت، هم‌جنس‌گرایی، رمان‌های سیاسی و رمان‌هایی درباره جادوگری و دیگر موضوعاتی دیده می‌شد که دهه‌ها در عربستان محافظه‌کار ممنوع بود و تابو محسوب می‌شد.

این روزنامه در ادامه با اشاره به اینکه نمایشگاه کتاب امسال ریاض به مدت ده روز در ماه اکتبر جاری برگزار شد و حدود هزار ناشر از سی کشور جهان در آن مشارکت داشتند، در ادامه نوشت: «محمود القدومی» پزشک اردنی که ده سال است در ریاض زندگی می‌کند، در این باره می‌گوید: نمایشگاه امسال شاهد تغییرات بنیادین و جسارت و آزادی بیشتر در انتخاب بود در حالی که در دوره‌های قبلی نمایشگاه، شاهد سانسور شدید کتب بودیم.

القدومی با ابراز تعجب از این موضوع ادامه می‌دهد: در نمایشگاه امسال برخلاف آنچه در دهه‌های گذشته رایج بوده، کتب و رمان‌هایی در مورد تصوف نیز وجود داشت.

کتاب‌هایی با موضوع سکولاریسم، مسیحیت و هم‌جنس‌گرایی نیز در قفسه‌های نمایشگاه کتاب ریاض دیده می‌شد.

«اسلام فتحی» مدیر انتشارات «دارالحلم» مصر که هر ساله در نمایشگاه کتاب ریاض شرکت می‌کند، در این باره می‌گوید: امسال کتاب‌هایی را با خود آوردیم که حتی فکرش را هم نمی‌کردیم که بتوانیم در عربستان مطرح کنیم.

وی ادامه می‌دهد: در صدر آنها رمان‌های روسی است که به دلیل واقع‌گرایی و جانب‌داری از طبقات کارگر و فقرا در نمایشگاه ممنوعه بود در حالی که امسال رمان‌های داستایوفسکی و تولستوی در قفسه‌های نمایشگاه دیده می‌شد. فتحی خاطر نشان می‌کند: ما همچنین رمان‌های سیاسی را نظیر رمان «قلعه حیوانات» و «۱۹۸۴» نوشته جرج اورول در این نمایشگاه به معرض فروش گذاشتیم.

از سوی دیگر سه جوان سعودی که از نمایشگاه کتاب امسال خرید کرده بودند، می‌گویند: قبلاً کتاب‌های ممنوعه را قاچاقی می‌خریدیم اما اکنون در نمایشگاه دسترس بودند.

مسئولان یک انتشاراتی در لبنان که خواست نامش فاش نشود در این باره می‌گوید: قبلاً در امر ورود کتب سختگیری شدیدی می‌شد اما در نمایشگاه امسال چنین چیزی وجود نداشت و وزارت اطلاع‌رسانی عربستان به راحتی مجوز می‌داد.^۱ (ترجمه شفقنا)

- **ملاحظه:** از زمانی که محمد بن سلمان در سال ۲۰۱۷ به ولیعهدی رسید، عربستان سعودی دستخوش اصلاحات اساسی اقتصادی، اجتماعی و مذهبی شده است.

وی به زنان اجازه رانندگی و برگزاری کنسرت داده و به ممنوعیت اختلاط زن و مرد پایان داده است و اختیارات هیئت امر به معروف و نهی از منکر را نیز کاهش داده است.

^۱ معرض الرياض للكتاب - يقدم - عناوين - جريئة - تسقط - المحظورات / <https://alarab.co.uk/>

ماجد القصبی، وزیر اطلاع‌رسانی عربستان در پاسخ به سؤال خبرگزاری فرانسه گفت: پادشاهی در حال تجربه دگرگونی بی‌سابقه‌ای است و بی‌تردید کتاب در قلب این تحول قرار دارد... و در حال حاضر گشودگی به فرهنگ و کتاب رسیده است.

سعود الکاتب یکی از مسئولان برگزاری نمایشگاه کتاب در جده در سال ۲۰۱۵، یادآور شد که اعضای هیئت امر به معروف و نهی از منکر در برگزاری رویدادهای فرهنگی دخالت و از مشارکت زنان جلوگیری می‌کردند، که به گفته وی دیگر این امور به تاریخ پیوسته است.

نمایشگاه بین‌المللی کتاب ریاض در طول دوره‌های مختلف دارای حواشی بسیاری بوده که مهم‌ترین آنها ممنوعیت‌های گسترده کتاب در آن است. در سال ۲۰۱۴، خبرگزاری فرانسه از توقیف بیش از ۱۰ هزار نسخه از ۴۲۰ کتاب در نمایشگاه کتاب سال ۲۰۱۴ ریاض خبر داد.

در دوره‌های گذشته، اهالی فرهنگ و ادب عربستان از نبود آزادی برای حضور کتاب‌های متنوع و ممنوعیت بیش از حد در این نمایشگاه، انتقاد می‌کردند.

این در حالی است که پیش از این و در سال‌های گذشته حضور کتاب‌های سیاسی و کتاب‌های مربوط به انقلاب‌های عربی در نمایشگاه ریاض ممنوع بود به گونه‌ای که کتاب‌های «سید قطب» به بهانه اینکه این کتاب‌ها مشوق حرکت‌های جهادی در جهان اسلام و جهان عرب است از حضور در این نمایشگاه ممنوع بود.

در این باره و در سال ۲۰۱۴ ناصر الهجیلان، معاون وزارت فرهنگ و ناظر کلی نمایشگاه، تأکید کرد که کتاب‌های ممنوعه‌ای که با ثبات مذهبی و سیاسی در تعارض هستند ممنوع و از انتشار آنها جلوگیری به عمل می‌آید.

آزادی برخی زندانیان عقیدتی در عربستان سعودی



به نقل از حساب کاربری «معتقلی الرأی» در توئیتر، برخی از مبلغین و اساتید دانشگاه‌های اسلامی عربستان طی روزهای گذشته و پس از ۴ سال آزاد شدند.

از جمله این افراد، دکتر

عبداللطیف الحسین، استاد فرهنگ اسلامی دانشکده شریعت دانشگاه امام محمد بن سعود، پس از گذراندن ۴ سال در بازداشت، آزاد شد.

عبداللطیف الحسین به عنوان بخشی از کمپین دستگیری سپتامبر ۲۰۱۷ که گروهی از فعالان، روشنفکران و واعظان را هدف قرار داد، توسط نیروهای امنیتی عربستان دستگیر شد.

مقامات سعودی، دکتر یوسف المهوس، رئیس سابق دانشکده علوم و مطالعات انسانی در حوطه سدیر را نیز پس از گذراندن ۴ سال در زندان، بدون محاکمه آزاد شدند.

از دیگر واعظان زندانی، محمد صالح المنجد است که به استراحتگاهی برای تدارک آزادی وی پس از ۴ سال بازداشت، منتقل شده است.^۱

- **ملاحظه:** از زمان به قدرت رسیدن «محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی در سال ۲۰۱۷ و با وجود اصلاحات ظاهری شاهزاده سعودی، مقامات کمپین‌های دستگیری گسترده‌ای را علیه وعاظ، نویسندگان، دانشگاهیان و فعالان، با توجه به گرایش‌های اصلاح‌طلبانه و دیدگاه‌های سیاسی و در جهت خفه کردن صداهای مخالف در این کشور به راه انداخته‌اند. بازداشت مبلغان و علما با دستگیری سلمان العوده و عوض القرنی، از رهبران جنبش الصحوه، آغاز شد و پس از آن موج دستگیری‌ها با سرعت بیشتری ادامه یافت و شخصیت‌های برجسته‌ای همچون عبدالعزیز الفوزان، صالح آل طالب خطیب مسجد الحرام و سفر الحوالی و چندین فعال زن و مرد دیگر را به بند کشید.

^۱ نقل‌المنجد-مرکز المناصحة-تمهیداً لل / <https://mbsmetoo.org/>

تعیین یعقوب هرتزوغ به عنوان خاخام یهودیان عربستان!



موران تی، در توییته مدعی شد یعقوب هرتزوغ به عنوان خاخام یهودیان عربستان منصوب شده و این انتصاب را به وی تبریک گفت!

وی در این توییت تصویری از حکم انتصاب هرتزوغ را که از قدس صادر شده به نمایش گذاشت.^۱

هرتزوغ مدتی است در ریاض حضور دارد و برخی فعالیت‌های خود در پایتخت عربستان را به صورت ویدئویی با مخاطبین به اشتراک می‌گذارد. وی چندی پیش اعلام کرده بود که قرار است با محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی دیدار کند.

^۱ <https://www.watanserb.com/۱۲/۱۱/۲۰۲۱/تعیین-الحاخام-یعقوب-هرتسوغ-حاکما-۱>

سعودی پس از عادی‌سازی روابط امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی و با وجود کنار رفتن ترامپ، پدرخوانده عادی‌سازی اعراب و اسرائیل در سال‌های اخیر، همچنان میل به عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل را مخفی نکرده است. برخی تحلیلگران معتقدند در صورتی که تعیین هرتزوغ صحت داشته باشد، این اقدام منجر به افزایش تعداد یهودیان در عربستان خواهد شد و تلاشی برای تقویت عادی‌سازی اجتماعی روابط پیش از عادی‌سازی سیاسی آن خواهد بود.

نماز باران در کشورهای خلیج فارس



فعالان در شبکه‌های اجتماعی ویدئویی را منتشر کردند که در آن امیر قطر پس از اقامه نماز باران، به تاسی از سنت پیامبر اکرم (ص) در اقامه نماز باران، عباي خود را برمی‌گرداند و آن را وارونه می‌پوشد.

امیر قطر پنج‌شنبه ۶ آبان در مراسم اقامه نماز طلب باران شرکت کرد.

در این نماز که در مصلاهی «الوجه» در دوحه پایتخت قطر برگزار شد، در کنار شیخ تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی، شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی امیر سابق قطر، حسن بن عبدالله الغانم رئیس مجلس شورای قطر و شماری از شیوخ و وزرا و مقامات این کشور حضور داشتند.

این نماز به اقامت شیخ ثقیل بن سایر الشمیری قاضی دادگاه عالی قطر و عضو شورای عالی قضایی این کشور اقامه شد.

• **ملاحظه:** بیشتر کشورهای حاشیه خلیج فارس دست کم سالی یک بار، نماز باران اقامه می‌کنند. در عربستان، این نماز سالی چند بار برگزار می‌شود.^۱

گفتنی است نماز باران پنج‌شنبه ۱۳ آبان در عربستان^۲، جمعه ۱۴ آبان در اردن^۳ و جمعه ۲۱ آبان در امارات^۴ اقامه شد.

^۱ <https://alkhaleejonline.net/مجتمع/امیرقطر-یؤدي-صلاة-الاستسقاء-في-الدوحة>

^۲ <https://fa.shafaqna.com/news/۱۲۵۶۳۷۷/>

^۳ <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۱۰۸۱۹>

^۴ <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۰۰۸۱۶۱۲۱۸۲>

دیدار سفیر دولت نجات ملی یمن در ایران با سه تن از علما و مراجع تقلید



آیت‌الله نوری همدانی ضمن ابراز خرسندی از این دیدار، بقاء امت اسلامی را منوط به اتحاد و همبستگی و جهاد در مقابل استکبار عنوان نموده و مردم یمن و پیروزی‌های آنها به رهبری سید عبدالملک الحوثی را نمونه بارز از این مقاومت عنوان و سکوت مسلمانان و جامعه جهانی در برابر جنایت‌های صورت گرفته در یمن را تقییح کردند.

آیت‌الله جوادی آملی نیز ضمن برشمردن ضرورت جهاد در برابر بدخواهان و دشمنان امت اسلامی، بر لزوم همراهی و یاری به مردم یمن در این عرصه تأکید کردند.

آیت‌الله اعرافی، رئیس حوزه‌های علمیه کشور نیز ضمن برشمردن ظرفیت‌های موجود در حوزه‌های علمیه، آمادگی حوزه را برای همکاری و تبادل علمی با مراکز دینی یمن اعلام کردند.

ابراهیم الدیلمی، سفیر یمن هم ضمن ابلاغ سلام رهبر انصار الله، سید عبدالملک بدرالدین الحوثی به حضرات آیات عظام و ابراز خرسندی از این دیدارها، به تشریح وضعیت یمن و همراهی مردم مقاوم این کشور با محور مقاومت به‌رغم محاصره هفت‌ساله و مشکلات موجود اشاره کرد.

الدیلمی همچنین بر لزوم افزایش همراهی و کمک به این بخش مهم محور مقاومت تأکید و آن را باعث تقویت روابط بین دو کشور در برابر ائتلاف سعودی-آمریکایی عنوان و جمهوری اسلامی ایران را تنها حامی مردم یمن در برابر این تجاوز و ستمگری معرفی کرد.

القاعدہ مسئولیت ربودن العطاس واعظینی را بر عهده گرفت



در ۱۲ اکتبر امسال، افراد ناشناس، طاهر بن حسین العطاس، را در شهر تریم در مقابل خانه او ربودند. القاعده مسئولیت این عملیات را به عهده گرفته است.

روزنامه نگار صبری مخاشن، در حساب شخصی خود در توئیتر نوشت:

القاعده خواستار آزادی تعدادی از رهبران خود در زندان المکلا شد و وزیر کشور یمن موافقت خود را با خواسته‌های القاعده اعلام کرد.
العطاس از صوفیان باعلوی یمن است که رهبری آن را عمر بن حفیظ بر عهده دارد.^۱

محمد العیسی: علمای مسلمان می‌توانند طالبان را به سمت اعتدال سوق دهند



محمد بن عبدالکریم العیسی
دبیرکل رابطه العالم الاسلامی، در
مقاله‌ای در روزنامه انگلیسی
تایمز، نوشت: «طالبان با کمک
علمای امت می‌تواند به سمت
اعتدال حرکت کند».
العیسی در مقاله خود
نوشت: نیروهای ائتلاف به

رهبری آمریکا جنگی ۲۰ ساله در افغانستان به راه انداختند، اما آنها فاقد اقتدار مذهبی لازم برای کشف نسخه‌ای معتدل از هویت اسلامی بودند، هویتی که طالبان مدعی دفاع از آن بود.

^۱ https://ye_now.com/news۶۵۰۲۷۴۰.html

از نگاه العیسی «این دین است که اکثر افغان‌ها را به هم پیوند می‌دهد» و توضیح داد که این نیرویی است که طالبان برای ایجاد جنبش خود، متحد کردن جناح‌ها و ارائه جایگزینی برای دولت مورد حمایت آمریکا استفاده کرد. وی تأکید کرد که دین قوی‌ترین نیرو برای هدایت طالبان به سوی آینده‌ای معتدل است و این بدان معناست که جهان اسلام هنگام برخورد با دولت طالبان باید از اقتدار دینی جمعی خود استفاده کند.

وی گفت که ۲۰ سال پیش، زمانی که ایالات متحده خواستار استرداد اسامه بن لادن بود، طالبان پیشنهاد داد او را به دادگاهی که تحت نظارت سازمان همکاری اسلامی (یک نهاد اسلامی متشکل از ۵۷ کشور است) بفرستد. با وجود امتناع دولت بوش، طالبان در مورد اعتماد خود به این سازمان اظهاراتی می‌کردند، که این نشان می‌دهد که جهان اسلام می‌تواند بر طالبان تأثیر بگذارد.

وی گفت: بسیاری از کشورهای اسلامی آموخته‌اند که چالش‌های مدرنیته و باورهای آن را از طریق استدلال‌های علمی اسلامی متعادل کنند.

وی ادامه داد: رابطه العالم الاسلامی از طالبان خواست تا به ترویج اسلام مدارا پایبند باشند. همچنین به دانشمندان افغانستانی و پاکستانی پیشنهاد تشکیل کمیته‌ای مشترک را داد که برای ترویج دیدگاه‌های صلح در ارزش‌های اصیل اسلامی ریشه دارد.

وی در پایان مقاله خاطر نشان کرد که افغانستان با گرسنگی، شورش احتمالی و کسری بودجه عظیم روبروست. طالبان باید گوش دهند - و امتیاز دهند - و گر نه دولت آنها شکست خواهد خورد. این بدان معناست که علما و روحانیون

مسلمان جهان از یک فرصت ارزشمند برای تبدیل کردن افغانستان به کشوری آرام، برخوردارند.

- **ملاحظه:** دیدگاه‌های محمد العیسی پیرامون به اعتدال کشاندن طالبان در حالی است که سعودی‌ها پس از سقوط کابل به دست طالبان تاکنون چندین بار و در سطوح مختلف نگرانی خود را بابت وضعیت پیش آمده در این کشور ابراز کردند، اما به مانند بسیاری کشورهای دیگر تاکنون موضعی رسمی در تأیید و حمایت یا رد و نفی طالبان اتخاذ نکرده‌اند.
- ترکی الفیصل که سعودی‌ها وی را مأمور مذاکره با طالبان نموده‌اند در گفتگو با CNBC با انتقاد از سیاست‌های آمریکا در قبال افغانستان، راهبرد آمریکا در خروج از این کشور را آمیزه‌ای از بی‌کفایتی، بی‌مبالاتی و بی‌مدیریتی خواند. وی در بخش دیگری از گفتگوی خود با یادآوری حملات گذشته القاعده (هم‌پیمان طالبان) به عربستان، بابت سلاح‌هایی که آمریکایی‌ها در افغانستان رها کرده‌اند ابراز نگرانی کرد و افزود، رسیدن این سلاح‌ها به القاعده ممکن است نگرانی‌های این کشور را تشدید کند.
- وزیر امور خارجه عربستان سعودی اعلام کرد: هیچ ارتباطی با دولت طالبان نداریم و آنان را هنوز به رسمیت نشناخته‌ایم. فیصل بن فرحان در یک مصاحبه اختصاصی با «India Today» اظهار داشت که تروریسم فرامرزی و بین‌المللی یک نگرانی جدی است.
- او ضمن اشاره به اینکه کشورش هیچ‌گونه ارتباطی با دولت جدید طالبان در افغانستان ندارد، گفت احیای القاعده، داعش و طالبان در افغانستان یک «نگرانی واقعی» است.

این اظهارات مقامات عربستان در حالی مطرح می‌شود که این کشور یکی از سه کشوری بود که حاکمیت طالبان را در دهه ۱۹۹۰ به رسمیت شناخته بود و مسئول مذاکره عربستان با طالبان در آن زمان بر عهده «ترکی الفیصل» رئیس سابق سرویس اطلاعاتی این کشور بوده و پس از ۲۰ سال بار دیگر این مسئولیت به او واگذار شده است.

بنا بر گفته وب سایت فرانسوی «ایتلیجنس آنلاین» عربستان برای انجام گفتگوی منطقی با طالبان و با هدف از بین بردن آنچه نفوذ ایران در افغانستان خوانده شده، چهره اطلاعاتی کهنه کار این کشور یعنی «ترکی الفیصل» را برای انجام این مأموریت انتخاب کرده است.

به گزارش این وب سایت، مأموریت ترکی الفیصل برای تمدید روابط با رهبران طالبان به دلیل تجربه او در تعامل با آنها در هنگام قدرت گرفتن این جنبش قبل از حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی است.

حوزه ترکی

اعلام حمایت بایدن از رهبر ارتدوکس ترکیه در محبوحه تنش با این کشور



دولت جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، روز دوشنبه ۲۵ اکتبر در دیدار با رهبر معنوی مسیحیان ارتدوکس جهان مستقر در استانبول، حمایت خود را از آن اعلام کرد.

بارتولومئوس، اسقف اعظم کلیسای ارتدوکس شرقی که به آمریکا سفر کرده پشت درهای بسته با جو بایدن رئیس‌جمهور این کشور دیدار کرد.

وی همچنین با آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا نیز گفتگو کرده است. بایدن در این دیدار از کلیسای ارتدوکس و نیز آزادی مذهب در نقاط مختلف جهان از جمله ترکیه حمایت کرده است. بارتولومئوس، اسقف اعظم کلیسای

ارتدوکس اصلیتی ترک‌تبار دارد و در میانه تنش در روابط آنکارا و واشنگتن به آمریکا سفر کرده است.^۱

• **ملاحظه:** روابط اردوغان رییس جمهور ترکیه با سراسقف کلیسای شرقی در استانبول خوب بود اما این روابط سال گذشته به دلیل تغییر کاربری ایاصوفیه به مسجد به تیرگی گرایید. دولت بایدن روابط تیره‌ای با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه داشته است؛ در آخرین اقدام ترکیه هفته گذشته سفرای ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی را به دلیل بیانیه‌ای درباره حقوق بشر تهدید به اخراج کرد.

همچنین در زمان رئیس‌جمهور سابق آمریکا، در اقدامی غیرمعمول، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ترامپ در آخرین سفر بین‌المللی خود برای دیدار با پاتریک بارتلمئوس رهبر کلیسای ارتدوکس به استانبول سفر کرد و مقامات ترکیه را ندید، وی در این دیدار با تأکید بر اینکه آمریکا بر آزادی‌های دینی در تمامی کشورها تأکید می‌کند، که این امر خشم مقام‌های ترکیه را برانگیخت.

حامی آکسوی سخنگوی وزارت خارجه ترکیه در اعتراض به برخورد آمریکایی‌ها با سفر اسقف اعظم به آمریکا، ضمن تأکید بر اینکه «دیدارهای مسئولان خارجی با رهبران دینی در ترکیه، خصوصاً مسئولان کلیسای ارتدوکس یک امر متعارف در ترکیه و مسبوق به سابقه است»،

^۱ https://www.france24.com/en/live-news/20211025_biden_offers_support_to_orthodox_leader_amid_turkey_tensions

افزود: در زمینه آزادی‌های دینی پیشرفت‌های ترکیه خصوصاً در طول ۲۰ سال گذشته مشهود است و در زمانی که اقلیت‌های دینی خصوصاً مسلمانان در کشورهای مختلف امکان حتی عبادت خود را از دست داده‌اند، اتباع غیرمسلمان ترکیه با آزادی کامل عبادت‌های خود را بجای می‌آورند.

لازم به ذکر است چندی پیش نیز جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا ۲۴ آوریل در یک‌صد و ششمین سالگرد بزرگداشت قربانیان کشتار و تبعید ارامنه در امپراتوری عثمانی، این واقعه را به عنوان «نسل‌کشی» به رسمیت شناخت. وزیر خارجه ترکیه در واکنش به اظهارات بایدن درباره نسل‌کشی ارامنه، آن را «پوپولیستی» خواند.

دیدار علی‌اف با ارباش در باکو



الهام علی‌اف رئیس‌جمهوری آذربایجان دیروز ۲۹ اکتبر با علی ارباش رئیس سازمان دیانت ترکیه دیدار کرد.

الهام علی‌اف «روز جمهوری» (۲۹ اکتبر) را به مردم ترکیه تبریک گفت و برای مردم ترکیه آرزوی خوشبختی و سعادت کرد.

الهام علی‌اف با ابراز خرسندی از سفر اخیر رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه به آذربایجان، تأکید کرد که این سفر نمونه دیگری از روابط برادرانه و دوستانه آذربایجان و ترکیه است و روابط ما را تقویت می‌کند. علی‌ارباش با اشاره به اهمیت سفر خود به سرزمین‌های آزادشده قره‌باغ، خاطرنشان کرد که شاهد تخریب تمامی آثار تاریخی و مذهبی توسط ارامنه در دوران اشغال بوده است.

دو طرف بر توسعه موفقیت‌آمیز روابط برادرانه و دوستانه بین دو کشور در همه زمینه‌ها اشاره کردند.^۱

^۱ https://azertag.az/ar/xeber/arabic_۱۹۱۲۱۲۶

اذان مشترک ارباش در مسجدی در قره‌باغ آذربایجان



علی ارباش، رئیس سازمان دیانت ترکیه و عثمان شاهین، قاری قرآن و رئیس کمیته بازنگری قرآن در این سازمان، ۲۷ اکتبر در مسجدی در قره‌باغ آذربایجان اذان مشترک خواندند.

ارباش در سفر

اردوغان به آذربایجان، در مسجد گوهر آغا، که نماد آزادی شهر باستانی شوشی در قلب قره‌باغ است، حضور یافته و این اذان مشترک را اجرا و در صفحه توئیتر خود به اشتراک گذاشت.^۱

- **ملاحظه:** چندی پیش نیز علی ارباش و عثمان شاهین در سفر خود به بلغارستان در مسجد «مرادیه» شهر «پلوودیو» این کشور اذان مشترکی را اجرا کردند که در شبکه‌های اجتماعی با استقبال گسترده روبه‌رو شد.^۲

^۱ <https://twitter.com/DIBAliErbas/status/۱۴۵۳۴۱۹۵۰۱۲۰۷۳۶۳۵۸۸>

^۲ https://tr.agency/news_۱۳۳۹۴۳

افتتاح کمیته بین‌المللی حمایت از پیامبر اکرم (ص) در ترکیه



«کمیته بین‌المللی حمایت از پیامبر اکرم (ص)» با حضور جمعی از علما و روحانیون سراسر جهان در کشور ترکیه راه‌اندازی و افتتاح شد.

در مراسم افتتاحیه، بیش از ۳۰۰ شخصیت مذهبی و سیاسی از جمله علی قره داغی دبیرکل اتحاد العلماء، محمد الحسن ولد الددو واعظ موریتانیایی و خالد مشعل رئیس جنبش حماس، شرکت داشتند.

کمیته حمایت از پیامبر (ص) در نظر دارد با راهنمایی‌ها و توصیه‌های علمای امت در معرفی پیامبر (ص) و سیره آن حضرت به تمام زبان‌های زنده و در جهت پر کردن خلأهای موجود، که از آن طریق افراد بدخواه نفوذ می‌کنند، فعالیت داشته باشد.

همچنین بر اساس آنچه در همایش توسط برگزارکنندگان اعلام شد، تلاش می‌شود تا از طریق کمیته‌های تخصصی به شبهات مطرح شده از سوی دشمنان ملت و بشریت پاسخی علمی و شرعی داده و از طریق تریبون‌های رسانه‌ای منتشر شود.

محمد گورمز، رئیس سابق سازمان دیانت ترکیه و رئیس معهد التفکر الإسلامی در آنکارا، در سخنرانی خود در این کنفرانس تأکید کرد که برای تضعیف اسلام و مسلمین، ناعادلانه‌ترین و بدترین هجمه‌ها به پیامبر (ص) و تمدنی که به او ایمان آورده‌اند، وارد می‌کنند.

وی توهین به پیامبر خدا را توهین به شخص او و مسلمانان و اعراب منحصر نکرده و توهین به پیامبر (ص) را توهین به هر چیزی که برای تمام تمدن بشری از آدم تا عیسی بن مریم ارزش داشته، دانسته است.

گورمز علت حمله غرب به پیامبر (ص) را به جهت جایگاه والای پیامبر (ص) در میان مسلمانان بیان می‌کند و می‌گوید که این بی‌حرمتی‌ها منحصر در اهداف دینی نیست، بلکه دلایل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد و در طول تاریخ در ذهن تک تک افراد تمدن غرب کاشته شده است.

وی از همه مسلمانان خواست که خود را با پیامبر (ص) و سیمای باشکوه او آشنا و در بازبایی اخلاق و سیره عملی ایشان کوشش کنند و با عقل و دانش برای از بین بردن تعصب در غرب تلاش و به عنوان یک مسلمان با حکمت نبوی با دشمنان مجادله کنند.

کمیته بین‌المللی حمایت از پیامبر (ص) از یک دبیرخانه با ۵ عضو به ریاست شیخ محمد الصغیر؛ عضو هیئت امنای اتحاد العلماء، یک کمیته رسانه‌ای و یک هیئت امنای متشکل از ۵۰ شخصیت اسلامی در سراسر جهان اسلام، تشکیل شده است.

در سال‌های اخیر، جهان شاهد حملاتی علیه حضرت محمد(ص) بوده است، که شدیدترین آنها انتشار کاریکاتورهای خاتم الانبیاء در نمای ساختمان‌ها، خیابان‌ها و در برخی روزنامه‌های فرانسه با حمایت امانوئل مکرون رئیس‌جمهور این کشور بوده است.^۱

^۱ <https://arabi۲۱.com/story/۱۳۹۳۸۲۹>

ترکیه تورهای زیارتی به بیت المقدس، راز سری گیرد



علی ارباش، رئیس سازمان دیانت ترکیه، روز شنبه ۱۳ نوامبر از آغاز مجدد تورهای زیارتی «بیت المقدس» که پیش از این به دلیل شیوع ویروس کرونا متوقف شده بود، خبر داد.

ارباش در بیانیه‌ای اعلام کرد: تورهای زیارتی بیت المقدس با مدیریت «سازمان دیانت» و «اداره کل خدمات حج و عمره» و «اداره عمره و زیارت بیت المقدس» در دوره ۲۲-۲۰۲۱ از سر گرفته می‌شود. وی خاطر نشان کرد که تورها ۳ شب و ۴ روز و همراه با راهنماهای مذهبی برای آشنایی با مکان‌های بازدید خواهد بود.

پیش از این ارباش دستور داده بود نام «اداره خدمات عمره» به «اداره عمره و زیارت بیت المقدس» تغییر یابد که از نگاه ناظران این اقدام معنایی نمادین به جایگاه بیت المقدس داده و بر حساسیت این موضوع تأکید داشت.

تورهای زیارتی بیت المقدس از سال ۲۰۱۵ به منظور افزایش آگاهی نسبت به شهر قدس و مسجد الاقصی و افزایش مشارکت در بازدید از بیت المقدس سازماندهی شده است.

ریاست امور دینی ترکیه برای کسانی که در سفر به قدس شرکت خواهند کرد راهنمای ویژه‌ای تهیه کرده است که شامل اطلاعاتی در مورد تاریخچه و مکان‌های اصلی زیارتی مانند مسجد الاقصی و قبة الصخره و همچنین مکان‌های بازدیدی در شهرهای الخلیل، بیت لحم و یافا است.^۱

- **ملاحظه:** توجه و حضور پررنگ ترکیه در قدس شرقی، از سال‌ها پیش مطرح بوده و نگرانی رژیم صهیونیستی، تشکیلات خودگردان فلسطین، اردن و حتی عربستان سعودی را به دنبال داشته است. آژانس کمک‌های خارجی ترکیه در گزارش سالانه خود در سال ۲۰۱۵ گزارش داد که ترکیه بیش از ۵۰۰ پروژه به ارزش حدود ۳۰ میلیون دلار در سرزمین‌های فلسطینی و ۸۱ پروژه در قدس شرقی انجام داده است. ترس اردن ناشی از رقابت ترک‌ها با آنها بر سر سرپرستی از مسجد الاقصی و موقوفات بیت المقدس است که طبق قوانین بین‌المللی برای آنها تضمین شده است. پس از اینکه رژیم صهیونیستی قدس شرقی را از اردن در جنگ

^۱ https://tr.agency/news_۱۴۴۳۷۹

۱۹۶۷ تصاحب کرد، به اداره اوقاف اردن اجازه داد تا به اداره اماکن مذهبی ادامه دهد، در حالی که نیروهای اسرائیلی کنترل امنیتی را در دست داشتند.

به نظر می‌رسد که تشکیلات خودگردان فلسطین نیز از حمایت ترکیه از سازمان‌های اسلامی در منطقه تحت نفوذ خود (سرزمین‌های فلسطینی) هراس دارد، زیرا چنین سازمان‌هایی با حماس که رقیب اصلی وی در غزه است، ارتباط نزدیکی دارند.

در مورد عربستان سعودی نیز این کشور از نفوذ فزاینده ترکیه در قدس شرقی می‌ترسد، زیرا او را رقیب رهبری خود در جهان اسلام و نقش سنتی خود به عنوان محافظ فلسطینی‌ها می‌داند. عربستان نیز سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را در بیت‌المقدس شرقی انجام داده است.

گفتنی است پس از تصمیم سازمان دیانت ترکیه، «محمود الهباش»، قاضی ارشد فلسطین و مشاور امور دینی و روابط اسلامی ریاست تشکیلات خودگردان با استقبال از تصمیم ترکیه برای از سرگیری سفرهای زیارتی شهروندانش به قدس در اظهاراتی، گفت: «سفر مسلمانان و مسیحیان به قدس و زیارت اماکن مقدس آنجا، یک حمایت مادی، معنوی و سیاسی از فلسطین و شهروندان فلسطینی در قدس و به ویژه حمایت از هویت فلسطینی قدس است». وی از کشورهای عربی و اسلامی خواست همچون ترکیه برای ساماندهی سفرهای توریستی به قدس اقدام کنند.^۱

^۱ <https://www.irna.ir/news/۸۴۵۴۶۱۹۳>

آفریقا

تونس قراردادهای خود با سازمان اخوانی، اتحاد العلماء، و انقوکرد



به گزارش شبکه نهم تونس، روز چهارشنبه ۲۷ اکتبر وزارت امور دینی تونس تصمیم گرفت تمام توافقات قبلی خود با شعبه سازمان «الاتحاد العالمی لعلماء المسلمین» در تونس و «مرکز مطالعات اسلام و دموکراسی» را لغو کند. نکته قابل توجه این است که هر دو سازمان اتحاد العلماء و مرکز مطالعات اسلام و دموکراسی وابسته به اخوان المسلمین شمرده می‌شود. از سوی دیگر، بازرسان دولتی روز سه‌شنبه ۲۶ اکتبر به مقر جنبش اخوانی النهضه تونس یورش بردند و پس مشکوک شدن به منابع مالی خارجی، یک «پایگاه داده» را مصادره کردند.

دادگاه بدوی تونس تأیید کرد که قاضی تحقیق به مقر حزب النهضه در مرکز پایتخت رفته و «سرور» (پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی) جنبش را برای انتقال محتوای آن و انجام تست‌های فنی لازم مصادره کرده است.

دادگاه در اطلاعیه‌ای تصریح کرد که روند توقیف «سرور» در چارچوب تکمیل تحقیقات مربوط به پرونده «لابی‌گری» است و این دادگاه خاطر نشان کرد که تحقیقات در مورد این پرونده هنوز ادامه دارد.

جنبش النهضه نیز ضمن تأیید این خبر، تأکید کرد که در تمامی فعالیت‌های خود به قانون احترام می‌گذارد.

همچنین روز دوشنبه ۲۵ اکتبر نیز نیروهای امنیتی به مقر مرکزی جنبش النهضه برای انجام تحقیقاتی در مورد پرونده «تامین مالی خارجی» یورش بردند.^۱

- **ملاحظه:** قرارداد همکاری بین وزارتخانه امور دینی تونس و اتحاد العلماء در دسامبر ۲۰۱۲ به امضا رسید و این وزارتخانه از سال ۲۰۱۴ با مرکز مطالعات اسلام و دموکراسی، قراردادهای همکاری و آموزشی مرتبط داشته است.^۲

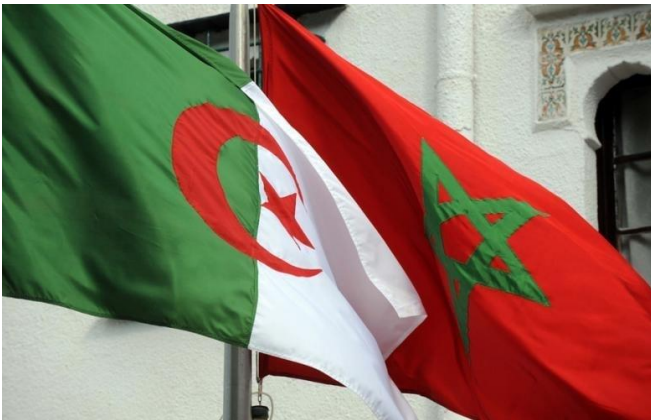
الاتحاد العالمی لعلماء المسلمین توسط شیخ یوسف قرضاوی تأسیس شد و به لطف جنبش اخوانی النهضه موفق به افتتاح مرکزی در تونس شد. مرکز اسلام و دموکراسی، نیز یک موسسه آمریکایی است که توسط آمریکایی تونسی الاصل، رضوان المصمودی، مشاور سابق رهبر جنبش

^۱ <https://www.dostor.org/۳۶۱۰۹۰۴>

^۲ https://arabic.sputniknews.com/arab۲۰٪/world/۲۰۲۱۱۰۲۸۱۰۵۰۵۵۸۷۲۱_

راشد غنوشی، اداره و نظارت می‌شود. وی مسئول سازماندهی و تأمین مالی حرکۀ النهضۀ در واشنگتن به ویژه در کنگره آمریکا است.^۱ اختلاف دولت تونس با اتحاد العلماء به ماجرای کودتای رئیس‌جمهور، قیس سعید، علیه حزب اخوانی النهضۀ و برکناری نخست‌وزیر و رئیس پارلمان وابسته به این حزب در جولای گذشته بازمی‌گردد. پس از این اقدام مناقشه‌آمیز قیس سعید، اتحاد العلماء بیانیه‌ای صادر و در حمایت از حزب النهضۀ تونس برآمد. در پی این حمایت، درخواست‌های متعددی در تونس پیرامون برچیدن شعبه اتحاد العلماء در این کشور برخاست.

اتحاد العلماء از الجزایر و مراکش درخواست پرهیز از نزاع و جنگ کرد



اتحاد العلماء در بیانیه‌ای اعلام کرد: «این اتحادیه با نگرانی تشدید تنش در روابط مراکش و الجزایر را که در کمپین‌های رسانه‌ای علیه یکدیگر، بستن

^۱ <https://۲۴.ae/article/۶۶۸۲۰۳>

مرزها، قطع روابط دیپلماتیک و اختلال در مبادلات اقتصادی تجسم یافته، دنبال می‌کند.»

این بیانیه می‌افزاید: «در این زمینه به مقامات دو کشور یادآوری می‌کنیم که بسیاری از جنگ‌های ویرانگر ناشی از یک تصمیم عمدی و از پیش برنامه‌ریزی شده نیست، بلکه به طور ناگهانی و پس از رسیدن به حالت رقابت، تنش و آمادگی به اوج خود می‌رسد.»

در این بیانیه آمده است: «فضای تنش شدید و تحرک روزافزون بدون دلیل موجه، دو کشور عزیز مراکش و الجزایر را به درگیری نظامی می‌کشاند و وسعت و عواقب آن برای دو ملت برادر الجزایر و مراکش و امت عربی و اسلامی را فقط خدا می‌داند، در حالی که امت اسلامی-عربی ما چیزی از جنگ و درگیری‌های ویرانگر کم ندارد.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «بنابراین اتحاد علماء المسلمین از پادشاه مغرب محمد ششم و جناب عبدالمجید تبون رئیس‌جمهور الجزایر می‌خواهد فوراً تمام تلاش خود را برای بازگرداندن روابط دو کشور به حالت عادی خود، برادری، وحدت و انسجام، همکاری و اقدام مشترک به کار گیرند.»^۱

• **ملاحظه:** اختلافات میان الجزایر و مراکش مربوط به چند ماه و حتی چند سال اخیر نیست. این اختلافات ریشه در تاریخ دارد. در حقیقت از زمان استقلال مراکش (۱۹۵۶) و الجزایر (۱۹۶۵) از استعمار فرانسه، این دو

^۱ <https://arabic.rt.com/middle-east/۱۲۹۱۳۹۳>

کشور با یکدیگر اختلاف داشتند به طوری که در دهه ۱۹۶۰ آتش جنگ میان الجزایر و مراکش برافروخته شد. این جنگ به دلیل اختلافات مرزی رخداد و به نبرد «الرمال» مشهور شد.

موضوع صحرای غربی از مهم‌ترین موضوعات چالش برانگیز بین مراکش و الجزایر محسوب می‌شود. مراکش ادعای مالکیت صحرای غربی را دارد و از سال ۱۹۷۵ تاکنون اداره امور این صحرا را به عهده دارد. در قبال عادی‌سازی روابط میان مراکش و رژیم صهیونیستی، آمریکا حاکمیت مراکش بر صحرای غربی را به رسمیت شناخت. اما برخی کشورهای و از جمله اتحادیه آفریقا این به رسمیت شناختن را محکوم کرده و آن را فاقد ارزش حقوقی دانستند.

طی ماه‌های اخیر دو تحول در عرصه آفریقا رخ داد که روابط الجزایر با مراکش را تیره‌تر کرد و به افزایش تنش میان این دو کشور دامن زد. اولین رخداد درخواست چندی قبل رژیم صهیونیستی به کمیساریای اتحادیه آفریقا بود تا این رژیم به عنوان عضو ناظر این اتحادیه پذیرفته شود. در پی این درخواست، بلافاصله الجزایر با آن به مخالفت برخاست و توانست ۱۳ کشور آفریقایی را با خود همراه کند. الجزایر معتقد است تلاش‌ها برای عضویت رژیم صهیونیستی در اتحادیه آفریقا با موافقت رئیس کمیساریای این اتحادیه و برخی از کشورها از جمله مراکش صورت گرفته است.

تحول دوم در جریان سفر چند هفته قبل وزیر خارجه صهیونیستی به مراکش رخ داد. «یائیر لاپید» که برای افتتاح دفتر نمایندگی تل‌آویو به رباط رفته بود، در پایان سفر خود با حضور در یک نشست مطبوعاتی در

شهر دارالبیضاء از نقش آفرینی الجزایر در تحولات منطقه انتقاد کرد. پس از این سفر بود که یک مقام بلندپایه الجزایر در گفت‌وگو با روزنامه «الشروق» هدف لاپید از سفر به مراکش را ایجاد یک جبهه نظامی علیه الجزایر دانست.

پیشوای قرآنیون مصر: «اشهد أن محمداً رسول الله، باید از اذان حذف شود!»



احمد صبحی منصور، بنیان‌گذار مرکز العالمی للقرآن الکریم و ملقب به پیشوای قرآنیان، گفت: «شهادت در اسلام منحصر به متن لا اله الا الله است. هیچ دلیلی بر وجود اشهد ان محمداً رسول الله در اذان نیست.»

دکتر محمود مهنا، یکی از اعضای هیئت کبار العلماء، در مورد کسانی که مدعی هستند شهادت و اذان تنها به «لا إله إلا الله» محدود می‌شود و اینکه شهادت شامل «محمد رسول الله» از آن جهت که در جایگاه خداوند متعال قرار می‌گیرد، نمی‌شود؛ گفت: این کلام بی‌اساس و باطل است.

وی خاطر نشان کرد: کسانی که امور ثابت دین را تحریف می کنند «سکولار» هستند که به رسول خدا (ص) و اسلام احترام نمی گذارند و می خواهند آنچه را که از اسلام نیست به آن بیفزایند، بنابراین سخنان آنها به اجماع همه امت باطل است.

دکتر محمد ابراهیم العشماوی استاد حدیث دانشگاه الازهر، در مورد کسانی که مدعی هستند شهادت و اذان تنها به «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» محدود می شود، گفت: «هر کس این را بگوید اصلاً مورد قبول نبوده، چرا که صلاحیت اجتهاد را ندارد.» العشماوی در بیانیه‌ای اختصاصی به صدی البلد گفت: «الفاظ اذان عبادتی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است و الفاظ عبادات توقیفی هستند و هر گونه تغییر و اجتهاد در آنها جایز نمی باشد، از این رو، تعدی به کلمه‌ای در آن یا جایگزینی آن با کلمه‌ای دیگر جایز نیست.»^۱

• **ملاحظه:** قرآنیان (قرآنیون، قرآن گرایان)، پیروان مکتبی است که در آن، قرآن، به عنوان اصلی ترین کتاب یا حتی تنها کتاب در زمینه عقاید و اعمال دینی، مورد قبول است.

قرآنیون مصر از دل سلفیت متولد شدند و با نقد تراث حدیثی، قرآن را محور اندیشه و عمل خود قرار دادند. آنان معتقدند همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگان اصحاب از نوشتن احادیث منع کرده بودند نیازی به مکتوباتی غیر از متن قرآن نداریم.

^۱ <https://www.elbalad.news/۵۰۱۶۴۱۹>

همچنین در مسائل فقهی، حکمی که صریحاً در قرآن از آن نهی نشده باشد را مجاز می‌شمرند و حکمی که صریحاً در قرآن به آن رخصت داده نشده باشد را لازم می‌شمرند.

آنها به سبب حذف تراث حدیثی و فقهی از منظومه دین شناسی به ورطه دخالت ذوقیات افتاده‌اند.

قرآنیان اعتقادی به سنت و احادیث نبوی ندارند، از این رو آن را انکار می‌کنند، زیرا از نظر آنها در قرآن کریم ذکر نشده است و این یک جریان فکری است که در اواخر دهه هشتاد قرن گذشته پدید آمده است.

قرآنیان بر این باورند که احادیث حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از طریق نقل شفاهی در طول نسل‌ها تحریف شده است، لذا سنت پیامبر را رد می‌کنند و تنها به قرآن کریم تمسک می‌کنند.

شیخ محمود عاشور معاون سابق الازهر و از اعضای فرهنگستان تحقیقات اسلامی مصر گفته بود که قرآنیان مرتد هستند و مجازات ارتداد شامل حال آنان می‌شود.

گفتنی است در سال‌های گذشته، یکی از موذن‌های مصری در اذان صبح با گفتن «الصلوة خیر من الفیسبوك» باعث بروز تنش‌های زیادی در مصر شده بود، به طوری که وزیر اوقاف به سرعت دستور بازداشت وی را صادر کرد.^۱

^۱ <https://www.france24.com/ar/20150831-مصر-الاذان-فیسبوك-اسلام-فجر-صلاة>

دور از ذهن نیست که یکی از انگیزه‌های اقدام چندی قبل وزارت اوقاف مصر پیرامون طرح اذان واحد، تصمیمی برای پایان دادن این اعمال سلیقه‌ها در اذان بوده است. گرچه دیگر انگیزه‌ها نیز بی‌تاثیر نبوده‌اند.^۱

لازم به یادآوری است که اذان اهل تسنن و شیعیان در عبارت‌هایی با یکدیگر متفاوت هستند؛ شیعیان در تمام اذان‌ها بر ولایت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام شهادت می‌دهند، در حالی که این مسئله در اذان اهل تسنن وجود ندارد، علاوه بر آن اهل تسنن در اذان صبح به جای گفتن «حی علی خیر العمل»، عبارت «الصلاه خیر من النوم» را اضافه می‌کنند.

مهلت ۱۰ روزه وزارت اوقاف مصر برای جمع‌آوری صندوق‌های دریافت کمک‌های مالی از مساجد



وزارت اوقاف مصر ۶ نوامبر به تمام مساجد این کشور ده روز مهلت داد همه صندوق‌های دریافت کمک‌های نقدی و غیر نقدی را جمع‌آوری کنند.

^۱ <https://t.me/dolatedin/434>

محمد مختار جمعه وزیر اوقاف مصر گفت: در خصوص صندوق‌های دریافت نذورات، شاید در آینده توافقی با فرقه‌های صوفیه انجام شود یا دستورالعملی مشابه صندوق‌های کمک‌های مالی غیررسمی در مساجد، اتخاذ شود. وزیر اوقاف مصر در روزهای گذشته حکمی درباره قواعد و ضوابط فرآیند جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیر نقدی در مساجد صادر کرد که به موجب آن، هیچ فردی اجازه ندارد به جمع‌آوری اموال تحت هر اسمی در مساجد اقدام کند. علاوه بر این نصب صندوق‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی نیز در مساجد ممنوع است و این حکم شامل صندوق‌های جمع‌آوری نذورات در مساجد که در قوانین مشخص شده، نمی‌شود.

وزارت اوقاف شماره حساب‌های مشخصی را برای هر یک از مساجد معرفی کرده است که مردم تنها از طریق واریز پول به این حساب‌ها می‌توانند به مساجد کمک کنند.^۱

• **ملاحظه:** این تصمیم وزارت اوقاف مصر جنجال گسترده‌ای را در این کشور به راه انداخته است.

در حالی که برخی از این تصمیم به عنوان گامی مهم در مسیر مشارکت مالی مؤمنان، مبارزه با فساد و دفع شبهات مالی حمایت کردند، برخی دیگر گفتند که این تصمیم مساجد را از بسیاری از کمک‌های مالی محروم می‌کند، زیرا مصری‌ها به کمک‌های بانکی، به‌ویژه با مبالغ کم، عادت ندارند.

^۱ <https://arabi۲۱.com/story/۱۳۹۶۱۷۶>

همین مناقشات سبب شد که محمد مختار جمعه وزیر اوقاف مصر، مهلت ۱۰ روزه جمع‌آوری صندوق‌های کمک‌های مالی را تمدید کند. مسئولین اوقاف مصر علت اصلی جمع‌آوری این صندوق‌ها را قانونی کردن عملیات پرداخت، حاکمیت بر کلیه امور مالی و حرکت کشور به سمت دیجیتالی شدن مالی و تحول دیجیتال و مقابله با فساد و سوء استفاده بیان کرده است!^۱

این تصمیم مورد انتقاد فرقه‌های مختلف صوفی مصر قرار گرفته و دکتر عبد الهادی القصبی رئیس شورای عالی فرقه‌های صوفیه در واکنش به آن اعلام کرد که به صندوق‌های نذورات داخل مساجد ما دست نزنید.^۲ وزیر اوقاف بعد از واکنش صوفیه، به آنان این اطمینان را داده که به صندوق‌های نذر صوفیان و اهل بیت و زیارتگاه‌ها دست نخواهند زد. علاء أبو العزائم یکی از اعضای شورای عالی فرقه‌های صوفیه، در واکنش به این اقدام گفت: انتقال صندوق‌های نذورات و جلوگیری از جمع‌آوری کمک‌های آنها از مساجد و تخصیص حساب بانکی به آنها باعث صدمه به تصوف و ممانعت از هرگونه فعالیتی خواهند شد!^۳

^۱ <https://www.aljazeera.net/news/politics/۷/۱۱/۲۰۲۱/عبرالحساباتالبنکیةفقط>
إزالة صناديق

^۲ https://www.shorouknews.com/news/view.aspx?cdate=۰۸۱۱۲۰۲۱&id=f۲۳abe۴۷-۸۰۹۷-۴۴bf-۹۹۲۵_e۰e۰e۷۶۰۲۲aa

^۳ <https://www.aljazeera.net/news/politics/عبرالحساباتالبنکیةفقط/۷/۱۱/۲۰۲۱>
إزالة صناديق

اما ایمن ابو عمر، معاون وزیر اوقاف مصر، با تأکید بر اینکه «مساجد صوفیه این تصمیم را رد نکردند»، خاطرنشان کرد که برخی از مساجد صوفیانه بدون اختلاف و اعتراض قانون تنظیم صندوق‌های تبرعات در آن مکان‌ها را اجرا می‌کنند.

وی تأکید کرد که تصمیم برداشتن صندوق‌های اعانه از مساجد موفقیت‌آمیز بوده و در زمان مناسب مطابق با استراتژی دولت برای ورود به جمهوری جدید اتخاذ شده است و مصر وارد مرحله جهانی جدیدی خواهد شد که در آن به دنبال مدیریت همه امور مالی است.^۱

رهبر تیجانیه بوركینافاسو درگذشت



شیخ ابوبکر میگا، مرشد تیجانیه‌های کشور بوركینافاسو واقع در منطقه غربی صحرای آفریقا چهارشنبه ۳ نوامبر بر اثر بیماری دار فانی را وداع گفت.

^۱ https://arabic.rt.com/middle_east/۱۲۹۱۲۶۳_

رهبر مسلمانان تیجانی مذهب، شیخ ابوبکر میگا در سن هفتاد و چهار سالگی و بر اثر ابتلا به بیماری درگذشت. به دنبال این ضایعه دولت سه روز عزای عمومی و یک روز تعطیل عمومی اعلام کرد.

شیخ ابوبکر میگا از کبار علمای آفریقا و از جمله پنج شخصیت پرنفوذ در فرقه تیجانیه و در میان سیاستمداران و دولت‌های غرب آفریقا بود که سال‌های عمر خود را صرف ترویج حقایق اسلام و دفاع از شریعت کرد.

مرحوم شیخ ابوبکر میگا، به شیعیان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام علاقه خاصی داشت و با وجود اختلافات و تفاوت‌های جزئی میان مذهب تشیع و تیجانیه، همواره سعی داشت تا در مراسم‌ها و جشن‌های شیعیان در بورکینافاسو حضور داشته باشد.

لازم به ذکر است علما و رهبران تیجانیه در قاره آفریقا از نظر نفوذ سیاسی و اجتماعی بسیار موثر هستند تا آنجا که بسیاری از عزل و نصب‌ها و تغییرات در بدنه دولت‌ها به دستور مستقیم آنها بستگی دارد و می‌تواند به صورت مستقیم در سرنوشت ملت‌های آفریقایی تأثیرگذار باشند.^۱

^۱ <https://www.hawzahnews.com/news/۹۸۸۶۲۱>

شبه‌قاره

سخن‌گوی دفتر سیاسی طالبان: از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استقبال می‌کنیم

...

Dr.M.Naeem
@IeaOffice



ترحب الإمارة الإسلامية بتصريحات المرشد الأعلى لجمهورية إيران الإسلامية ، آية الله خامنئي ، الذي دعا إلى مزيد من الوحدة بين السنة والشيعة في أفغانستان. إن الشعب الأفغاني بجميع أطيافه قد اكتسب الاستقلال وسيحافظ عليه معاً. نحن لن نسمح لأية مؤامرة تمس أو تهدد وحدة شعبنا وبلدنا.

۲۵ اکتبر محمد نعیم، سخنگوی دفتر سیاسی طالبان، در توییتی نوشت:

«امارت اسلامی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران که خواستار وحدت بیشتر بین اهل سنت و شیعه در افغانستان شده بود استقبال می‌کند. مردم افغانستان، از هر قشری، استقلال یافته‌اند و با همدیگر از آن محافظت می‌کنند. ما اجازه نخواهیم داد که هیچ توطئه‌ای به وحدت مردم و کشور ما لطمه بزند یا آن را تهدید کند.»

• **ملاحظه:** آیت‌الله خامنه‌ای روز یکشنبه ۲۴ اکتبر در دیدار با «میهمانان کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی» در بخشی از سخنانشان با اشاره به حملات اخیر به مساجد شیعیان در افغانستان فرمودند: «در همین قضیه افغانستان، یکی از راه‌های جلوگیری از حوادث، حضور مسئولان محترم

کنونی این کشور در مراکز و مساجد و یا تشویق برادران اهل سنت به حضور در اجتماعات مشترک است.»
در پی حملات انتحاری به نمازگزاران شیعه در قندوز و قندهار در دو جمعه پی‌درپی، جمعا بیش از ۲۰۰ کشته و شمار زیادی زخمی به جا گذاشت. گروه داعش -شاخه خراسان - مسئولیت این حملات را برعهده گرفته است.

رهبر طالبان پاکستان: نظام اسلامی در افغانستان حاکم شد، حالانوبت پاکستان است



پس از نشر تصاویری از مانور نور ولی محسود رهبر طالبان پاکستان در میان حامیانش، اکنون نوار صوتی منسوب به او منتشر شده که می‌گوید، پس از حاکمیت نظام اسلامی در افغانستان، اکنون نوبت پاکستان است.^۱

^۱ <https://t.me/afghanirca/۶۲۰۰۰>

۲۸ اکتبر برای اولین بار طالبان پاکستان تصاویری از رهبر خود ابومنصور عاصم، مشهور به مفتی نور ولی محسود، منتشر کرد که آشکارا با حضور در یک کاروان بزرگ، صدها عضو این گروه را ملاقات و در اجتماعات بزرگ سخنرانی می‌کند.

پس از تسلط طالبان بر افغانستان، این مانور در میان مردم پاکستان به احیای طالبان پاکستان تعبیر می‌شود.

نور ولی محسود، پس از کشته شدن «ملا فضل الله» رهبر پیشین طالبان پاکستان در حمله هواپیماهای بدون سرنشین در ژوئن ۲۰۱۸ در ولایت کنر افغانستان، جانشین وی شده است.

رهبر طالبان برای نخستین بار در انظار عمومی ظاهر شد



مقام‌های طالبان می‌گویند، ملا هبت‌الله آخندزاده، رهبر این گروه شام شنبه ۸ آبان برای نخستین بار در انظار عمومی ظاهر شده و در جمع ساکنان قندهار سخنرانی کرده است.

محمد جلال، عضو کمیسیون فرهنگی طالبان در توییتی نوشته است که آخندزاده در مدرسه حکیمه در قندهار ساعت شش و نیم شام حاضر شد و سخنرانی کرد.

او گفته کلیپ صوتی نیز از سخنرانی رهبر طالبان منتشر خواهد شد. اخیراً گزارش‌هایی در مورد مرگ ملا هبت‌الله در رسانه‌ها منتشر شده بود؛ اما طالبان این گزارش‌ها را تکذیب کرده‌اند.

رهبر طالبان که اکنون از او به عنوان امیرالمؤمنین «امارت اسلامی افغانستان»، یاد می‌شود، طی سال‌های اخیر زندگی مخفی داشته و تاکنون در ملاً عام ظاهر نشده است. تنها یک عکس منتسب به او منتشر شده است.

چندی پیش انس حقانی، عضو ارشد طالبان گفته بود که ملا هبت‌الله زنده است و در افغانستان به سر می‌برد؛ اما از ترس هواپیماهای بی‌سرنشین امریکا در انظار عمومی ظاهر نخواهد شد.

گمانه‌زنی‌ها درباره مرگ آخندزاده از آنجا مطرح می‌شود که طالبان مرگ ملا محمد عمر؛ رهبر پیشین این گروه را نیز دو سال پنهان نگه داشتند و پس از نشر گزارش‌های موثق در این باره، تایید کردند که او در نتیجه بیماری در شهر کراچی پاکستان در گذشته است.^۱

^۱ <https://ufuqnews.com/archives/۱۸۹۹۸۴>

طالبان از رئیس آقاخانه برای سفر به افغانستان دعوت کرد



بلال کریمی از سخنگویان طالبان، با انتشار این خبر گفت: «علی اکبر پسنانی، مسئول شبکه توسعه آقاخان در افغانستان، شنبه، پانزدهم آبان، با مولوی عبدالسلام حنفی معاون نخست‌وزیر طالبان، در کابل دیدار کرد.»

علی اکبر پسنانی که از او به عنوان نماینده خاص آقاخان در افغانستان یاد شده، در این ملاقات گفت که شبکه توسعه آقاخان در افغانستان، تاکنون ۱۴۰ اثر باستانی را بازسازی کرده و یکی از محورهای فعالیت این نهاد در افغانستان، کمک به آموزش دختران است.

به گفته بلال کریمی، مولوی عبدالسلام حنفی به نماینده ویژه آقاخان در افغانستان گفته است که گروه طالبان از فعالیت‌های شبکه توسعه آقاخان استقبال می‌کند و زمینه را برای دوام این فعالیت‌ها مهیا می‌سازد.

معاون نخست‌وزیر طالبان، در مورد آموزش دختران در افغانستان ابراز داشت که وزارت‌های معارف و تحصیلات روی یک مکانیزم کار می‌کنند تا زمینه را برای بازگشایی مدارس بروی دختران فراهم سازند.

بر اساس خبر سخنگوی طالبان، مولوی عبدالسلام حنفی، در این ملاقات از کریم آقاخان، رئیس فرقه اسماعیلیه نزاری دعوت کرده تا به افغانستان سفر کند.^۱

- **ملاحظه:** شبکه توسعه آقاخان، در بیست سال گذشته، از نهادهای فعال در عرصه بازسازی و حفاظت از آثار باستانی، توسعه آموزش و ارایه خدمات به کشاورزان افغانستان بوده است.

بانک وام‌های کوچک شبکه توسعه آقاخان از جمله بانک‌هایی بود که تا قبل از فروپاشی دولت پیشین افغانستان، در سراسر افغانستان فعالیت داشت و بیشتر مراجعان آن، کشاورزان و صاحبان کسب و کارهای کوچک بودند.

با مسلط شدن طالبان بر شهرها، شماری از فرماندهان محلی این گروه، این بانک‌ها را به دلیل ارائه وام‌های ربوی بستند.

اکنون به نظر می‌رسد نماینده ویژه کریم آقاخان در تلاش است تا فعالیت‌های شبکه توسعه آقاخان در افغانستان از سر گرفته شود. هرچند سرنوشت مدارس دخترانه که بخشی از کار شبکه توسعه آقاخان را تشکیل می‌دهد، همچنان روشن نیست.

^۱ <https://www.independentpersian.com/node/۱۹۰۰۵۶>

شرق آسیا

استفاده از رمزارزها در اندونزی حرام اعلام شد



شورای علمای مذهبی (المجلس الوطنی للعلماء) در اندونزی استفاده از دارایی‌های مالی رمزنگاری شده را به عنوان ارز برای مسلمانان ممنوع اعلام کرد. این شورا پس از پایان نشست خود در روز پنجشنبه ۱۱ نوامبر، استفاده مسلمانان از رمزارز را به عنوان ابزار معامله به دلیل ریسک بالای معاملات آن، مورد سوء استفاده قرار گرفتن در شرط بندی‌ها و خطر وارد کردن آسیب اقتصادی، حرام و ممنوع اعلام کرد. البته شورای علمای مذهبی اندونزی خاطر نشان کرده که اگر رمزارزها به عنوان یک کالا یا دارایی رمزنگاری شده بتواند خود را با اصول شریعت هماهنگ کند و سود شفافی نشان دهد، می‌تواند مورد معامله قرار گیرد.

این در حالی است که تراکنش‌های رمزارز در پنج ماه نخست سال جاری در اندونزی به ۳۷۰ تریلیون روپیه (۲۳ میلیارد یورو) رسید که سهم کمتر از یک درصدی در مجموع ارزش بازار جهانی رمزارزها دارد.

هر چند دولت اندونزی استفاده از دارایی‌های رمزنگاری شده را به عنوان نوعی ارز مجاز نمی‌داند و روپیه همچنان تنها ارز قانونی در این کشور است ولی از معامله دارایی‌های رمزنگاری شده در کنار معاملات آتی کالا به عنوان یک گزینه سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی حمایت می‌کند و در تلاش برای راه‌اندازی یک صرافی متمرکز بر ارزهای رمزنگاری شده تا پایان سال جاری میلادی است. شورای علمای مذهبی اندونزی در کشوری که بزرگ‌ترین جمعیت مسلمان جهان را در خود جای داده است، دارای اختیارات قابل توجهی است و وزارت دارایی و بانک مرکزی این کشور در مورد مسائل مالی با آن مشورت می‌کند.^۱

^۱ https://per.euronews.com/۱۱/۱۱/۲۰۲۱/crypto_forbidden_muslims_indonesia_national_religious_council_rules

غرب

شورای اروپا به دنبال واکنش‌ها در فرانسه از کارزار آزادی در حجاب،
عقب‌نشینی کرد



واکنش‌ها در فرانسه به کارزار شورای اروپا برای «آزادی در حجاب» باعث شد تا این سازمان ناظر بر رعایت حقوق بشر از پیام تبلیغی خود صرف نظر کند. ویدئوی تبلیغی شورای اروپا که روز پنجشنبه ۲۸ اکتبر منتشر شد چهره چند زن جوان را کنار هم گذاشته بود. در تصاویر این کارزار نیمی از چهره زنان جوان بدون حجاب در کنار نیمی از چهره زنان جوان محجبه قرار گرفته بود. شعار این کارزار بود: «همانطور که زیبایی در تفاوت است آزادی نیز در حجاب است.»

این پیام تبلیغی در میان سیاستمداران فرانسه واکنش‌های زیادی را به دنبال داشت. اریک زمور، نامزد بالقوه انتخابات ریاست جمهوری فرانسه با گرایش راست افراطی در صفحه توئیتر خود نوشت: «اسلام دشمن آزادی است، این کارزار هم دشمن حقیقت است.»

او همچنین کارزار شورای اروپا را «جهاد تبلیغاتی» خواند. مارین لوپن، نامزد حزب راست افراطی «اجتماع ملی» نیز این پیام تبلیغی را «ننگین و ناشایست» توصیف کرد. نیکولا دوپونتیان، دیگر سیاستمدار فرانسوی با گرایش راست افراطی با کنایه گفت: «این کارزار اخوان المسلمین نیست بلکه متعلق به شورای اروپا است.»

واری پکرس، رئیس منطقه «ایل دو فرانس» که پاریس و حومه آن را شامل می‌شود درباره این کارزار گفت که «حجاب نماد آزادی نیست بلکه نماد زیر بار سلطه رفتن است.» والری پکرس یکی از نامزدهای رأی‌گیری مقدماتی حزب راست‌گرای جمهوری‌خواهان برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۲ است.

مانوئل والس، نخست‌وزیر پیشین فرانسه هم کارزار شورای اروپا را «شوکه‌کننده و باورنکردنی و خطرناک» دانست.

دولت فرانسه عقب‌نشینی شورای اروپا از پخش این پیام تبلیغی را نتیجه اعتراض‌های پاریس ارزیابی کرده است. شورای اروپا، مستقر در استراسبورگ در بیانیه خود درباره این کارزار آورده است: «این توییت‌ها حذف شدند و ما به شکل بهتری از معرفی این طرح می‌اندیشیم.»

اشاره شورای اروپا به طرحی است که در چهارچوب برنامه «درب‌گیری و مقابله با تبعیض» این نهاد تهیه شده است. این طرح بخشی از اقدام مشترک شورای اروپا و اتحادیه اروپا است که در سال ۲۰۱۹ برای «مبارزه با تبعیض» آغاز شد. شورای اروپا تأکید کرده است که توییت‌های منتشرشده بیانگر مواضع این نهاد یا دبیرکل آن نبود. سخنگوی کمیسیون اروپا نیز گفت که بازوی اجرایی اتحادیه اروپا بخش‌های جنجالی کارزار شورای اروپا را تأیید نکرده بود. شورای اروپا که پس از جنگ جهانی دوم برای پاسداری از ارزش‌های حقوق بشر، دموکراسی و حکومت قانون در اروپا پایه‌گذاری شد با شورای اتحادیه اروپا متفاوت است. شورای اتحادیه اروپا به نهادی با حضور رهبران ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا گفته می‌شود. این در حالی است که شورای اروپا سازمانی مدافع حقوق بشر با عضویت ۴۷ کشور است.^۱

^۱ https://per.euronews.com/۰۳/۱۱/۲۰۲۱/council_of_europe_back_down_from_freedom_in_hijab_campaign_after_harsh_reactions_in_france

نسل جدید آلمان نگرش بهتری به اسلام دارد



تحقیقات جدید در آلمان نشان می‌دهد که تعصب به اسلام در میان جوانان آلمانی کمتر از افراد مسن است و نسل جدید آلمانی‌ها نگرش بهتری نسبت به اسلام دارند.

این تحقیقات از سوی سازمان جوانان کلیسای انجیلی صورت گرفته و نتایج آن به‌تازگی در کنفرانس سالانه شبکه بررسی اسلام‌هراسی و نژادپرستی علیه مسلمانان در آلمان مطرح شده است.

بر اساس مطالعه جدید سازمان جوانان کلیسای انجیلی که با نام «چشم‌اندازی درباره جامعه، دین و بحث‌های اسلامی» صورت گرفته است، جوانان آلمان نسبت به افراد مسن تعصبات کمتری در مقابل مسلمانان و باورهای اسلامی دارند. در این میان، حتی جوانانی که والدین‌شان تحصیلات بالاتری دارند، تعصب کمتری به این دین و پیروان آن دارند.

این مطالعات از فوریه تا آوریل سال جاری بر روی جوانان ۱۴ تا ۲۹ سال انجام و نتایج آن در کنفرانس سالانه شبکه بررسی اسلام‌هراسی و نژادپرستی علیه مسلمانان مطرح شد. هر چند نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که نسل جدید آلمانی‌ها نگرش بهتری نسبت به اسلام دارند؛ اما هنوز هم بخشی از جمعیت آلمان نسبت به اسلام موضع سختی دارند.

چند ماه پیش، نظرسنجی جدید مؤسسه تحقیقاتی دیموسکاپی النسابخ در آلمان نشان داد که ۶۵ درصد از آلمانی‌ها بر این باورند که حق آزادی مذهب به همان اندازه که برای مسیحیان و اعضای سایر ادیان صدق می‌کند باید برای مسلمانان نیز صدق کند. اما ۱۸ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی هیچ حقی برای مسلمانان در آلمان قائل نبودند.

از سوی دیگر، ۲۸ درصد از آن‌ها اسلام را یک تهدید می‌دانستند، در حالی که اکثریت معتقد بودند که فقط گروه‌های خاصی در اسلام تهدید به شمار می‌روند و حتی ۵ درصد نیز اسلام را هیچ‌گونه خطری نمی‌دانستند. در این میان، ۲۴ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی نیز فکر می‌کردند که همه حملات تروریستی در غرب، کار اسلام‌گرایان است.^۱

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۱۴۶۷۸>

طرح کنگره آمریکا برای تروریستی خواندن اخوان المسلمین

تد کروز، سناتور جمهوری خواه ایالات متحده، عضو کمیته روابط خارجی سنا، لایحه‌ای را برای معرفی اخوان المسلمین به عنوان «سازمان تروریستی خارجی» به کنگره ارائه کرد.

در بیانیه‌ای که دفتر سناتور کروز منتشر کرد، آمده است که «این لایحه، از وزارت امور خارجه آمریکا می‌خواهد تا از اختیارات قانونی خود برای معرفی اخوان المسلمین به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی استفاده کند.» این لایحه توسط ۱۵ عضو سنا و مجلس نمایندگان حمایت می‌شود.

این بیانیه می‌افزاید: این اقدام، وزارت امور خارجه را ملزم می‌کند تا گزارشی را در مورد اینکه آیا اخوان المسلمین معیارهای قانونی طبقه بندی را دارد، در این صورت، ایالات متحده می‌تواند اقداماتی را انجام دهد که بودجه دریافتی آنها برای ترویج فعالیت‌های شوم، را متوقف کند.

کروز گفت: «زمان آن فرا رسیده است که به متحدان خود در جهان عرب بپیوندیم تا به طور رسمی واقعیت اخوان المسلمین، یک سازمان تروریستی را بشناسیم. وی افزود: «من مفتخرم که این لایحه را مجدداً ارائه می‌کنم تا از دولت بایدن بخواهم آنها را به این عنوان معرفی کند و مبارزه ملت ما علیه تروریسم را دیکال اسلامی را پیش ببرد.»

وی ادامه داد: «وظیفه ماست که اخوان المسلمین را به خاطر نقششان در تأمین مالی و ترویج تروریسم در سراسر خاورمیانه پاسخگو بدانیم».^۱

• **ملاحظه:** در سال ۲۰۱۹ و در زمان ریاست جمهوری ترامپ، آمریکا به دنبال قرار دادن نام اخوان المسلمین در فهرست گروه‌های تروریستی بود، که این اقدام با مخالفت کشورهای هم‌چون ترکیه و قطر، که بسیاری از سران اخوان المسلمین را میزبانی می‌کنند، روبه‌رو شد. اخوان المسلمین در آن زمان و در واکنش به احتمال تروریستی اعلام شدن این جنبش از طرف ترامپ با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که این گروه به فعالیت‌های خود بر اساس رویکردها و تفکرات اعتدالی و مسالمت‌آمیز ادامه خواهد داد.

درخواست تد کروز برای «پیوستن به متحدان خود در جهان عرب»، اشاره‌ای است به اقدام عربستان (در ۲۰۱۴) و امارات (در ۲۰۲۰) که اخوان المسلمین را تروریستی معرفی و از هرگونه فعالیت این جریان در کشورهای خود جلوگیری کردند!

دور از انتظار نیست که ارائه لایحه معرفی اخوان المسلمین به عنوان یک سازمان تروریستی به کنگره آمریکا، نتیجه لابی‌ها و اعمال نفوذهای همین کشورهای عربی در کنگره آمریکا و در بین برخی سناتورهای آمریکایی باشد.

^۱ <https://arabic.cnn.com/middle-east/article/05/11/2021/us-senator-cruz-introduce-muslim-brotherhood-terrorist-designation-act>

لازم به ذکر است که پس از حملات تروریستی در وین در سال ۲۰۲۰، اتریش و آلمان برای مقابله با گروه‌های افراطی اسلامی بسیج شده و در اتریش، پلیس به خانه، محل کار و انجمن‌های متعلق به ۶۰ اسلام‌گرای مظنون به نزدیکی به حماس و اخوان المسلمین هجوم برد و ۳۰ تن از آنها را تحت بازجویی قرار داد. در هامبورگ آلمان نیز سیاستمداران سه حزب خواستار جلوگیری از فعالیت بنیادگرایان اسلامی شدند.

اتریش همچنین در تازه‌ترین اقدام خود در ماه اکتبر گذشته کنفرانس مبارزه با اخوان المسلمین را در وین برگزار کرد. وزیر امور مهاجران اتریش اعلام کرد که وزرا و کارشناسان ذی‌صلاح از چندین کشور اروپایی در این کنفرانس در مورد مسائل اسلام سیاسی و افراط‌گرایی تبادل نظر کرده‌اند.

پیوستن بزرگترین سازمان اسلامی آمریکای شمالی به معاهده منع اشاعه سوخت‌های فسیلی



جامعه اسلامی آمریکای شمالی (ISNA: Islamic Society of North America) بزرگترین سازمان مسلمانان در آمریکای شمالی، معاهده عدم اشاعه سوخت‌های فسیلی را امضا کرده و از دیگر سازمان‌های اسلامی و دینی خواست که بیانه‌ای بین ادیانی در حمایت از این معاهده امضا کنند.

در بیانیه‌ای آنلاین به نقل از صفوت کاتوویچ، رئیس ائتلاف‌های بین ادیان و روابط دولتی جامعه اسلامی آمریکای شمالی (ISNA) آمده است: برای مدت طولانی، تولیدکنندگان عظیم نفت، از جمله در کشورهای مسلمان، با ممانعت از سیاست‌های پایان دادن به استخراج و تولید سوخت‌های فسیلی و ایجاد یک گذار عادلانه به آینده‌ای پایدار، آینده زندگی بشر را به خطر انداخته‌اند.

بیانیه می‌افزاید: ما دیگر نمی‌توانیم ساکت باشیم، زیرا زندگی انسان‌های بی‌شمار، اکوسیستم‌های جهان و زندگی نسل‌های آینده در خطر است و ما دیگر زمان نداریم.

در این بیانیه آمده است: شرع مقدس اسلام روشن می‌سازد که جامعه باید از جان، خانواده، مال و جوهره ایمان مسلمانان با سیاست‌هایی که مصلحت و رفاه عمومی را در نظر می‌گیرد، محافظت کند. عدم تدوین برنامه‌های مشخص برای حذف تدریجی سوخت‌های فسیلی، نقض این الزامات اخلاقی است.

معاهده عدم تکثیر سوخت‌های فسیلی یک ابتکار جامعه مدنی است که از دولت‌ها می‌خواهد تا با پایان دادن به تمام اکتشافات و تولیدات جدید، معاهده‌ای را برای جلوگیری از تکثیر زغال سنگ، نفت و گاز تصویب کنند. کاهش تدریجی تولید سوخت‌های فسیلی در راستای هدف کاهش ۱،۵ درجه سانتیگرادی دمای هوای جهان است.

این معاهده در حالی صورت می‌گیرد که کنفرانس تغییرات آب و هوایی سازمان ملل (COP۲۶) در ۱۲ نوامبر در گلاسکو، پایتخت اسکاتلند به پایان رسید.

نشست گلاسکو در بحبوحه تغییرات آب و هوایی شدید در سراسر جهان برگزار شد و به تأثیرات ویرانگر تغییرات آب و هوایی ناشی از ۱۵۰ سال سوزاندن سوخت‌های فسیلی پرداخت.^۱

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۱۴۱۳۱>

سایر ادیان

دادگاه عالی یونان مجوز ذبح شرعی را لغو کرد و خواستار راه‌حل جایگزین شد



بالاترین دادگاه یونان حکمی را علیه مقررات فعلی ذبح شرعی صادر کرد؛ این دادگاه مجوزی را که ذبح شرعی را از الزام عمومی برای «بیهوش کردن حیوانات پیش از کشتن» مستثنی می‌کرد، لغو کرد. قضات گفتند که قانونگذاران باید راهی برای برآورده کردن خواسته‌های مدافعان حقوق حیوانات و نیازهای یهودیان و مسلمانانی که قوانین مربوط به غذا را در سنت‌های خود دنبال می‌کنند، بیابند.

دسامبر گذشته، بالاترین دادگاه اتحادیه اروپا ممنوعیت‌های اعمال شده در مناطقی از بلژیک برای ذبح شرعی حیوانات و بدون بیهوش کردن آنها را تایید کرد. این حکم به این معنا بود که ذبح مطابق با قوانین یهود که ملزم می‌کند حیوانات هنگام بریدن گردن هوشیار باشند، در آن مناطق ممنوع است، همانطور که در برخی دیگر از نقاط اروپا ممنوع است.

خاخام مناخیم مارگولین، رئیس انجمن یهودیان اروپا، گفت: «ما در ماه دسامبر در مورد عواقب پایین دستی حکم دادگاه دادگستری اروپا هشدار دادیم و اکنون نتیجه آن را می‌بینیم. آزادی دین یهودیان مورد حمله مستقیم قرار گرفته است. از بلژیک شروع شد، به لهستان و قبرس رفت و حالا نوبت یونان است.»

در سال ۲۰۱۱، هلند برای مدت کوتاهی به چندین کشور اتحادیه اروپایی ملحق شد که ذبح شرعی را غیرقانونی می‌شمردند، از جمله دانمارک، سوئد، فنلاند، استونی و اسلونی. سنای هلند در سال ۲۰۱۲ با استناد به آزادی عبادت، ممنوعیت ذبح شرعی را لغو کرد. لهستان نیز در سال ۲۰۱۳ ذبح شرعی را غیرقانونی اعلام کرد، اما از آن زمان این ممنوعیت را کاهش داده و فقط شامل گوشت‌های صادرات می‌شود.

ممنوعیت کشتار کوشر و حلال (ذبح شرعی در یهودیت و اسلام)، به موضوعی برای جدال میان فعالان حمایت از حیوانات و نمایندگان جامعه مسلمانان و یهودیان در سراسر اروپا تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، فعالان و سیاستمداران ضد مهاجرت نیز که از مهاجرت مسلمانان به اروپا ناراضی هستند،

به این بحث پیوسته‌اند. دعوی مشابهی نیز در مورد ختنه غیرپزشکی پسران در سنت یهودی، در جریان است.^۱

- **ملاحظه:** طبق سنت یهودیان برای این که گوشت حیوانی کوشر، به معنای حلال، قلمداد شود این حیوان قبل از کشتار باید سالم و بدون جراحت باشد. کشتار با یک ضربه چاقوی بسیار برنده به گردن حیوان صورت می‌گیرد که به این عمل در سنت یهودیان شحیطه می‌گویند. الزام به بیهوش کردن حیوان پیش از ذبح اعتراض مسلمانان اروپا را نیز در پی داشته است، گرچه این مسأله در میان علمای مسلمان همچنان محل اختلاف است؛ در سال ۲۰۱۵ فتوای مکتوبی از سه تن از علمای الأزهر منتشر شد که بیهوش کردن حیوان هنگام ذبح را جایز می‌شمردند. پس از انتشار این فتوا، گفتگوهای گسترده‌ای در میان علمای دینی و دامپزشکی مصر شکل گرفت و الأزهر و مجمع البحوث الإسلامیة فتوا پیشین را نادرست شمرده و ذبح با بیهوشی را حرام دانستند.^۲ در میان علمای شیعه، حضرات آیات خامنه‌ای، سیستانی، فاضل لنکرانی و مکارم شیرازی، بیهوش کردن حیوان پیش از ذبح و یا نحر را در صورتی که موجب مرگ حیوان نشود، بی‌اشکال دانسته‌اند.^۳

^۱ https://www.timesofisrael.com/greeces_top_court_nixes_ritual_slaughter_permit_calls_for_solution_to_be_found

^۲ <https://www.elbalad.news/۱۶۵۹۲۰۵>

^۳ <http://mozooshenasi.ir/pajooresh/۳۴۵۸/>

پاپ به نمایندگی از شیخ الازهر، سند برادری انسانی را به رئیس‌جمهور آمریکا اهدا کرد



پاپ فرانسیس، رهبر کلیسای کاتولیک، به نمایندگی از دکتر احمد الطیب، سند برادری انسانی را به جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا تقدیم کرد. این سند پیش‌تر در فوریه ۲۰۱۹ از سوی شیخ الازهر، احمد الطیب و پاپ فرانسیس، در ابوظبی، پایتخت امارات متحده عربی امضا شده بود. قاضی محمد عبدالسلام، دبیرکل کمیته عالی بین‌المللی برادری بشر در پیامی در توئیتر نوشت که حوادث و مشکلات انسانی که آینده بشریت را تهدید می‌کند، مهم‌ترین موضوع این نشست بوده است. بایدن پس از آغاز سفر پاپ فرانسیس به ایتالیا برای شرکت در اجلاس G۲۰، در واتیکان به دیدار او رفت. وی افزود: پاپ همچنین سند برادری انسانی را به رئیس‌جمهور آمریکا اهدا و خاطر نشان کرد که هماهنگی تلاش‌ها بین نمادهای مذهبی و رهبران سیاسی،

فرصت‌ها را برای دستیابی به برادری انسانی و ارائه بهترین‌ها به جهان افزایش می‌دهد.

این سند بر چند نکته مهم تأکید دارد که برجسته‌ترین آن‌ها تأیید این است که ادیان هرگز منبع خشونت و خونریزی نبوده‌اند و همچنین به تعدادی از مسائل و مشکلاتی که جهان امروز از آن رنج می‌برد، مانند افراط‌گرایی، تروریسم و فقر نیز اشاره دارد و از تمام جهان می‌خواهد برای حل این مشکلات متحد شوند.^۱ (ترجمه ایکننا)

• **ملاحظه:** سند برادری انسانی برای صلح جهانی بیانیه مشترکی است که توسط پاپ فرانسیس از کلیسای کاتولیک و شیخ احمد الطیب، شیخ الازهر در حاشیه کنفرانس جهانی «برادری انسانی» در ابوظبی پایتخت امارات متحده عربی امضا شد و بیش از ۴۰۰ نفر از رهبران و نمایندگان ادیان و شخصیت‌های فرهنگی و فکری کشورهای مختلف جهان شاهد امضای این سند بودند. این بیانیه قرار است شاهدهی بر ترویج «فرهنگ احترام متقابل» باشد.

از نگاه برخی افراد امضای سند برادری انسانی در امارات بین دو قطب جهان اسلام و مسیحیت به عنوان یک رویداد تاریخی بی‌سابقه قلمداد می‌شود که ملت‌های جهان را در همه ادیان، مذاهب و نژادهایشان در شرایط مساوی قرار داده و هیچ تفاوتی بین آنها قائل نیست.

^۱ <https://alwafd.news/article/۴۰۰۱۷۳۱>

لازم به ذکر است کشور امارات در حالی میزبان کنفرانس برادری انسانی بوده است که با مشارکت در ائتلاف نظامی عربستان سعودی در کشتار و قتل عام هزاران مسلمان یمنی و محاصره همه جانبه مردم یمن دست دارد.

پاپ برای اولین بار به یک زن در واتیکان پست مهم داد



به نقل از رویترز در تاریخ ۵ نوامبر، پاپ فرانسیس در تصمیمی بی سابقه، یک زن را به دومین مقام ارشد دولت شهر واتیکان منصوب کرد. پاپ طی حکمی خانم «رافائلا پترینی» راهبه ۵۲ ساله ایتالیایی را به سمت دبیرکلی در دولت شهر واتیکان منصوب کرد. پترینی از دانشگاه بازرگانی لوئیس گیدو کارلی (LUISS) در رم فارغ التحصیل شده است. این پست مشابه معاونت فرمانداری یا معاونت شهرداری محسوب می شود.

این دولت که محل استقرار آن در کاخ واتیکان است، بیش از دو هزار کارمند دارد و بر زندگی روزمره این شهر از جمله فعالیت‌های پلیس، خدمات اورژانس و مراقبت‌های بهداشتی و موزه‌ها نظارت می‌کند.^۱

رهبری کلیسای پروتستان آلمان با ۲۰ میلیون عضو به زنان سپرده شد



کلیسای پروتستان آلمان در گزینشی کم سابقه آنته کورشوس معاون شورای رهبری خود را با اکثریت قاطع آرای هیئت‌های نمایندگی سراسر آلمان به عنوان رئیس جدید این شورا و اسقف زن هامبورگ را به عنوان معاون او برگزید. در این انتخابات که به صورت آنلاین انجام شد، ۱۲۶ نماینده و رئیس کلیسا از ۲۰ حوزه کلیسایی به خانم کورشوس رای دادند. در این رای‌گیری، رهبر جدید کلیسای پروتستان آلمان تنها ۴ رای مخالف و ۱۰ رای ممتنع داشت.

^۱ <https://fa.shafaqna.com/news/۱۲۵۶۹۷۱>

این نخستین بار نیست که یک زن در صدر کلیسای پروتستان آلمان می‌نشیند. در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نیز، خانم مارگوت کسمن ریاست شورای رهبری این کلیسا را به عهده گرفت، اما دوران ریاست او چندماه بیشتر طول نکشید. اکنون بالاترین مقام کلیسای پروتستان آلمان برای شش سال به آنته کورشوس سپرده شده است.

همزمان با گزینش آنته کورشوس، «کیرستن فرز» اسقف زن هامبورگ نیز به عنوان قائم مقام شورا برگزیده شد. به این ترتیب، همانطور که بسیاری از رسانه‌های آلمانی نوشته‌اند، کلیسای پروتستان آلمان با حدود ۲۰ میلیون و ۲۰۰ هزار عضو برای نخستین بار در تاریخ به طور کامل از سوی زنان اداره می‌شود. یک مقام مهم دیگر این کلیسا نیز به یک زن سپرده شده است.

آنته کورشوس که تا روز گذشته قائم مقام بدفورد اشتروم رئیس پیشین شورای رهبری بود، از امروز به جای وی تکیه می‌زند. او از سوی اعضای همین شورا برای کسب عالی‌ترین مقام کلیسای پروتستان نامزد شده بود. بدفورد اشتروم از سال ۲۰۱۴ رهبری کلیسا را به عهده داشت و در سال گذشته اعلام کرد که در پایان دوران ماموریت خود دیگر نامزد این مقام نخواهد شد.

سوءاستفاده‌های جنسی دهه‌های گذشته در هر دو کلیسای کاتولیک و پروتستان باعث کناره‌گیری ده‌ها مقام کلیسایی شده است.

روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۰ و ۱۱ نوامبر، دست کم یکی از تیتراهای اصلی اکثر رسانه‌های نوشتاری، شنیداری و تصویری آلمان به خبر گزینش آنته کورشوس و تحلیل تاثیر این گزینش بر آینده کلیسای پروتستان اختصاص داشت.

کلیسای پروتستان ایالت نوردراین وستفالن، در دوران ریاست آنته کورشوس پیش از همه کلیساهای دیگر به سراغ پرونده فساد جنسی در کلیسای رفت و تحقیق در این مورد را آغاز کرد.

با توجه به این پیشینه‌ها، رسانه‌های آلمانی پیش بینی کرده‌اند که در ۶ سال آینده، کلیسای پروتستان با تحولاتی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی روبرو خواهد شد و به ویژه زنان در هدایت آن جایگاه بهتری خواهند یافت. امری که می‌تواند بر کلیساهای پروتستان در سطح جهان نیز تاثیرگذار باشد.

برخلاف کلیسای پروتستان، در کلیسای کاتولیک به سختی با دست‌یابی زنان به مقام‌های ارشد موافقت می‌شود.^۱

۱ <https://www.rfi.fr/fa-۲۰-۲۰۲۱۱۱۱۱/جهان-۲۰۲۱۱۱۱۱-رهبی-کلیسای-پروتستان-آلمان-یا-۲۰-۲۰۲۱۱۱۱۱>

میلیون عضو به زنان سپرده‌شد

دیدار پاپ بارئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در واتیکان



رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان در واتیکان دیدار و گفت‌وگو کردند.

محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان در واتیکان دیدار و درباره مسائل دوجانبه گفت‌وگو کردند. طرفین در این دیدار تحولات اخیر فلسطین و همکاری مشترک برای برقراری صلح در سرزمین‌های فلسطینی و منطقه را مورد بحث و گفت‌وگو قرار دادند.

عباس در این دیدار همچنین تأکید کرد که اوضاع فلسطین در پی ادامه حملات اسرائیل رو به وخامت است.

پاپ و محمود عباس همچنین در مورد لزوم ترویج برادری و همزیستی مسالمت‌آمیز میان ادیان مختلف در سرزمین فلسطین گفت‌وگو کردند. پاپ فرانسیس و عباس همچنین تأکید کردند که بیت‌المقدس باید از سوی همه به عنوان محل تعامل و نه درگیری به رسمیت شناخته شود و جایگاه و هویت آن به عنوان یک شهر مقدس برای هر سه دین ابراهیمی حفظ کند و همچنین از طریق یک راه حل تضمین شده بین‌المللی، صلح و آرامش پایدار در آن برقرار شود.

رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین طی یک سفر رسمی روز دوشنبه ۱ نوامبر وارد رم شده و چهارشنبه ۳ نوامبر با سرجیو ماتارلا، رئیس‌جمهور ایتالیا دیدار کرد.^۱

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۱۰۷۲۴>

سیک‌های هند برای مراسم سالانه میلاد گورو نانک به پاکستان می‌روند



کمیسیون عالی پاکستان در دهلی نو حدود ۳۰۰۰ ویزا برای سیک‌های هندی به جهت شرکت در جشن‌های ۵۵۲ سالگی بابا گورو نانک، بنیانگذار آیین سیک، صادر کرده است. این جشن از تاریخ ۱۷ تا ۲۶ نوامبر در پاکستان برگزار می‌شود و سیک‌ها در طول اقامت خود در پاکستان، در این مراسم به آیین‌های مذهبی خود ادای احترام می‌کنند.

ویزای زائران سیک بر اساس پروتکل پاکستان و هند در مورد بازدید از زیارتگاه‌های مذهبی در سال ۱۹۷۴ صادر شده است. این پروتکل که در مورد بازدید از زیارتگاه‌های مذهبی بین هند و پاکستان برنامهریزی شده، بیان می‌کند

که چنین بازدیدهایی از یک کشور به کشور دیگر بدون تبعیض مذهبی یا فرقه‌ای مجاز خواهد بود.

هزاران زائر سیک که در کشورهای غیر از هند زندگی می‌کنند نیز برای شرکت در این مراسم از مکان‌های مذهبی، پاکستان دیدن خواهند کرد. کمیسیون عالی پاکستان در هند به مناسبت ۵۵۲ مین سالگرد تولد بنیانگذار مذهب سیک به پیروان سیک در هند و سراسر جهان پیام تبریک فرستاده است و برای زائرانی که از پاکستان بازدید می‌کنند، آرزوی داشتن یک زیارت معنوی را کرده است.

این جشن یکی از مقدس‌ترین جشن‌ها در میان پیروان آیین سیک به حساب می‌آید. امسال این جشن در تاریخ ۱۹ نوامبر قرار دارد. گفتنی است در اوایل امسال، پاکستان در ماه ژوئن و در دو نوبت مختلف، به زائران سیک از هند اجازه ورود به پاکستان را نداده است.^۱

^۱ <https://adyannews.com/۱۰۰۶۲۵>



بخش دوم: تحلیل‌ها

تشدید بحران و اختلاف در اخوان المسلمین مصر

محمد طلایی

بیش از ۶ سال از آغاز مهم‌ترین اختلاف و انشقاق در تاریخ جماعت اخوان مصر می‌گذرد. اختلافاتی که از ماه می ۲۰۱۵ م علنی شد و به کودتای محمود حسین علیه جریان انقلابی و شبابی اخوان معروف گشت. حاصل آن نزاع، خارج شدن و به عبارت بهتر اخراج بسیاری از منتقدین به نحوه اداره جماعت توسط حلقه‌ای بود که عمدتاً در تحلیل‌ها، امتدادی از همان تنظیمی‌های سابق در نظر گرفته می‌شد. جناحی که از دهه ۷۰ به تدریج بر مفاصل حساس اداره جماعت سیطره یافت و با گذشت زمان، نحوه مدیریتش دو نزاع را در جماعت به وجود آورد: نزاع اصلاحی-تنظیمی و نزاع محافظه‌کار-انقلابی و یا مکتب قدیم و مکتب جدید.

ماهیت نزاع اول عمدتاً بر سر حد و حدود فاصله گرفتن از شاکله سنتی جماعت اخوان، به مثابه ساختاری که باید تمامی عرصه‌های فعالیت اجتماعی را از فرهنگی و تربیتی گرفته تا سیاسی و اقتصادی، پوشش دهد بود. جریان اصلاحی معتقد بود زمین بازی سیاست از فرهنگ باید جدا باشد و عالم سیاست ابزارهای خاص خود را می‌طلبد. پس باید مانند تمامی بازیگران به این قواعد تن داد و با تأسیس حزب و التزام به لوازم معمول فعالیت سیاسی چشم به فتح سنگرهای قدرت دوخت.

اما جریان تنظیمی که به زعم خویش، اخوان را در دهه‌های ۷۰ تا ۹۰، از گروهی کوچک و بحران زده، به سبب محنت دوره ناصر، به بازیگری بزرگ

تبدیل کرده بود، نمی‌توانست از تمامی داشته‌های خویش چشم‌پوشد. تن دادن به خواسته‌های اصلاحی‌ها، معادل بود با کاهش سطح فعالیت در عرصه‌هایی که برای حاکمیت مصر حساسیت برانگیز بود: اخوان بین‌الملل با ارتباطات و گردش مالی فرای ملی شاید مهم‌ترین آنها بود. البته این نزاع صورتی گفتمانی نیز داشت: اصلاحی‌ها سکولارتر بودند و اصراری به تطبیق شریعت نداشتند ولی تنظیمی‌ها از سودای اسلامی کردن قوانین دست‌نمی‌کشیدند.

این چالش همراه اخوان بود و منجر به انشقاق‌های قابل توجهی در بازه سال‌های پیش از قیام ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۳ شد. اما نزاع مهیب‌تر به واسطه کودتا ژنرال سیسی علیه دولت مرسی بود. نزاع اخیر حاصل اختلاف در شدت و نوع پاسخ به کودتا بود. جوانان که به واسطه عدم دسترسی کادرهای بالادستی، استقلال عمل بیشتری پیدا کرده بودند، حتماً حجمی از خشونت را برای پشتیبانی از تظاهرات در برابر پلیس و ارتش لازم می‌دیدند اما رهبران تنظیمی، که اساساً نسبت به خود انقلاب ۲۰۱۱ نیز بدبین بودند، نمی‌خواستند تمامی آنچه در طول دهه‌های پیش درو کرده‌اند را در قمار جوانان انقلابی بیازند. خاصه وقتی پای استفاده از امکانات بین‌الملل جماعت برای حمایت از خشونت محدود جوانان، به واسطه دفتر خارجی تازه تأسیس اخوان در ترکیه مطرح شد. امکانات بین‌المللی جماعت تنها دارایی بود که می‌توانستند از جهنم قاهره نجات دهند.

از این جا به بعد دیگر مشخص بود؛

به دلیل انباشت امکانات در دستان جریان تنظیمی، جناح شبابی و انقلابی بیشتر توانست در حد بروزات رسانه‌ای خود را سر پا نگه دارد. اما امکانات مالی

و اداری جماعت در دستان تنظیمی‌ها، که توانسته بودند خود را به استانبول برسانند، بود. برای اداره امور جماعت، دفتر اجرایی (المکتب التنفيذی) در استانبول تأسیس شد و محمود حسین به عنوان دبیرکل اداره امور را به عهده گرفت. دبیر کلی البته با قرائت منتقدین، از سال ۲۰۱۲ دیگر ملغی شده بود!

اما در میان همین جریان تنظیمی نیز اختلافات وجود داشت. تا پیش از گریختن اخوانی‌ها از مصر به ترکیه، ثقل خارجی جماعت و در واقع مرکز بین‌الملل اخوان در لندن و تحت اداره ابراهیم منیر بود. اما اکنون ارتباطات ناشی از تراکم نیروی انسانی و فعالیت‌های رسانه‌ای و مالی در استانبول جمع می‌شد. محمود حسین با استقرار در استانبول و با یاری گرفتن از حلقه افرادی مانند مدحت الحداد، همام یوسف و دیگران، توانست تثبیتی را در وضعیت جماعت ایجاد نماید. اما در ایجاد تحول و حرکت در آن در برابر حق غضب شده اخوان ناتوان بود. از سوی دیگر، پرونده اختلافات نیز لایزال باز بود و بخش عظیمی از ظرفیت‌های فعال جماعت از دسترس خارج شده بود. برخی تحلیل‌گران این انفعال را ناشی از متاثر بودن بیش از حد جناح استانبول از دولت ترکیه و قطر می‌دانند تا پرونده‌های منطقه‌ای آنان با مصر بیش از پیش وارد چالش نشود.

در مقابل اما جناح لندن خواستار تحرک بیشتر بود. تحرکی در گام اول با یکی کردن صفوف اخوانی و حل کردن پرونده اختلافات آغاز می‌شد. پس منیر که با دستگیری محمود عزت، توسط مجلس شورای جماعت، نایب مرشد گشته بود، با شعار توحید صفوف پای در میدان گذارد. در اولین گام نیز مجددا پست

دبیرکلی حذف شد و محمود حسین با یک پله نزول، در شورای اداری در کنار ۴ عضو دیگر قرار گرفت.

ظاهراً عمق اختلافات جناح محمود حسین با منتقدین به جماعت، اجازه تحرک کافی به ابراهیم منیر را نمی‌داد. پس نایب مرشد جدید تصمیم گرفت تا ۶ تن از اعضای اخوان که شامل محمود حسین و حلقه خواص او بوده‌اند را از به صورت موقت از جماعت اخراج نموده و برای انجام تحقیقات، تحت پیگرد داخلی قرار دهد. (سازوکار داخلی جماعت برای رسیدگی به تخلفات اعضا). در مقابل اما محمود حسین با استفاده از قدرت لابی خویش، بخشی از مجلس شورا را با خود همراه نموده تا ابراهیم منیر را از مقام خویش خلع کنند. این نزاع نیز مانند سال ۲۰۱۵، به سطح رسانه‌ها کشیده شده و طرفین با حرارت تمام در شبکه‌های اجتماعی علیه یکدیگر مشغول افشاگری و موضع‌گیری هستند.

بحران اخوان و شکست در آزمون اخلاق!!

عصام تلیمه

برای جماعت بزرگی مانند اخوان المسلمین، تجربه یک مشکل یا یک بحران، تعجب‌آور نیست، زیرا اقتضای نهادهای بزرگ از نظر تعداد و تاریخ چنین است، اما بزرگ‌ترین مشکل و بحرانی که نیاز به یک موضع‌گیری دارد، چه از سوی عقلای داخل تشکیلات و چه از سوی دوستداران خارج از آن، این است که گروهی از این جماعت در آزمون اخلاقی شکست بخورند.

پیش از این در یادداشت‌هایی گفتم که ماجرای اخیر اخوان بدون شک دیر یا زود به پایان می‌رسد، اما بحران هنوز تمام نشده است، زیرا بحران ابعاد دیگر مهم‌تری از ماجرای جماعت و کسانی که آن را رهبری می‌کنند، دارد؛ ابعادی مهم‌تر از اینکه چه کسی برای این رهبری و این مناصب محق و شایسته است. من دغدغه پیروز و مغلوب در این ماجرا را ندارم، زیرا بحران در اینجا به پیروز اخلاقی و همچنین مغلوب اخلاقی مربوط می‌شود.

دعوا میان دو جناح یا دو گروه از جماعت است، صرف نظر از اندازه هر یک از آنها، و اینکه چه کسی برتری دارد و چه کسی ندارد، زیرا همانطور که گفته‌ام این یک دعوا درون‌سازمانی است که برای بسیاری از مردم اهمیتی ندارد، بلکه آنچه برای توده‌های پیرو جماعت و حامیان آن مهم است، آزمون اخلاق است؛ آزمونی که نشانه‌های شکست هولناک برخی از کسانی که پرچم اخلاق را تا زمانی که برای آنها موجودیت و موقعیتی سازمانی به همراه داشت، برمی‌افراشتند، و چون اخلاق بر دوش‌شان سنگینی کرد و مانعی برای دستیابی به دستاوردهایشان شد، از «تظاهر» به آنها دست کشیدند، زیرا کسی که (حقیقتاً) جامه اخلاق را تن کند، به راحتی نمی‌تواند آن را رها کند، مگر اینکه (تنها) حجابی باشد که خود را بین مردم پنهان کند، اخلاق رفتاری است که از صاحب آن جدا نیست، چه در جنگ و چه در صلح، چه با نزدیکان و چه با غریبه‌ها و چه با دشمن و چه با دوست.

روشن است که اخوان سازمانی است که برای کسانی که به آن ملحق می‌شوند شرایط و مشخصاتی را تعیین می‌کند که اولین آنها «اخلاق پسندیده»

است و اخوان از آغاز نمی‌پذیرد کسانی که اخلاقی ناپسند دارند وارد آن شود. در بحران اخیر سطحی از بی‌اخلاقی به نمایش گذاشته شد که می‌توانست پنهان بماند، اما متأسفانه به شکلی بی‌پرده بروز پیدا کرد و باعث شد مردم با نگاهی متفاوت از آنچه پیشتر جماعت و تاریخچه آن را می‌دیدند، به آن بنگرند.

این اقداماتی که هم‌اکنون مردم آشکار و عیان می‌بینند، (همان برخوردهایی است که پیش از این) با مخالفان درون سازمان و یا مخالفان برخی از رهبران آن انجام می‌شد، در اختلافاتی که نمی‌توانست برای خدا باشد، بلکه صرفاً شخصی بود، اما کسانی که درگیر این دعوها بودند با این توجیه که به نفع «دعوت» است، بر آنها سرپوش می‌گذاشتند. اما اکنون دعوا میان دو طرفی شکل گرفته که پیشتر هر دو در یک طرف بودند، و یکی از این دو طرف به گونه‌ای به میدان آمده که هر اخلاق و هر رفتار تشکیلاتی را زیر پا می‌گذارد، خود مردم را از چنین سلوک و رفتاری نهی می‌کرد، اما وقتی دعوا او را به نیستی می‌کشاند و می‌بیند بدون چنین رفتاری دیگر آینده‌ای نخواهد داشت، همه این اعمال بدون قید و شرط اخلاقی حلال می‌گردد.

رفتار این طرف در زیر پا گذاشتن اخلاق در این اختلاف به جایی رسید که یکی از برجسته‌ترین رهبران اخوان در مورد آنها نوشت: «آنها برای رضای خدا به من تجاوز کردند»؛ منظور او رفتاری است که برخی نسبت به او و دیگران انجام می‌دادند، از هتک حرمت و مباح شمردن آبروی آنها و آبروی هر کسی که می‌خواست اینان را از کیک اخوان و به طور خاص رهبری آن محروم کند. اینها رفتاری نیست که زاییده امروز باشد، بلکه این عضو ارشد اخوان و دیگران

شهادت می‌دهند که پیشتر نیز با چشمان خود همین رفتار را از اینان می‌دیدند که چگونه برادرانشان را با آنکه علم به بی‌گناهی آنها داشتند، هتک حرمت می‌کردند، اما او تنها به اعتراض خاموش یا پنهانی بسنده می‌کرد، از ترس اینکه مبدا به آبروی او نیز لطمه‌ای بزنند، اما هنگامی که او نیز در پیش روی آنها در معرکه‌ای قرار گرفت، او را نیز هدف تیرهای خود قرار دادند و این همان چیزی است که برای دیگران و دیگران نیز اتفاق افتاده است.

سال‌هاست که به هر عاقلی می‌نویسیم و هشدار می‌دهیم و می‌فرستیم که بزرگ‌ترین مشکل این گروه «تجاوز اخلاقی در نزاع و مباح شمردن هر وسیله‌ای است که به مقصود برساند»، حتی اگر به هزینه خود دعوت و جماعت یا شهدا و یا بازداشت‌شدگان باشد. وقتی آنها اموال را از جوانان مهاجرت کرده و خانواده‌های بازداشتی‌ها و شهدا دریغ می‌داشتند، استدلال آنها که آن زمان می‌خواستند با آن همه را بترسانند، این بود که می‌خواهند اموال را از معارضان با جناح مسالمت‌آمیز جماعت دریغ دارند، و این تهمتی بود که هیچ دلیل و پشتوانه‌ای نداشت، بلکه خود دلیلی بود بر سقوط اخلاقی آنها.

در زمان دعوای قبلی، کسانی پلت‌فرم‌ها و شبکه‌های اجتماعی ایشان را می‌گرداندند که ارتباطات و رفتارهای اخلاقی آنها جای پرسش داشت، از بداخلاقی‌هایی که بروز می‌دادند و آبروهایی که می‌بردند، و افراد بسیاری بودند که مطالب اینها برایشان ارسال می‌شد، از طریق پست‌های فیس‌بوکی یا از طرق دیگر. آنها در این مطالب آبروی مخالفان خود در جماعت را می‌بردند و مشکل فقط در حضور این افراد نبود، بلکه در پذیرش آنها بود. با یک ستیزه‌جویی

آشکار، آنها افرادی را که از اخلاق پا فراتر می‌گذاشتند را می‌پذیرفتند، مادامی که این تخطی آنها به دردشان می‌خورد. تا جایی که روزی با یکی از آنها ملاقات کردم و به او گفتم: چرا معاشرت با کسی را می‌پذیرید که به دروغ، تصویر همسر یک از رهبران را جعل کرده و به ناحق به ناموس مردم تعرض می‌کند؟ پس به صراحت به من گفتم: شخصیتی است که به مخالفان ما ضربه می‌زند و به ما آسیب نمی‌رساند، چرا جلوی آن را بگیریم؟!

مهم‌ترین چیز در مورد بحران اخیر این است که یک موضوع مهم اخلاقی را روشن کرد و آن «قربانی کردن سرمایه اخلاقی» است، آن هم به خاطر کسب یک سود احتمالی کوچک و موقت، در حالی که ممکن نیست «تخلیه اخلاقی» ارزش چنین سودی را داشته باشد، حتی اگر محقق شود.

من فکر می‌کنم که جماعت باید این پرونده اخلاقی را به طور کامل از همه جوانب بررسی کند، زیرا قابل قبول نیست سازمانی که یکی از مهم‌ترین ملاک‌های ورود به آن «اخلاق» است، یکی از بزرگ‌ترین ابزارهای نبرد در آن «بد اخلاقی» و هتک حرمت باشد. این معضل قابل توجه و به یک رفتار سیستماتیک تبدیل شده است، چه برای مردان و چه برای زنان، و این به جایی رسیده که خانمی در صفحه خود که وابسته به یکی از طرف‌ها در بحران اخیر است و اکنون این طرف به توهین و حرمت‌شکنی معروف شده است، مطلبی نوشت که در آن دو شخصیت که یکی سیاسی و دیگری روزنامه‌نگار و رسانه‌ای بود را به «فحشا» متهم می‌کرد.

نمونه‌ها بسیار بیش از آن است که بتوان آنها را به شمار آورد و نقل آنها در نوشته‌های دیگران، این قلم را از نقل آنها معاف می‌کند. همه متوجه این نزول اخلاقی در نزاع شده‌اند و بدترین نکته آن است که به شکلی آشکار و عریان بروز پیدا کرده است. این چیزی است که زنگ خطر را به صدا درآورده و می‌بایست برای التیام این شکاف اخلاقی تلاش کرد. جماعت باید آن گونه که در سخنان و ادبیاتش می‌گوید، اخلاقی باشد و ادبیاتش مطابق با واقعیت و عمل باشد، وگرنه مردم فاتحه آن را می‌خوانند.^۱

- **ملاحظه:** عصام تلیمه که خود از منتقدین سرسخت و دیرین رهبران رسمی جماعت بوده است، ظاهراً در این دو گانه، مایل به ابراهیم منیر بوده و طیف محمود حسین را بیشتر لایق سرزنش می‌داند. هر چند شعارهای نائب مرشد را نیز کافی ندانسته و از لزوم حل شدن واقعی چالش‌های اداره جماعت سخن گفته است.

^۱ <https://arabi۲۱.com/story/۱۳۹۵۶۸۳>

در تقارن هفته وحدت و درگذشت حسن حنفی



به مناسبت درگذشت حسن حنفی، متفکر مسلمان مصری و یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان جنبش چپ اسلامی، و دانش غرب‌شناسی، روز جمعه ۲۲ اکتبر روزنامه «العالم الجديد» با انتشار یادداشتی به روابط فکری او را با دوست متفکر عراقی‌اش، عبدالجبار رفاعی، پرداخت.^۱ در این یادداشت که به قلم خود حسن حنفی است، وی خاطرات مشترک خود با عبدالجبار رفاعی را در طی سه دهه فهرست می‌کند.

حسن حنفی در این یادداشت از سفر خود به قم و آشنایی با رفاعی می‌گوید و با دیدن نزدیکی بسیار دیدگاه‌های خود با اندیشه دوست شیعی خود، از این می‌گوید که چقدر دیوارهای کشیده شده میان اهل سنت و شیعه موهوم است و فاصله قم تا قاهره چقدر نزدیک است. حسن حنفی از چپ اسلامی و سرنوشت

^۱ <https://alLaalem.com/article/51554-مفکر-المفکر-استذکر-القاهرة-هكذا-استذکر-المفکر-51554>

آن می‌گوید و از مجله ارزشمند «قضایا اسلامیة معاصرة» رفاعی به نیکی تجلیل می‌کند، مجله‌ای که خود او نیز در آن حضوری پررنگ داشت، به ویژه با موضوع «علم الکلام الجدید» که در سال‌های نخست، مجله شش شماره را بدان اختصاص داد.

به مناسبت تقارن درگذشت این متفکر مسلمان و هفته وحدت، ترجمه این مطلب را در ادامه تقدیم می‌کنیم:

قم، بغداد، قاهره... حسن حنفی این‌گونه از دوست عراقی خود یاد کرد به قلم: حسن حنفی

در سفری که پس از انقلاب به قم داشتم، به طور اتفاقی در حوزه علمیه قم با جوانی عراقی آشنا شدم که در شهر اجتهاد و اندیشه، اجتهاد می‌کرد و می‌اندیشید. او به شیوه دانشمندان قدیم، خانه خود را به کتابخانه و زیراندازهای اتاق‌هایش را به انجمنی فکری و کلاس‌هایی برای پژوهش و سالن‌هایی برای پذیرایی [از اندیشمندان] تبدیل کرده بود. او و خانواده‌اش پذیرای طلاب بودند و هیچ تفاوتی بین خانه و دانشگاه، بین غذای بدن و غذای روح وجود نداشت.

او فقیه و عالمی ترائی است و مانند بسیاری از علمای قم که به نشر تراث می‌پردازند، نسبت به مسائل روز نگاهی باز دارد، همچنان که «موسسه آل‌البیت لإحياء التراث» چنین است، موسسه‌ای که اندیشمند جواد شهرستانی آن را بنیان نهاد و در آن هزینه کرد و طلاب جوان در آن فعالیت می‌کنند. دین و علم مانند صاحبان کتابخانه‌های تراث در خیابان‌های قم، دو شریک هستند. قم همچنین

دارای مراکز تحقیقاتی فراوانی برای تحصیل و اقامت طلاب جوان دارد، چنانکه در میراث کهن ما چنین بوده و حتی رواق‌های الازهر تا همین دوره اخیر این چنین بوده است. علم‌نیازی به دولتی ندارد که حامی آن باشد یا نهادی که از آن حمایت کند، بلکه کافی است یک دانشمند به طور داوطلبانه همه اینها را با پیروی از سنت پیشینیان رسیدگی کند یا بخش خصوصی یا مؤسسات فرهنگی آن را برعهده بگیرند. علم همان دولت است و دولت عمارتی است که توسط دانشمندان ساخته می‌شود.

با انتشار شماره‌های نخست مجله «قضایا اسلامیة معاصرة» محتوا و جهت آن راه سومی را نشان می‌داد که از سلفی‌ها و سکولارها فراتر می‌رفت. صفحات آن برای بسیاری از نواندیشانی که این گرایش را نمایندگی می‌کردند، گشوده بود تا در قالب گفتگو با آنها یا مقاله‌هایی از آنها، واضح و قابل فهم خوانندگان را به آنچه می‌خواهند بخوانند. راه‌اندازی فصلنامه «چپ اسلامی» که من در اندیشه آن بودم، اکنون بدون توجه به عنوان در قم منتشر می‌شد. اندیشه‌ها بی‌توجه به جغرافیا، قم یا قاهره، با یکدیگر برابری می‌کردند که این نشان می‌دهد چه میزان نیاز ما به آنها واقعی است. زمان آن رسیده که اندیشه اصلاح پیشرفت کند و از گفتمان اخلاقی موعظه‌ای به گفتمان علمی تحلیلی منتقل شویم.

رفاعی پس از صدور حکم اعدام در بغداد، در ایام استبداد گذشته و تعقیب علما و بزرگان کشور، از مهاجران عراقی به حوزه علمیه قم است. هجرت به پاریس و لندن نبود تا از راه دور مبارزه را ادامه دهد، بلکه به قم، شهر علم و انقلاب بود که نزدیک بغداد است. مبارزه فرهنگی به عنوان مبنایی برای مبارزه

سیاسی در روزهای نخست انقلاب ادامه یافت، انقلابی که سرچشمه امید همه مسلمانان بود، به ویژه برای فلسطین که پس از انقلاب سفارت اسرائیل زمان شاه به سفارت فلسطین تبدیل شده بود.

اولین شماره‌های مجله «قضایا اسلامیة معاصرة» که منتشر شد، گویی خود را می‌خواندم، هیچ فرقی بین شیعه و سنی نبود. همان دغدغه‌ها را بازتاب می‌داد، همان مسائل مربوط به «تراث و تجدید»، فراتر از آنچه در جهان اسلام، کویت یا مالزی منتشر می‌شد. این مجله دغدغه‌هایی فرهنگی داشت، اگرچه به صراحت به عراق، ایران یا انقلاب اسلامی اشاره نمی‌کرد. این امر در مصاحبه با عبدالجبار رفاعی با عنوان «قم سؤال می‌کند و قاهره جواب می‌دهد» مشهود بود که برخی از علمای قم را اندوهگین کرد که گویا قم سرگردان است و قاهره نزدش اخباری یقینی است. که البته اصلا درست نیست؛ عنوان می‌توانست برعکس باشد: «قاهره می‌پرسد و قم پاسخ می‌دهد». سؤال گاهی مهمتر از پاسخ است.

در قاهره، اولین شماره «چپ اسلامی» در سال ۱۹۸۰ با توجه به نگرانی‌های امت در عراق، فلسطین، کشمیر و حجاز منتشر شد. چرا کانون‌های فرهنگی برای اسلام روشنگرانه، با ورودهای گوناگونی که به این موضوع هست، در قم و قاهره و در هر شهر فرهنگی اسلامی تأسیس نمی‌شود؟ تحقیقات پیرامون اسلام روشنگرانه در اندونزی، مالزی و آفریقای جنوبی در حال انجام است و به رهایی و نهضت ملت‌ها کمک می‌کند و نسل جدیدی را ایجاد می‌کند که راه خود را بین سلفی‌ها و سکولارها، بین قدما و معاصرین و بین سنت‌گرایان و مدرنیست‌ها باز می‌کند، مانند «نهضت العلماء» در اندونزی.

انتقال مجله «قضایا اسلامیة معاصرة» از قم به بغداد و بازگشت بنیان‌گذار آن به سرزمین اصلی خود، شجاعت بزرگی در فضای عراق پس از پایان استبداد است، جایی که هنوز اشغال به هر طریقی در کمین است و خطرات تجزیه عراق را تهدید می‌کند. آزادی واقعی تنها از طریق مقاومت نظامی در برابر اشغالگری یا مقاومت در برابر تجزیه فرقه‌ای و قومی بین شمال کردی، مرکز سنی و جنوب شیعی به دست نمی‌آید، بلکه از طریق کار فرهنگی طولانی‌مدت و بازتفسیر توحید به گونه‌ای که وحدت عراق را به دست آورد، بازتفسیری از عدالت به نحوی که به عدالت اجتماعی برسد، بازتفسیری از نبوت و معاد به عنوان ابعادی از تاریخ بین گذشته و آینده، و ایمان و عمل که برای اکنون ما است و بر آن تأثیر می‌گذارد. فقط بازخوانی عقاید، احکام شرعی و اولویت دادن به معاملات بر عبادات کافی نیست. «قضایا اسلامیة معاصرة» می‌تواند به عنوان بستری برای گفتگوی ملی بین روشنفکران و علمای عراق و نه تنها بین سیاستمداران این کشور باشد. فرهنگ سیاسی بر کنش سیاسی ارجحیت دارد.

عبدالجبار رفاعی در انجمن فلسفی مصر و در کنفرانس آن در دانشگاه کانال سوئز در اسماعیلیه شرکت کرد و یکی از اعضای برجسته آن بود. این نشان‌دهنده یک روند روشنگرانه در عراق و ایران است. «چپ اسلامی» نیز نماینده این جریان در مصر است. این جریان به عنوان یک موضوع پژوهش در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری رایج شده است.

جریانی که «مسائل معاصر اسلامی» و «چپ اسلامی» آن را نمایندگی می‌کنند، هنوز با مشکلاتی مواجه است. چگونه می‌توان تفاسیر فردی در بغداد

و قاهره را به یک جریان فکری تبدیل کرد که متفکران، دانشجویان، حامیان و تأثیرات خود را دارد؟ دوقطبی شدن دو جریان اصلی اسلامی و سکولار همچنان شدید است و تا حد رقابت و تضاد و حتی دشمنی و خصومت می‌رسد. اسلام‌گرایان به غیرنظامیان فحش می‌دهند و غیرنظامیان به اسلام‌گرایان خیانت می‌کنند تا جایی که کشور را به دو طرف متخاصم درگیر تقسیم می‌کنند. هر دوی آنها دشمنی اصلی با استبداد در داخل، تجاوزگری در خارج، تبعیت از آمریکا و شهرک‌سازی اسرائیل را فراموش کردند. هر گروهی همچنان برای کسب قدرت رقابت می‌کند و فکر می‌کند که اگر آن را به دست آورد، می‌تواند به برنامه دینی یا مدنی خود برسد: «إن الله یزع بالسلطان ما لا یزع بالقرآن؛ خداوند محارمی را که با قرآن ترک نمی‌شوند، به مدد سلطنت باز می‌دارد».

رفاعی هیچ نهاد، حزب یا هیچ نظام سیاسی را تایید نمی‌کند. منطق غالب [میان مسلمانان] تحت تأثیر حدیث «فرقه ناجیه» که حق را تنها نزد یک گروه می‌شمرد، همواره منطق مبتنی بر تضاد «یا این یا آن» بوده است و نه منطق «با همدیگر» یا «برابر با یکدیگر». در عوض، رویکرد اصلاح‌گراانه به دنبال بازاندیشی و خروج از بن‌بست قطب‌بندی بارها شکست خورده است، چرا که به دلیل آزار و شکنجه و زندانی شدن اسلام‌گرایان، بنابراین بیشتر آنها به سلفی‌گری محافظه‌کار روی آوردند.

همه ندای راه حل سوم و ضرورت غلبه بر قطبی شدن را سر می‌دهند، اما واقعیت این است که هیچ کس او را نمی‌خواهد و او را درک نمی‌کند، زیرا آن طور که دو طرف معارض بر سر قدرت می‌جنگند، او قدرت را نمی‌طلبد. او روی

تغییرات فرهنگی طولانی‌مدت و گذار به مرحله تاریخی جدید کار می‌کند. سکولارها او را به اسلام‌گرایی پنهان و اسلام‌گرایان او را به سکولاریسم پنهان متهم می‌کنند. او بستری برای صحبت کردن ندارد. هنوز یک جریان فکری است که توسط برخی از روشنفکران نمایندگی می‌شود. از اعتدالی که جریان‌های محافظه‌کار اسلامی دنبال می‌کنند دور است، زیرا گاهی مستلزم انقلاب و افراط‌گرایی در گرفتن حقوق فقرا از اموال ثروتمندان و حقوق ضعیفان از غارت مستکبران است. با نظام‌های سیاسی سر و کار ندارد تا استقلال خود را از دست ندهد و به یک جریان فکری می‌ماند که روشنفکران را مخاطب قرار می‌دهد تا فرهنگ عامه را بازسازی کند. این با مجله «قضایا اسلامیة معاصرة» تحت نظارت و راهنمایی عبدالجبار رفاعی نشان داده شده است.

این مجله نیاز به معرفی بیشتر و انتشار در خارج از عراق دارد و همچنان به افزودن به نویسندگان نیاز دارد تا آنها به یک دسته محدود نشوند. همه چیز از کوچک شروع می‌شود و بزرگ به پایان می‌رسد. مسائل اسلامی معاصر به لطف مالک، بنیان‌گذار، حامی و محافظ آن در برابر ظالمان زمان، عبدالجبار رفاعی، بزرگ شروع شد و همچنان در حال رشد است.

جنجال گسترده با افتتاح «انجمن چندمصری» در شمال سوریه

حامد دهقانی فیروزآبادی



دوشنبه ۱۸ اکتبر سوری‌ها عکسی را در شبکه‌های اجتماعی پخش کردند که به گفته آنها مربوط به افتتاح «انجمن چندمصری» در شهر «اعزاز» در حومه شمالی حلب است.^۱

وجود پرچم معارضین سوری در تصویر منتشر شده و به ویژه لوگوی انجمن که «یک مرد و چهار زن در اطرافش» را نشان می‌دهد، جنجال گسترده و واکنش‌های مختلفی را در میان مردم سوریه برانگیخت.

^۱ https://www.alarabiya.net/arab_and_world/syria/۲۰۱۰/۲۰۲۱/۲۰۱۰/۲۰۲۱

الزوجات في سوريا - بثيرة زوبعة

شیخ احمد العلوان که برای نخستین بار از افتتاح این انجمن خبر داد، گفت که «این انجمن تصورات غلط چندهمسری را تصحیح می‌کند و از آن به عنوان یک مفهوم شرعی که توسط دشمنان اسلام تحریف شده است دفاع می‌کند».^۱

حسن الدغیم، رئیس اداره موسوم به «ارشاد و هدایت اخلاقی» در «ارتش ملی سوریه» که ائتلافی از گروه‌های مسلح مورد حمایت آنکارا است، افتتاح انجمن چندهمسری را تبریک گفت و در حساب رسمی توئیتر خود نوشت: «این گامی است که باید برای آن جشن گرفت».

در پی جنجال‌های گسترده^۲ پیرامون افتتاح «انجمن چندهمسری در اعزاز»، خانم «احلام آل سعود» مدیر دفتر این انجمن، در صفحه رسمی فیس بوک خود پستی منتشر کرد و تأکید کرد که انجمن چندهمسری به حقوق زنان توجه دارد و سلول اصلی جامعه که خانواده است را زنده می‌کند.

وی افزود: «در این انجمن، زن از حق ازدواج و حق باز کردن مجدد خانه پس از آنکه رژیم اولین خانه‌اش را ویران کرد، استفاده می‌کند، به امید ادامه می‌دهد، به زندگی ادامه می‌دهد... انجمن چندهمسری تجربیات نخبگان، اندیشمندان و داستان‌های موفقیت خانیهایی را که به نوزایی یک ملت کمک کرده است، ارائه می‌دهد و دارای هیئت مدیره‌ای از بهترین روشنفکران و فعالان

^۱ <https://www.facebook.com/moaazaboans/posts/۶۰۹۹۵۹۳۳۳۷۸۴۴۴>

^۲ <https://yal.net/۱۹/۱۰/۲۰۲۱/اعزاز-تثیر-زوجات-في-اعزاز-تثیر->

aber۲۰٪.mo/women/جدل

جامعه و آیین‌نامه‌ای است که هدف آن دستیابی به کرامت و توانمندسازی زنان و تأکید بر حق آنها برای تشکیل خانواده و داشتن زندگی شایسته است.^۱

این انجمن چنانکه احلام آل سعود نیز اشاره کرده، از جنگجویان سوری که با حمایت ترکیه شهر اعزاز را اشغال کرده‌اند، مجوز فعالیت گرفته است.

داغ شدن دوباره مسئله چندمسری در سوریه، صدای اعتراض بسیاری از مدعیان حقوق زنان در داخل و خارج از این کشور را بلند کرد. با بالا گرفتن اعتراض‌ها به این انجمن، شورای محلی شهر اعزاز ۱۹ اکتوبر در بیانیه‌ای صدور مجوز برای تأسیس انجمن چندمسری را منکر شد و اعلام کرد فوراً با طی مراحل قانونی برای بستن این انجمن تلاش خواهد کرد.^۲

گفتنی است چندمسری در سوریه چندان گسترده نبوده است، اما با افزایش آمار زنان بیوه در طی سالیان دراز جنگ در این کشور، مسئله چندمسری با هدف ازدواج با بیوه‌ها، مدت‌ها است به طور جدی مطرح شده است.^۳ طبق برخی آمارها در پایان سال گذشته، ۴۶,۸۹۲ بیوه در شمال غرب سوریه و از این میان ۱۰,۸۰۹ بیوه در اردوگاه‌های آوارگان زندگی می‌کردند.^۴

^۱ <http://www.zamanalwsl.net/news/article/۱۴۰۷۰۵>

^۲ <https://www.jesrpress.com/۲۱/۱۰/۲۰۲۱-ترخیصه->
المجلس المحلي في اعزاز-ينفي-ترخيصه-
الج

^۳ <http://www.youtube.com/watch?v=ftGtKF۴۰mIw>

^۴ <https://www.syria.tv/بعدالجدل-مديرة-جمعية-تعدادالزوجات-في-اعزاز-توضّح>

این وضعیت اجتماعی ویژه در سوریه برای معارضین اسلام‌گرا انگیزه‌ای مضاعف شده تا «تعدد زوجات» را به مثابه راهکاری قرآنی برای حل معضل ایتم و بیوه‌های بازمانده از جنگ به جد دنبال کنند. حسن الدغیم دو سال پیش از این در نشستی در استانبول تصریح کرده بود که بیش از ۲۰۰ هزار زن سوری نیاز به همسر دارند و جز تعدد زوجات هیچ راه حلی برای اصلاح اجتماعی در سوریه وجود ندارد.^۱ در همین راستا شبکه تلویزیونی «سوریا» که به معارضین وابسته و در استانبول ترکیه مستقر است، در عمر کوتاه سه ساله خود بارها برنامه‌های ویژه‌ای را به موضوع چندهمسری اختصاص داده است.^۲

از سوی دیگر شرایط سوریه میان مخالفان احکام نخستین اسلامی، مرزهای پررنگ‌تری کشیده است؛ بسیاری از عالمان و نواندیشان مسلمان دلیل مخالفت خود با احکامی همچون جواز تعدد زوجات را اختصاص آن به شرایط ویژه عصر نزول قرآن می‌شمرند، عصری که سفرهای طولانی و جنگ‌های متعدد بسیاری از زنان و کودکان را بیوه و یتیم ساخته بود. علی جمعه، مفتی اعظم سابق مصر، ماه گذشته با اتخاذ دیدگاهی این‌چنین پیرامون مسئله تعدد زوجات، جنجالی تازه را در میان شبکه‌های اجتماعی مصر برانگیخت.^۳

حال اعتراض‌های سخت و تمسخرهای گسترده از سوی مخالفان چندهمسری در سوریه، با وجود آنکه به ظاهر وضعیت اجتماعی آن مشابه با شرایط گفته‌شده

^۱ <https://twitter.com/zendenhasan/status/1450586444318351368?s=20>

^۲ <https://www.youtube.com/c/SyriaTelevision/search?query=تعدد.۲۰٪الزوجات>

^۳ https://arabic.rt.com/society/1269088_

در عصر نزول است، نشان از آن دارد که دست کم مسئله تاریخ‌مندی احکام دستاویز این عده از نواندیشان مسلمان نبوده و جدا از شرایط مکانی و زمانی، چندهمسری را یکسره با کرامت زن در ستیز می‌بینند.

مولد النبی در نگاه مذاهب اسلامی



تزیینات و چراغانی، شیرینی‌ها و غذاهای پرطرفدار، جلسات مداحی و ذکر، پرچم‌ها و راهپیمایی‌های مختلف... در بسیاری از شهرها و روستاهای عربی، از غرب گرفته تا شرق، هر ساله به چندین روش جشن میلاد پیامبر (ص) را برگزار می‌کنند.

و از آنجایی که این جشن به عنوان یک

مناسبت، ریشه در سنت‌های عامیانه دارد، این سؤال هر ساله در مورد نظر مذاهب فقهی بین حلال و حرام بودن این مراسم، مطرح می‌شود.

مانند بسیاری از مسائل اسلامی، علمای فقه رویکرد واحدی به جشن میلاد پیامبر (ص) نداشته، حتی در تاریخ ولادت حضرت محمد (ص) نیز میان اهل سنت و شیعه اختلاف است.

درست است که بیشتر مراجع بر این عقیده هستند که پیامبر (ص) در ماه ربیع الاول بر اساس تقویم هجری قمری متولد شده است، اما اهل سنت این سالگرد را در دوازدهم ربیع الاول جشن می‌گیرند و شیعیان در هفدهم جشن می‌گیرند. بنابراین، تمام ماه ربیع الاول ماه جشن محسوب می‌شود.

به دلیل این اختلاف در تاریخ میلاد پیامبر (ص) و از سال ۱۹۸۱ (امام راحل) روح الله خمینی آن به نام هفته وحدت اسلامی نام گذاری و به عنوان وسیله‌ای برای تقریب میان سنی‌ها و شیعیان شد.

آغاز جشن سالروز ولادت پیامبر (ص) به خلیفه فاطمی المعز لدین الله پس از ورود وی به مصر در سال ۹۶۹ میلادی نسبت داده می‌شود. بر اساس منابع تاریخی، برپایی جشن‌های سازماندهی شده میلاد پیامبر و تعدادی از خاندان او، وسیله‌ای برای نزدیک شدن آن خلیفه به مصریان از طریق مناسبت‌های عمومی و شادی بود.

با تغییر حکومت و اختلافات پی در پی اسلامی و با توجه به اولویت‌های سلطنت‌ها، جشن میلاد پیامبر ص رو به محو شدن می‌رفت، بدین ترتیب ایوبیان از آن جلوگیری کردند، سپس بار دیگر ممالیک اجازه برگزاری آن را دادند، تا اینکه در زمان محمدعلی پاشا به یک سنت صوفیانه تبدیل شد.

فرقه‌های صوفیه، مکاتب اسلامی هستند که بیش از همه به احیای میلاد پیامبر (ص) و به طور کلی میلاد اولیای صالح می‌پردازند. این جشن‌ها از جمله سنت‌های جاافتاده در مصر است.

بر خلاف تصوف، علمای سلفی به رهبری عالم دینی سعودی بن باز، جشن میلاد پیامبر را بدعت دانسته و معتقدند که شرع اشاره‌ای به این مسئله نکرده است، زیرا نه پیامبر (ص) و نه صحابه آن را جشن نمی‌گرفتند، پس بدعت است. موضوع احیای میلاد پیامبر (ص) یکی از اختلافات رایج فقهی میان سلفیان و صوفیه است که ممکن است منجر به تکفیر نیز شود.

از سوی دیگر، علمای الأزهر در فتواهای متعددی که در طول سالیان متمادی صادر شده، موضع مثبتی در مورد جشن میلاد پیامبر (ص) گرفته‌اند. درست است که در قرآن و روایات به صراحت به جشن میلاد اشاره نشده است، اما بر اساس فتاوا (علمای الأزهر) یکی از مظاهر تجلیل از رسول خدا و نشان دادن عشق به ایشان، نکوداشت میلاد پیامبر (ص) است.

این نظر در میان اکثر مفسران اهل سنت نیز رایج است، زیرا جشن میلاد اگرچه واجب نیست، اما در نظر آنان مردود هم نیست، زیرا میلاد پیامبر اکرم (ص) مظهر رحمت الهی بر انسان‌ها است.

در میان علما و مفسران کسانی هستند که جشن میلاد پیامبر (ص) را بدعتی نیکو توصیف می‌کنند، افرادی همچون ابن حجر عسقلانی و جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی معتقدند که این عمل بدعتی نیکو است که به صاحبش پاداش داده می‌شود.

از نگاه علمای شیعه، جشن میلاد پیامبر (ص)، ابراز محبت، عزت و ترفیع مقام پیامبر (ص) است.

نزاع اعتقادی امروزه نیز مانند تاریخ اسلام، گاهی ابعاد سیاسی پیدا می‌کند. با روی کار آمدن حوثی‌ها در یمن، برگزاری جشن میلاد پیامبر (ص) در آنجا فراگیرتر شده است. از سوی دیگر، داعش از برگزاری جشن میلاد در مناطق تحت کنترل خود در سوریه و عراق جلوگیری می‌کرد.^۱

نسخه‌سیسی از اسلام

بنیاد کارنگی - ماجد مندور



درخواست سیسی برای تجدید گفتمان دینی در چارچوب تلاش رژیم برای متمرکز کردن قدرت در دستان خود با تحمیل نسخه سلسله مراتبی از اسلام که

^۱ https://www.bbc.com/arabic/middleeast_54712835

توسط دولت حمایت می‌شود و ریشه در ارزش‌های اجتماعی محافظه‌کارانه دارد، قرار می‌گیرد.

در ۲۳ اوت ۲۰۲۱، رئیس‌جمهور سوسی طی یک برنامه تلویزیونی با این استدلال که نظام اعتقادی کنونی بدون درک صحیح یا تفکر انتقادی به ارث رسیده است، خواستار «بازنگری در فهم اعتقادات» شد. این صحبت‌های سوسی گوشه‌ای از اظهارات متعدد سوسی از زمان تصدی پست ریاست جمهوری است که در همه آنها به تجدید گفتمان دینی برای مقابله با افراط‌گرایی و فرقه‌گرایی استدلال می‌کند. به عنوان مثال، در سپتامبر ۲۰۱۹، سوسی در کنفرانس ملی جوانان استدلال کرد که تفسیر برخی از متون دینی واپس‌گرایانه است و ۸۰۰ سال است که پیشرفت نکرده است و بنابراین افراط‌گرایی و خشونت مذهبی را ترویج می‌کند. در ظاهر، فراخوان برای تجدید گفتمان دینی را می‌توان به عنوان تلاشی از سوی رژیم برای مقابله با افراطیون مذهبی خشن و همچنین کاهش جذابیت اسلام سیاسی و در نتیجه تضعیف اخوان المسلمین تفسیر کرد. با این حال، حتی اگر تا حدی این انگیزه باشد، انگیزه‌های اولیه رژیم به طور مشخصی شوم‌تر است. به عبارت دیگر، رژیم در صدد ایجاد نام و نشان اسلامی خود است که توسط دولت تصاحب شده و در ارزش‌های اجتماعی محافظه‌کارانه به عنوان ابزاری برای کنترل اجتماعی لنگر انداخته است. این سیاست مبتنی بر سرکوب یا انقیاد نهادها و اندیشمندان مستقل مذهبی است، حتی اگر آنها در دیدگاه رژیم برای تجدید گفتمان دینی مشترک باشند. این بخشی از تلاش بی‌امان رژیم برای متمرکز کردن

قدرت سیاسی و اجتماعی در دستان خود و جلوگیری از توسعه مراکز رقیب قدرت اجتماعی است.

مانع اصلی سیاست رژیم برای ملی کردن مذهب، الازهر و رئیس آن شیخ احمد الطیب بوده است. اصطکاک بین الطیب و رژیم زمانی آغاز شد که الطیب یکی از معدود شخصیت‌های برجسته بود که از پراکنده ساختن خشونت‌آمیز تحصن‌های میدان رابعه العدویه و النهضه در سال ۲۰۱۳ انتقاد کرد. به دنبال آن اختلافی آشکار بین سیسی و الازهر به وجود آمد، هنگامی که رئیس‌جمهور در فوریه ۲۰۱۷ خواستار قانونی برای تنظیم و محدود کردن طلاق شفاهی، که طبق شرع مجاز است، شد. الازهر در یک اعتراض علنی نادر با صدور بیانیه‌ای درخواست رئیس‌جمهور را رد کرد و قانونی بودن طلاق شفاهی را تأیید کرد. الطیب در رد غیرمستقیم درخواست‌های مستمر سیسی برای تجدید گفتمان دینی تأکید کرد که تجدید نباید با میراث مذهبی موجود در تضاد باشد.

این اقدامات اعتراضی علنی، رژیم را به تلاش برای محدود کردن استقلال الازهر و ایجاد نهادهای مذهبی انعطاف‌پذیرتر سوق داد: جدی‌ترین تلاش در ژوئیه ۲۰۲۰ با ارائه قانونی برای تنظیم دارالافتاء، که مسئول صدور تفاسیر و فتاوی دینی است، آغاز شد. این قانون تلاش کرد تا دارالافتاء را به یک نهاد مذهبی رقیب در مقابل الازهر تبدیل کند، به ویژه با قرار دادن آن تحت نظارت شورای وزیران و دادن اختیار به رئیس‌جمهور برای تعیین مفتی اعظم، به جای رویه فعلی که به موجب آن شورای علمای ارشد الازهر یک مفتی را انتخاب می‌کند. این قانون با توجه به تعارض شدید میان الطیب و مجلس وابسته به دولت،

بر اساس این ادعا که مخالف ماده ۷ قانون اساسی مبنی بر تضمین استقلال الازهر است، پس گرفته شد. سیسی در واکنش به ردّ این قانون، فرمان ۳۳۸ ریاست جمهوری را در اوت ۲۰۲۱ صادر کرد که بر اساس تعریف ماده ۲۱ قانون خدمات کشوری، دارالافتاء را دارای «ماهیت ویژه» اعلام کرد. این فرمان به سیسی اجازه می‌دهد با وجود رسیدن به سن بازنشستگی، دوره مفتی فعلی را برای یک سال دیگر تمدید کند و همچنین به وی اجازه می‌دهد الازهر را دور بزند و جانشینی برای مفتی تعیین کند.

انقیاد الازهر با سرکوب متفکران دینی‌ای همراه است که به طوری متناقض، در هدف اعلام شده رژیم برای تجدید گفتمان دینی شریک هستند و تمایل رژیم برای کنترل و دیکته کردن گفتمان دینی خود را برجسته می‌کند.

بنابراین، رژیم در تلاش برای تحمیل کنترل خود بر «ملی کردن خطاب دینی» و استفاده از آن به عنوان ابزاری محافظه‌کارانه برای برقراری ثبات اجتماعی، این سیاست منسجم و روشن را در پیش گرفت. این تنها به سرکوب و انقیاد مخالفان و حتی متحدان محدود نمی‌شود، بلکه با تلاش آشکار برای دادن هاله‌ای مذهبی به رژیم و معرفی آن به عنوان حافظ این ارزش‌ها مشخص می‌شود. به عنوان مثال، در ۲۲ مارس ۲۰۲۰، در طول همه‌گیری کووید-۱۹، پس از اذان‌ها دعایی با صدای سیسی برای نجات مصر از شر پخش می‌شد. این دعا در طول روز از طریق رسانه‌های خصوصی و دولتی پخش شد. از این نظر، هر کس که سیسی را یک اصلاح‌طلب دینی می‌داند در اشتباه است، بلکه تنها هدف او این است که کنترل خود را بر گفتمان، اندیشه و نهادهای دینی به گونه‌ای تحمیل کند که در سال‌های

آینده بتواند بر اندیشه دینی تأثیر بگذارد و او به دنبال این نیست که یک چهره واقعی اصلاح طلب باشد. این تفکر دینی مبتنی بر آزادی عقیده نیست، بلکه بسیار محافظه کارانه، پدران، ظالمانه و از همه مهمتر بسیار خودکامه است. این به رژیم سطح بی سابقه‌ای از کنترل و قدرت اجتماعی می‌دهد و در نهایت مانعی برای تجدید حیات واقعی دین در سال‌های آینده می‌شود.^۱

کنفرانس وحدت ابوظبی؛ رقیبی تازه برای گفتمان روبه افول تقریب در تهران

مرتضی ابراهیم پور خرمشهری



شورای جهانی جوامع مسلمان (المجلس العالمي للمجتمعات المسلمة) اعلام کرد که کنفرانس بین‌المللی «وحدت اسلامی: مفهوم، فرصت‌ها و چالش‌ها» از

^۱ <https://carnegieendowment.org/sada/۸۵۶۲۱>

۱۲ تا ۱۴ دسامبر در ابوظبی پایتخت این کشور و تحت حمایت شیخ نهایان بن مبارک آل نهایان وزیر مدارا و همزیستی، و با مشارکت بیش از ۵۰۰ رهبر، محقق، متفکر و روشنفکر از ۱۴۰ کشور جهان برگزار می‌شود.

دکتر علی راشد النعیمی، رئیس شورای جهانی جوامع مسلمان در اعلام جزئیات کنفرانس در یک نشست خبری تصریح کرد که اهمیت این کنفرانس ناشی از نیاز به ارائه یک گفتمان فکری و دینی است که خلأ موجود در این عرصه را در میان مسلمانان کشورهای مختلف جهان پر می‌کند و به چالش «هویت و احساس تعلق» نزد مسلمانان معاصر می‌پردازد و این بر تقویت نقش پیشگام علما و اندیشمندان اسلامی برای راهنمایی مسلمانان در این عرصه و ارائه یک پیشنهاد فکری و قانونی منطبق با مقتضیات زمانه تأکید می‌کند.^۱

شورای جهانی جوامع مسلمان یک سازمان بین‌المللی غیردولتی است که مقر آن در ابوظبی است و بیش از ۹۰۰ سازمان و نهاد اسلامی از ۱۴۲ کشور جهان را تحت پوشش خود دارد.^۲ این شورا را می‌توان نسخه اماراتی «رابطة العالم الإسلامي» عربستان سعودی دانست.

این مرکز به گفته خود اهدافی همچون تحکیم سازمان‌ها و انجمن‌های فعال در جوامع مسلمان، تجدید فکر، بهبود عملکرد و هماهنگی بین آنها را دنبال می‌کند و برای دستیابی به این هدف، به ادغام جوامع و اقلیت‌های مسلمان در

^۱ <https://www.alkhaleej.ae/01-11-2021-الإسلامية-الوحدة-الإسلامية-2021-11-01>
الدولي-في-ديسمبر/أخبارمن-الإمارات/أخبار-الدار

^۲ <https://alain.com/article/world-muslim-communities-organization>

کشورهای خود به گونه‌ای که شهروندی کامل و مسلمان به شمار آیند، کمک می‌کند.

ظاهراً مهم‌ترین موضوع غایب در کنفرانس وحدت ابوظبی چنانکه خود را در گفته‌های علی راشد النعیمی، رئیس شورای جهانی جوامع مسلمان، نشان می‌دهد، مسئله فلسطین خواهد بود که بی‌شک با توجه به معامله قرن و توافق ما بین اسرائیل و امارات، گامی در تعارض با اهداف و منافع رژیم صهیونیستی برداشته نمی‌شود.

گفتنی است که سه‌شنبه ۲۷ مهرماه، در تهران سی و پنجمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی با شعار «اتحاد اسلامی؛ صلح و پرهیز از تفرقه و تنازع در جهان اسلام» برگزار شد.

در کنفرانس تهران علامه سید سلمان ندوی از علمای اهل سنت هندوستان و رهبر جمعیت الشباب الاسلامی هند، تأکید کرد که کشورهایمانند عربستان، امارات و مصر، باید سازمانی همچون «مجمع تقریب» تشکیل دهند و کارهایی که در ایران برای نزدیک کردن مذاهب اسلامی انجام می‌شود، در این کشورها نیز در دستور کار قرار گیرد.

چنین می‌نماید که امارات به خوبی به جای خالی گفتمان تقریب و وحدت در میانه گفتمان اصلی خود مبنی بر تسامح، مدارا و هم‌زیستی پی برده است. این در حالی است که عربستان با توجه به گفتمان دینی مبتنی بر سلفیت و با توجه به تعارض‌های جدی با ایده تقریب، که خود را در آثار کسانی همچون ناصر

القفراری نشان داده است، با وجود حرکت به سمت اسلام معتدل، همچنان با ادعای تقریب و وحدت اسلامی فاصله جدی دارد.

بی‌شک با توجه به تعارض خاستگاه‌های فکری ایران و امارات در نگاه به مسئله وحدت، باید کنفرانس وحدت ابوظبی را در صورت برگزاری قوی و استقبال علما و اندیشمندان جهان اسلام، رقیبی جدی در آینده‌ای نزدیک برای کنفرانس وحدت تهران و گفتمان آن دانست. این در حالی است که انتقادها به عملکرد ضعیف سازمان مجمع تقریب مذاهب اسلامی و کنفرانس سالانه آن مدت‌ها است بالا گرفته است و با ادامه این روند باید امارات را پیروز این جدال گفتمانی دانست.

سروریه؛ درباره جریانی که واعظان مساجد در عربستان سعودی نسبت به آن هشدار دادند، چه می‌دانیم؟



بر اساس بیانیه وزارت امور اسلامی (الشؤون الاسلامیة)، خطبه‌های نماز جمعه عربستان سعودی برای هشدار نسبت به «ایدئولوژی‌های افراطی» متحد

شدند و برخی از ائمه جمعه خطبه‌های خود را به معرفی «جریان سُروریه» اختصاص دادند.

چند روز پیش، عبداللطیف آل‌الشیخ، وزیر امور اسلامی عربستان سعودی در سخننامه‌ای به خطبای مساجد دستور داد تا ضمن هشدار نسبت به جریان سروریه، اعتقادات فاسد آنها را مبنی بر تحریک مردم به قیام علیه حاکمان، تفرقه‌افکنی میان جامعه مسلمانان و گسترش جنگ در این کشورها، تبیین کنند.

از این جریان چه می‌دانیم؟

سروریه توسط شیخ محمد سرور زین العابدین، یک سوری اهل استان درعا که یکی از اعضای اخوان المسلمین بود و بعداً از آنها جدا شد، تأسیس شد. این جریان با نام‌هایی چون: «السلفیة السروریة»، «التیاری السروری»، «السروریة»، «السرویین» و «التیاری الصحوی» خوانده می‌شود.

سروریه یک ایدئولوژی و یک سازمان تلقی می‌شود و محمد سرور به وجود سازمانی که منشأ آن در عربستان سعودی است، اعتراف کرده بود.

این جریان در برخی از کشورهای جهان گسترش یافت، همانطور که خود محمد سرور در برنامه «مراجعات» در شبکه الحوار به آن اشاره کرده است.^۱ به گفته عارف بن مزید السحیمی، یکی از اعضای هیئت علمی دانشگاه اسلامی مدینه، سروری‌ها با علائمی شناخته می‌شوند، از جمله: حمایت از

^۱ <https://youtu.be/۴c۷۴ot Llz>

به اصطلاح انقلاب‌ها و بهار عربی و تحریک مردم علیه حاکمان خود، تکفیر حکام و توصیف آنان به طاغوت و تحریک مردم علیه آنان.

ولیعهد سعودی چند سال پیش پیروان سروریه را به عنوان «تندروترین جریان در خاورمیانه و بالاترین درجه از اخوان المسلمین» توصیف کرده بود. واکنش‌ها به این بخشنامه وزرات در شبکه‌های اجتماعی متفاوت بود و برخی برای بیان نظرات خود از هشتگ «خطبة التحذیر من السروریه» استفاده کردند.

بسیاری از این اقدام استقبال کردند و آن را «گامی دلگرم‌کننده برای محافظت از عربستان سعودی در برابر توطئه‌های تروریستی» دانستند. عباس الشراقوی تصمیم وزارت امور اسلامی را «بزرگ‌ترین جشن برای دفن اندیشه سروریه خوارج» توصیف کرد.

از سوی دیگر، ترکی الشلهوب، مخالف سعودی نوشت عبداللطیف آل شیح که وزیر امور اسلامی است، جرئت توجیه خطیبان جمعه نسبت به خطر جشن‌های مختلط و منافی عفت (بر جوانان و جامعه، را ندارد، چرا که این مسئله بخشی از پروژه بن سلمان است که هدف آن محو هویت اسلامی، تخریب جامعه از طریق جشن‌های شبانه و بهره‌برداری از منبرهای خطبه‌های جمعه) است.

محمد فهد القحطانی گفت که «اول از همه هشدار دادن در برابر استبداد و ظلم لازم است، زیرا این بزرگ‌ترین خطری است که کل جهان عرب را تهدید می‌کند.»

علی الشهري با تمسخر بیانیه وزارت امور اسلامی عربستان، گفت: «برخی از سروری‌ها علیه برخی دیگر از سروری‌ها صحبت می‌کنند، باورتان می‌شود؟»^۱

- **ملاحظه:** گفتنی است چندی پیش نیز عبداللطیف آل‌الشیخ در بخشنامه‌ای به کلیه مبلغین و خطباء، بر ضرورت سخنرانی پیرامون «تأثیرات منفی» اخوان المسلمین تأکید کرد!

مجتهد افشاگر معروف سعودی در رشته توییتری، از گزارش محرمانه‌ای که توسط امنیت ملی عربستان در مورد فعالیت گروه‌های اسلامی در عربستان تهیه شده، پرده برداشته و گفت نام ۱۵۰۰ نفر از اعضای این گروه‌ها جهت دستگیری و تحقیق در این گزارش ذکر شده است! از جمله این افراد می‌توان به اعضای از جریان سروریه اشاره کرد.

نزاع خوانش‌ها؛ الازهر همسوبا دولت در پروژه کنترل جمعیت باسلفیت می‌جنگد

مرتضی ابراهیم‌پور خرمشهری

پروژه کنترل جمعیت در مصر، گفتگوهای داغ بسیاری را در این کشور به همراه داشته است. با هر رویداد و در هر مناسبتی، رئیس‌جمهور عبدالفتاح سیسی نسبت به افزایش جمعیت هشدار می‌دهد و همیشه در سخنرانی‌های خود تأکید می‌کند که رشد جمعیت در مصر تمام تلاش‌های توسعه‌ای را می‌خورد و هدر می‌دهد.

^۱ https://www.bbc.com/arabic/trending_58984855

دو هفته پیش دکتر خالد عمران، دبیرکل فتوای دارالافتای مصر گفت هدف پیشگیری از بارداری بهبود کیفیت فرزندان ما است و این امر شریعت را نقض نمی‌کند.

عمران با اشاره به حدیث نبوی معروف «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا (تکاثروا) فإني مباحم الأُمم يوم القيامة؛ ازدواج کنید و بر نسل خود بیافزایید، چرا که من در روز قیامت به (کثرت جمعیت) شما امت اسلام بر سایر امت‌ها مباحات می‌کنم»، گفت پیامبر(ص) زمانی به ما می‌بالد که ما شایسته بالیدن باشیم، از این رو باید برای بهبود کیفیت زندگی فرزندان تلاش کنیم و نه اینکه بر تعداد کودکانی که ضعیف و بیمار به دنیا می‌آیند بیافزاییم.^۱

حدیثی که خالد عمران بدان اشاره کرده است، یکی از مستندات اصلی تشویق به ازدیاد نسل در میان مسلمانان و به ویژه جامعه سلفی مصر بوده است. از این رو گفتگوهای بسیاری پیرامون توجیه و تأویل این حدیث در کلام شخصیت‌های دینی و سیاسی موافق کنترل جمعیت شکل گرفته است.

شاید از نخستین موضع‌گیری‌ها پیرامون این حدیث، اظهارات جابر عصفور، وزیر سابق فرهنگ مصر در سال ۲۰۱۶ باشد که با انتقاد از بی‌تفاوتی الازهر نسبت به تجدید گفتمان دینی، گفت: «اکنون در بحران انفجار جمعیت هستیم که خشک و تر را با خود نابود می‌کند، پس چه سرنوشتی در پابندی به حدیث

^۱ <https://www.almasryalyoum.com/news/details/۲۴۴۵۲۲۶>

«تناکحوا تناسلوا تکاثروا فإنی مباحکم بکم الأمم یوم القیامه» و احادیث مربوط به بردگان است؟!»

آمنه نصیر، استاد عقیده و فلسفه الازهر و نماینده مجلس نمایندگان مصر سال ۲۰۱۸ در همین راستا گفت که باورهای دینی نادرست در مورد کنترل موالید بخشی از بحران ازدیاد جمعیت است که کشور در حال تجربه آن است. وی ادامه داد: «پیوسته در کشور با استناد به این سخن پیامبر(ص) که «تناکحوا تناسلوا فإنی مفاخر بکم یوم القیامه» به ازدیاد نسل دعوت می‌شود، در حالی که در آن زمان تعداد مسلمانان چند صد نفر بود اما الان میلیاردی شده‌اند.»

سعدالدین هلالی استاد فقه تطبیقی دانشگاه الازهر با اشاره به حدیث مورد نظر، گفت: «اخوانی‌ها برای متقاعد کردن مردم به بچه‌دار شدن، از احادیثی ضعیف بر منابر استفاده می‌کنند و در حال ترویج این موضوع هستند که ایده جلوگیری از باروری، ایده‌ای یهودی است و هدف آن نابودی کشور مصر است.»^۱ برخلاف هلالی، شوقی علام، مفتی اعظم مصر این حدیث را صحیح شمرد، اما کثرت مورد نظر در روایت «تناکحوا تناسلوا تکاثروا» را نه کثرت ضعیف، بلکه کثرت نیرومند و مولدی دانست که پدر هزینه غذا، دارو و لباس فرزندان را به نیکی می‌تواند عهده‌دار شود.

^۱https://www.shorouknews.com/news/view.aspx?cdate=۱۹۱۱۲۰۱۸&id=۶۵۵۳d۳۳e_d۹۵c_۴۶۱۳_ac۰۰_۷۷fdfddaebe۹

علی جمعه، مفتی اعظم پیشین مصر نیز ازدیاد جمعیت را با درک نادرست برخی از متون شرعی همچون «تناکحوا تناسلوا تکاثروا...» مرتبط و جلوگیری از باروری را به دلایل مختلف جایز دانست.

در مقابل شیخ محمود لطفی عامر، رئیس پیشین جماعت سلفی أنصار السنّة با استناد به حدیث «تناکحوا، تکاثروا، تناسلوا، فإنی مباحکم الأمم یوم القیامة»، دیدگاه اسلام را تشویق به افزایش تعداد مسلمانان دانست، چرا که کثرت مردم مایه قوت مسلمانان است و ادعای جلوگیری از بارداری شاهدهی درخشان از شکست تفکر لیبرال و سکولار از ۲۳ جولای ۱۹۵۲ (کودتای نظامی جمال عبدالناصر) تا به امروز است.^۱

آنچه محمود لطفی عامر شیخ سلفی گفته است، همان چیزی است که اکثر جریان‌های اسلامی در مصر تکرار می‌کنند. به این معنا که با اتکا به احادیث سفارش به ازدواج با زنان بارور و تشویق به ازدیاد نسل، بخش بزرگی از مردم مصر هنوز معتقدند که جلوگیری از بارداری مغایر با دین است.

درگیری الازهر با گفتمان ازدیاد نسل که به ویژه از سوی شیوخ سلفی تبلیغ می‌شود، در حالی است که تا پیش از به قدرت رسیدن سوسی و آغاز پروژه کنترل جمعیت، الازهر خود نیز از طرفداران ازدیاد نسل مسلمین به شمار می‌آمد و

^۱ https://www.youm7.com/story/_/انفجار-الدينية-سببافي-الانفجار ۸/۶/۲۰۱۸

السکاني-سلفيون-تحديد-النسل/۳۸۲۴۱۶۲

همین حدیث «تناکحوا تناسلوا...» بارها^۱ از سوی اساتید و شیوخ الازهری برای تشویق به باروری مورد استناد قرار گرفته است.

ورودهای متعدد شیوخ الازهر در تفسیر و تأویل حدیث «تناکحوا تناسلوا...» که تنها گوشه‌ای از آن بازتاب داده شد، از آن رو است که جامعه مذهبی مصر پیوند وثیقی با سنت نبوی دارد و این حدیث بخش مهمی از ایده «ازدیاد نسل» را در این جامعه به پیش می‌برد.

پیامدهای فتوای جدید آیت الله سیستانی: خنثی کردن عادی‌سازی روابط با اسرائیل و اتحاد مسلمانان

شهر مذهبی نجف در عراق روز دوشنبه ۸ نوامبر با فتوایی تاریخی روز خود را آغاز کرد. رسانه‌های عراقی به نقل از دفتر (آیت الله العظمی) سید علی سیستانی، روحانی ارشد شیعه عراق، گزارش دادند که آیت‌الله سیستانی خرید و مصرف محصولات شرکت‌های اسرائیلی یا شرکت‌های حامی رژیم اسرائیل را شرعاً حرام خوانده است. این فتوا در پاسخ به یک استفتا در مورد مسائل دینی داده شده است.^۲

^۱ ملحق الإنجاب غیریزة-طبیعیة-تحقق-الاستقرار-للرجل- / <https://www.alkhaleej.ae/> والمرأة

<https://www.almasryalyoum.com/news/details/۱۶۲۵۸>

ملحق الإنجاب-زینة-الدنیا-و-حق-مشتري-للزوجة- / <https://www.alkhaleej.ae/>

^۲ اخبار-مراجع-عظام-تقلید-فتوای-جدید-آیت-الله-سیستانی- / <https://fa.abna۲۴.com/news/> .html در باره رژیم صهیونیستی-۱۱۰۰۲۴۰

این فتوا کمتر از یک ماه پس از نشستی که در اربیل درباره روابط با رژیم اسرائیل برگزار شد و خشم گسترده‌ای را برانگیخت، صادر شد.

شکست عادی‌سازی

در ماه سپتامبر، اربیل پایتخت اقلیم کردستان عراق میزبان نشستی در مورد عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی بود. این دیدار غیردولتی بود، اما واکنش‌های بسیاری را در پی داشت. در همان زمان این خبر برای جناح‌های مختلف عراقی حتی در داخل اقلیم کردستان تکان‌دهنده بود و جنجال زیادی به پا کرد تا جایی که مقامات عراقی برای دستگیری و مجازات سازمان‌دهندگان این نشست وارد عمل شدند.

بسیاری از کارشناسان در آن زمان هشدار دادند که نشست موسوم به «صلح»، که با حضور چهره‌های ناشناخته برگزار شد، با هدف عادی‌سازی روابط با تل‌آویو است، علی‌رغم اینکه دستور کار آن ظاهراً صلح، گفت‌وگوی بین ادیان و مبارزه با تروریسم بود. این نشست از سوی نیروهای تحت حمایت امارات در عراق برگزار می‌شد که با توجه به واکنش بغداد ناقص ماند.

محدوده اجتماعی و سیاسی فتوا

گاه و بیگاه، برخی از محافل غرب‌گرا در عراق بحث‌هایی در مورد برقراری رابطه با تل‌آویو مطرح می‌کنند، هرچند که در مقابل مخالفت افکار عمومی عراق جرئت نمی‌کنند حرف خود را بزنند. در عین حال فتوای اخیر آیت‌الله سیستانی

مبنی بر تحریم کالاهای اسرائیلی را می‌توان پاسخی به این نیت دانست. در تاریخ عراق، مرجعیت دینی همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در جریان تحولات سیاسی و اجتماعی داشته است و اکنون فتوای اخیر هر گامی در جهت عادی‌سازی با تل‌آویو را خنثی خواهد کرد.

این در حالی است که پیروان و هواداران آیت‌الله سیستانی نه تنها در عراق بلکه در سایر کشورهای منطقه و حتی کشورهای غربی و اروپایی نیز بسیار گسترده هستند و از این رو فتوای اخیر طیف گسترده‌ای را در بر خواهد گرفت. در واقع، این فتوا نه تنها افکار عمومی را علیه هرگونه گرم شدن روابط با تل‌آویو بسیج می‌کند و از اقدامات احتمالی هر دولتی در عراق، حتی طرفدار غرب، جلوگیری می‌کند، بلکه هزینه‌های عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی را حتی در سایر کشورهای مسلمان در منطقه افزایش می‌دهد.

این فتوا همچنین باعث اتحاد و همبستگی با فلسطینی‌ها می‌شود. مردم فلسطین که در سال‌های گذشته تنها از حمایت‌های اندک کشورهای عربی برخوردار بودند، اکنون نسبت به حمایت مسلمانان در کشورهای دیگر خوشبین شده‌اند. اسرائیلی‌ها به خوبی از میزان نفوذ آیت‌الله سیستانی و به طور کلی مرجعیت دینی در میان مردم آگاه هستند. در سال ۲۰۱۹، وب‌سایت خبری اسرائیلی دبکا فایل (Debkafile) موقعیت و نفوذ مرجعیت دینی را «دشمن پنهانی» خواند که پروژه موسوم به اسرائیل بزرگ را تهدید می‌کند. این گزارش می‌افزاید: تهدید واقعی از سوی ایران نیست، زیرا ایرانی‌ها دشمن آشکار ما هستند، اما خطر وحشتناک از سوی عراق و به ویژه شهر نجف و مسلمانان شیعه است. این وب

سایت اعلام کرد که آیت الله سیستانی، بنیان‌گذار نیروهای حشد الشعبی، نیرویی که در سال ۲۰۱۴ در مخالفت با گروه تروریستی داعش به دنبال فتوای جهاد او متولد شد، مانع بزرگی در برابر منافع استراتژیک تل‌آویو است و از این رو نمونه واقعی فرضیه دشمن پنهان است. این فتوا قدرت او را برای بسیج ۴ میلیون مبارز ضد تروریسم در عرض چند روز تنها با یک «فتوای دو کلمه‌ای» برجسته کرد.

دبکا فایل گزارش داد: «این فتوا حتی توسط پیروان دیگر مراجع و علما در نجف، کربلا، قم و مشهد پذیرفته و عملی شد و این اتفاق نادری است». این وبسایت افزود: «وی (آیت الله سیستانی) چندین مؤسسه آموزشی، مالی و خدماتی تأسیس کرده است که دامنه فعالیت‌های آن‌ها به صورت گسترده و فراتر از عراق است و حتی گاهی اوقات به دولت کمک می‌کند.»^۱

- **ملاحظه:** گفتنی است چندی پیش دفتر حضرت آیت الله سیستانی به استفتایی در خصوص خرید از فروشگاه‌هایی که بخشی از سود آن برای حمایت از رژیم صهیونیستی اختصاص داده می‌شود، چنین پاسخ داد: «خرید و فروش کالاهای اسرائیلی جایز نیست و خرید و فروش از شرکت‌هایی که به صورت مؤکد و قطعی اثبات شود که حمایت مؤثری از اسرائیل دارند، جایز نیست.»

^۱ https://en.abna۲۴.com/news//analysis_ayatollah_al_sistani/E۹۹۸۰۰۲۳s_new_fatwa_range_foiling_thaw_with_tel_aviv_and_uniting_muslims_۱۱۹۸۲۴۸.html

پروژه دیانت ابراهیمی بین الازهر و امارات

عصام تلیمه



- **ملاحظه:** دوشنبه گذشته، ۱۷ آبان، احمد الطیب نسبت به ترویج اصطلاحی موسوم به «دیانت ابراهیمی» که هدف ادغام ادیان یهودی، مسیحی و اسلام ذیل یک دین واحد و یکپارچه را دنبال می‌کند، واکنش مهمی نشان داد و این ایده را به شدت ردّ کرد. وی گفت: «هرچند ایده دیانت ابراهیمی، در ظاهر دعوت به وحدت جامعه بشری، اتحاد آن و پایان دادن به درگیری‌ها است، اما در واقع دعوت به مصادره ارزشمندترین دارایی‌های بنی بشر یعنی آزادی اعتقاد، آزادی ایمان و آزادی انتخاب است».

آنچه در ادامه می‌آید یادداشتی از عصام تلیمه، از علمای الازهر و مدیر دفتر پیشین شیخ یوسف قرضاوی، در تشریح زوایای این پروژه دینی-سیاسی است.

ایده ادغام ادیان در یک پروژه دینی واحد، یک ایده قدیمی است که در زمان محمد انور سادات، رئیس‌جمهور فقید مصر، پس از پروژه عادی‌سازی وی با رژیم صهیونیستی مطرح شد. او از «مجمع الأديان» سخن می‌گفت و به دنبال ساختن مکانی بود که سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام را در کنار هم گرد آورد. حتی پیشنهاد می‌شد که یک کتاب دینی بیان‌کننده ادیان سه‌گانه برای تشویق و حمایت از این ایده، تألیف و به دانش‌آموزان در مدارس تدریس شود.

پس از مطرح شدن این ایده، شیخ الازهر، دکتر عبدالحلیم محمود رحمه الله، این نظر را ردّ و از همه جنبه‌های دینی و غیر دینی آن را تضعیف کرد. شیخ الازهر با تمام قدرت علمی و نمادین خود در برابر این اندیشه ایستاد تا اینکه سادات مجبور شد طرح موضوع را به زمانی دیگر موکول کند که مصر و جهان عرب آن را بپذیرد.

در آن زمان، هر عاقلی احساس می‌کرد که این ایده به همان اندازه که با آوردن رژیم صهیونیستی به جمع ادیان و مؤمنان به ادیان و باز کردن باب عادی‌سازی بین مردم ارتباط دارد، ربطی به ادیان ندارد، هر چند از اسم «دین» بهره‌برداری می‌شد. ایمان یک مسلمان به همه پیامبران امری طبیعی است و در غیر این صورت عقیده او صحیح نیست، چنانکه خداوند متعال فرموده است: (لا نفرق بین أحد من رسله)، اما این مانع نمی‌شود که در مقابل پیروان هر دینی که شب و روز با اشغال و غضب به مقدسات و سرزمین ما حمله می‌کنند، بایستیم و تجاوزات و جنگ‌های آنها را به هر وسیله‌ای متوقف نکنیم.

اما اکنون امارات نه از طریق مجمع الادیان مورد نظر سادات، بلکه از طریق آنچه که «دیانت ابراهیمی» نامیده‌اند، پیشنهاد ایجاد مجتمعی متشکل از مسجد و کلیسا و کنیسه را ارائه کرده‌اند. امارات از طریق شیخ عبدالله بن بیه با صدور فتوایی مبنی بر مصالحه با رژیم صهیونیستی و صدور حکم به برقراری رابطه با آن، در پی «عادی‌سازی فقهی» برآمد.

سپس می‌خواستند چیزی را که ما می‌توانیم آن را «عادی‌سازی دینی» بنامیم، با بازگرداندن همه ادیان به یک پیامبر، که پیامبر خدا (ص) ابراهیم (ص) است، برقرار کنند. گویی که ادیان ابراهیمی رسالتی از جانب خدا دریافت نکرده‌اند و شرایع استوار برای آنها نازل نشده است. این چنین ما را با بازگشت به سوی ابراهیم (علیه‌السلام) و پیامبری که پیامبران سه دین را گرد هم می‌آورد، فریب می‌دهند؛ بیایید با بلند کردن نام او تجارت کنیم و این گذرنامه‌ای باشد برای رسیدن به ایده عادی‌سازی که تنها در خدمت صهیونیست‌ها است!

وگرنه چرا اکنون چنین ایده‌ای مطرح شده است؟ آیا این کشورها واقعاً در برقراری ارتباط با ادیان، پرورش آنها، حفظ آنها و تشویق مردم به دینداری واقعی و معتدل جدی هستند؟ حقیقت این است که رابطه این کشورهایی که طرفدار این عقیده هستند با ادیان و به ویژه دین اسلام و پیروان آن، رابطه بسیار بدی است. برای متولیان این فراخوان مشکوک تعجب‌آور بود که شیخ الازهر، احمد الطیب، با ردّ این ایده و تبیین نادرستی این اندیشه و اهداف آن، راه عبدالحلیم محمود را دنبال کند. زیرا هیچ عالمی نیست که از خدای متعال بترسد و چنین

اندیشه‌ی شیطنانی‌ای را توجیه کند، اندیشه‌ای که نه از دین نشئت می‌گیرد و نه از اخلاق و نه از هیچ اصل صحیح دیگری.

رسانه‌های قدرت در مصر همیشه به شیخ الازهر طعنه می‌زنند که او مرد امارات است و همیشه در پروژه‌های دینی امارات اگر در رأس آن نباشد، بخشی از آن است. اما وقتی پای مسائل ثابت و استوار دینی به میان می‌آید، موضع او روشن است و شاید همین فرصتی باشد برای نشان دادن موضع شیخ الازهر نسبت به امارات و پروژه آن.^۱

فارین پالیسی: بیشترین امید آمریکا به مقتدی صدر است



در انتخابات سراسری اخیر، عراقی‌ها گامی بی‌سابقه در پس زدن ائتلاف شبه نظامیان شیعه -حشد الشعبی- مورد حمایت ایران برداشتند. در این انتخابات

^۱ <https://arabi۲۱.com/story/۱۳۹۷۱۴۰>

کرسی‌های ائتلاف فتح متشکل از شبه نظامیان و نیروهای حشد الشعبی که توسط هادی العامری رهبری می‌شود از ۴۸ کرسی در سال ۲۰۱۸ به ۱۵ کرسی کاهش یافت و در مقابل ائتلاف سائرون که در سال ۲۰۱۸، ۵۴ کرسی را کسب کرده بود به عنوان پیروز بزرگ ظاهر شد و کرسی‌های خود را به ۷۳ کرسی رساند.

در این انتخابات یک جریان شیعه ظاهر را سکولار - جریان مقتدی صدر - بر یک گروه فرقه‌گرا و مسلح - نزدیکان به حشد الشعبی - پیروز شده است. جریان صدر بر اساس وعده‌هایی که داده است اصلاحات سیاسی خود را آغاز می‌کند که عبارت است: از مبارزه با فرقه‌گرایی، ساخت جامعه‌ای سکولار، پایان دادن به مداخله‌های ایران و اخراج کردن نیروهای - عملیاتی و رزمی - آمریکایی از عراق. اگرچه در هویت ضد آمریکایی او - مقتدی صدر - شکی نیست اما این دولت آمریکاست که باید از شرایط جدید عراق خشنود باشد. صدر تنها رهبر سیاسی در عراق است که از محبوبیت کافی برای تغییراتی از جمله از بین بردن سهمیه‌های سیاسی یا همان محاصره و همچنین مهار شبه نظامیان مورد حمایت ایران برخوردار است، امری که در واقع با منافع آمریکا در منطقه تطابق دارد.

برای رسیدن به ائتلاف اکثریت، صدر باید ابتدا با ۳۲۹ عضو پارلمان مذاکره کند. در همین راستا برخی منابع نزدیک به مقتدی صدر گفته‌اند که او علاوه بر ۷۳ کرسی کسب شده می‌تواند روی حمایت ۱۰ نامزد مستقل برخاسته از تظاهرات تشرین نیز حساب باز کند.

ضیاء الاسدی که یکی از مقامات ارشد دفتر سیاسی صدر است می‌گوید که صدر می‌تواند با حذف همه جناح‌های مورد حمایت ایران ائتلاف پیروز را

تشکیل دهد. وی افزود: اتحاد با کسانی مثل نوری مالکی که با صدر مخالف هستند ممکن نیست. این احتمال وجود دارد که با فراکسیون اهل سنت -تقدم- که ۳۸ کرسی دارد و یا کردها و مستقلها ائتلاف کند که در این صورت ائتلاف دارای هزینه خواهد بود چراکه این گروه‌ها قدرت خود را از سهمیه‌بندی سیاسی و محاصره می‌گیرند. گرچه مقتدی صدر تأکید دارد که باید به همه گروه‌ها نماینده‌ای داد و از آنها نیز درخواست کرده که با استعدادترین اشخاص خود را معرفی کنند اما این گروه‌ها خواهان معرفی افرادی هستند که نسبت به منافع فرقه‌ای و حزبی خود وفادار باشند.

تحلیلگران می‌گویند با توجه به مشارکت جریان صدر در دولت‌های گذشته، این جریان علاوه بر ناکارآمدی در اصلاحات، خود یکی از متهمان فساد موجود است. آنها معتقدند که مقتدی صدر یک سیاستمدار کارگشته نیست بلکه تنها یک پوپولیست می‌باشد.

ابوعون، مدیر برنامه‌های خاورمیانه و شمال آفریقا در مؤسسه صلح ایالات متحده گفت نامزدهای جریان او در پرونده‌های فسادزا دخیل بوده‌اند و برخی دیگر از آنان تخلفات خود را قبول دارند.

با این حال، برخی دیگر می‌گویند که علیرغم تضادهای فراوان و سوابق ناامیدکننده صدر در تلاش برای اصلاحات، او با این وجود یک مدل سیاسی جدید را معرفی کرده است که باید الهام‌بخش عراق و منطقه باشد. مدل سیاسی جدید نبردی است برای تغییر یک نظام سیاسی که به وفاداری -به وطن- اهمیت

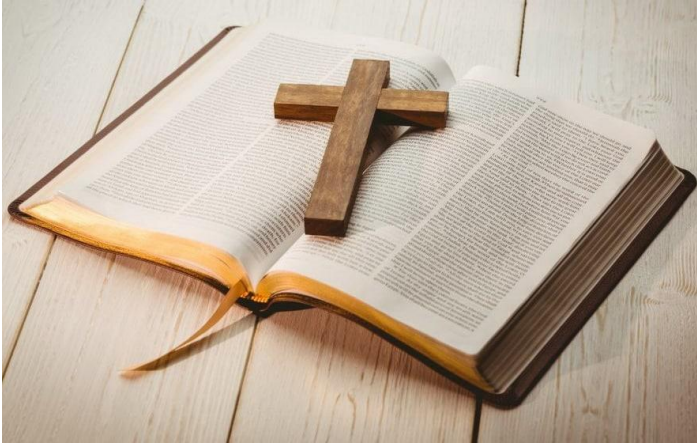
می‌دهد. در ایجاد آن، گروه‌هایی مانند صدر با طرفداران انبوه می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند.

حتی برای ایالات متحده، صدر فرصتی برای ثبات پایدار کشوری است که نزدیک به دو دهه در آن گرفتار بوده است. صدر پیشنهاد کرد که ممکن است حاضر باشد حضور نیروهای آمریکایی در عراق را در نقش مستشاری بپذیرد و بدین ترتیب به دولت بایدن راهکاری برای خروج اکثریت نیروهایش از این کشور بدهد.

مقتدی صدر مرد آمریکا نیست، اما مرد ایران هم نیست. جاه‌طلبی او برای مهار ایران با ایالات متحده و متحدانش در منطقه همپوشانی دارد. حتی عراقی‌ها می‌دانند که صدر درمانی برای بحران‌های متعدد کشور در اختیار ندارد و فساد هم یک‌شبه از بین نمی‌روند.^۱

^۱ https://foreignpolicy.com/۲۷/۱۰/۲۰۲۱/muqtada_al_sadr_is_the_united_states_best_hope_in_iraq

جنجال‌ها بر سر ترجمه کتاب مقدس به لجه‌های مختلف خلیجی



چندی پیش برخی از افراد در شبکه اجتماعی توئیتر، یک آگهی شغلی منتشر کردند که در آن به دنبال متخصصان برای ترجمه کتاب مقدس به برخی از گویش‌های خلیج فارس از جمله حجازی و نجدی بودند.

اولین چیزی که ممکن است هنگام خواندن اطلاعیه‌ای مانند این به ذهن متبادر شود، این است که با توجه به اینکه کتاب مقدس به زبان عربی استاندارد مورد تایید کلیساهای منطقه عربی ترجمه، منتشر و در دسترس همگان است، چه کسی در مورد ترجمه کتاب مقدس به گویش‌های مختلف خلیج فارس فکر می‌کند!؟

سؤال بعدی اینکه با توجه به این که فرآیند ترجمه کتاب مقدس از یونانی باستان و آرامی سال‌ها طول می‌کشد، و به تلاش زیادی از جانب متکلمان و

زبان‌شناسان نیاز دارد! در حالی که تعداد مسیحیان کشورهای عربی خلیج فارس بسیار اندک هستند! پس با این تفصیل مخاطب این ترجمه چه کسانی هستند؟ قبل از نتیجه‌گیری سریع، در اینترنت جستجو کردیم که چه کسی پشت این ایده است و معلوم شد که این پروژه بخشی از بازوی عربی یک پروژه تولید محتوای معروف آمریکایی به نام «پروژه کتاب مقدس» است.

یک نگاه اجمالی به وبسایت پروژه کتاب مقدس برای پی بردن به آن کافی است. طبق تعریف پروژه، این یک استودیوی کاملاً غیرانتفاعی متخصص تولید انیمیشن است که فیلم‌های کوتاهی را کاملاً بر اساس انیمیشن تولید می‌کند و هدف آن ارائه داستان کتاب مقدس به گونه‌ای است که برای همه و همه جا قابل دسترسی باشد.

علاوه بر آن، این پروژه پادکست‌ها و برنامه‌های تحصیلی رایگان برای کسانی که علاقه‌مند به خواندن کتاب مقدس به عنوان یک اثر ادبی و مراحل تدوین آن و برجسته‌ترین موضوعات و شخصیت‌های موجود در آن هستند، تولید و برگزار می‌کند.

این پروژه در سال ۲۰۱۴ توسط «تیم مک کی» و «جان کالینز»، متخصصان مطالعات کتاب مقدس و از علاقه‌مندان به تاریخ متون دینی کهن، راه اندازی شد که در قالب این پروژه به خوانندگان معاصر کمک می‌کنند تا کتاب مقدس را به عنوان یک اثر هنری دوباره کشف کنند.

پادکست پروژه کتاب مقدس بیش از ۱ میلیون بار در هفته و در سراسر جهان بارگیری می‌شود. مایکل مک دونالد، مسئول روابط استراتژیک و

فعالیت‌های جهانی پروژه می‌گوید که این ویدیوها را با تمام ترجمه‌هایش، در طول هفت سال، نزدیک به ۱۸۲ میلیون نفر در سراسر جهان دریافت کرده‌اند. وی در ادامه گفت: ویدئوها به ۴۲ زبان، از آلمانی و فرانسوی گرفته تا فارسی و ترکی، ترجمه شده است و تاکنون حدود ۱۷۰ ویدیو برای کمک به مردم برای درک کتاب مقدس تولید کرده‌ایم.

مایکل مک‌دونالد می‌گوید: «ما یک سازمان تبلیغی نیستیم و سعی نمی‌کنیم مردم را به مسیحیت دعوت کنیم، هدف ما ارائه محتوایی است که به درک کتاب مقدس کمک کند.»

وی می‌گوید، ترجمه محتوا به گویش‌های خلیج فارس چالش مهمی برای آنها خواهد بود، اما این اولین بار در نوع خود نبوده است، برای مثال، به دلیل شکاف عمیق بین کاتولیک و پروتستان، هنگام ترجمه به اسپانیایی باید حساسیت‌هایی را در نظر می‌گرفتند چرا که در برخی کشورها برخی کلمات می‌توانند توهین‌آمیز باشند.

پروژه کتاب مقدس برای برای ترجمه مطالب به عربی فصیح و لهجه مصری با شرکت مصری آرسکوب همکاری می‌کند و در حال حاضر روی لهجه لبنانی کار می‌کند و شروع به طراحی طرح‌های اولیه برای گویش خلیجی کرده است. امیر وحید مدیر عامل شرکت مصری در سخنانی معتقد است که این پروژه می‌تواند، مفاهیم غیر واقعی یا تحریف شده درباره مسیحیت را در جوامع با اکثریت مسلمان روشن کند و برخی سردرگمی‌ها و افسانه‌ها در مورد مسیحیت وجود دارد، که این ویدیوها ممکن است برای غلبه بر آنها مفید باشد.

به گفته مک دونالد، باید حدود شش ماه صبر کنیم تا اولین ویدیو به گویش خلیجی آماده شود و مراحل انتخاب صدایشها آغاز شده است. این پروژه محدود به لهجه‌های کشورهای خلیج فارس نمی‌شود، بلکه برنامه‌ای برای ترجمه به لهجه‌های مراکشی، سودانی، عراقی و دیگر لهجه‌های عربی نیز دارد.^۱

- **ملاحظه:** این پروژه آمریکایی که به دنبال ترجمه اناجیل به گویش‌های خلیجی به ویژه نجدی و حجازی است، جنجال گسترده‌ای را در میان فعالان شبکه‌های اجتماعی به راه انداخت و برخی آن را یک پروژه تبلیغی با هدف قرار دادن کشورهای حاشیه خلیج فارس دانستند.^۲ برخی از مسلمانان فعال در شبکه‌های اجتماعی پروژه کتاب مقدس را تهاجم فرهنگی و مذهبی به مسلمانان منطقه خلیج فارس دانسته و در این باره می‌گویند: این گواه عدم مقبولیت و محبوبیت آنها است که به طرق مختلف سعی در گسترش دین دروغین خود دارند!

^۱ https://www.bbc.com/arabic/art_and_culture_58873920

^۲ <https://tunigate.net/posts/ترجمة-الإنجيل-إلى-اللهجات-الخليجية-تث>

سفر خاخام اعظم ایران به آمریکا خشم صهیونیست‌ها را برانگیخت



سفر «یهودا گرامی» خاخام اعظم یهودیان ایران به ایالات متحده در اوایل هفته جاری به دلیل اظهارات ضد اسرائیلی این رهبر مذهبی در گذشته، خشم برخی محافل یهودی محلی (حامی اسرائیل) را برانگیخته است.

سفر یک ماهه خاخام یهودا گرامی به منظور شرکت در کنفرانس بین‌المللی فرستادگان «چاباد-لوباویچ» - بزرگ‌ترین کنفرانس سالانه چاباد در آمریکا- است. او در جریان این سفر با بسیاری از خاخام‌های آمریکایی ملاقات کرد، خاخام‌هایی که او را «مثل یک سلبریتی» گرامی داشتند.

اما این دیدار از سوی برخی یهودیان در ایالات متحده به دلیل حملات لفظی گذشته وی به اسرائیل و صهیونیسم مورد انتقاد قرار گرفته است. خاخام گرامی در ژانویه ۲۰۲۰ و پس از حمله پهبادی آمریکا به کاروان حامل (سردار شهید)

«قاسم سلیمانی» این حمله را محکوم و با حضور در خانه سلیمانی به خانواده او تسلیت گفت.

«آلبرت بازال» یکی از فعالان اصلی کنیسه مرکزی یهودیان ایرانی در آمریکا درباره سفر خاخام گرامی به آمریکا گفت: «حکومت ایران از او برای تبلیغات استفاده می‌کند. نباید او را به کنیسه ما راه می‌دادند، او با این افکارش باید به مسجد برود چرا باید به کنیسه ما بیاید؟»

او در ادامه مدعی شد: «جامعه یهودیان ایرانی در آمریکا به دلیل دعوت او به کنیسه دوباره شده است و او چیزی برای گفتن به ما ندارد که ما قبلاً ندانیم.» خاخام گرامی در جریان این سفر یک ماهه از کنیسه‌های «بورلی هیلز» و اطراف لس آنجلس، میامی، بروکلین و سایر مناطقی که بسیاری از یهودیان ایرانی در آن زندگی می‌کنند، بازدید می‌کند. او همچنین با خاخام «آرون تیتلبام» نماینده جامعه یهودیان ضدصهیونیست آمریکا، ملاقات کرد (تصویر بالا).

در گذشته، خاخام گرامی در مصاحبه‌هایی که با رسانه‌های ایران انجام داده، به دولت اسرائیل حمله کرده است. او از جمله در مصاحبه‌ای گفته: «شما صهیونیست‌ها نماینده یهودیت یا قوم یهود نیستید، شما فقط نماینده یک ایده از یک جنبش سیاسی هستید که ایده‌ها و ارزش‌های آن در تضاد با عقاید و ارزش‌های تورات و دین یهود است.»

خاخام ایرانی در مصاحبه‌ای دیگر گفته که دولت اسرائیل به امور یهودیان اهمیتی نمی‌دهد: «همه آنچه دولت اسرائیل به مردم مذهبی می‌دهد در قالب معاملات سیاسی است تا دلسوزی مذهبی. رژیم اسرائیل سیاسی است و مذهبی

نیست و هر ساله رژه‌های افتخار (هم‌جنس‌گرایان) در اسرائیل برپا می‌شود و نه تنها هیچ کس به آنها اعتراض نمی‌کند، بلکه خود دولت به آنها بودجه داده و آنها را تشویق و حمایت می‌کند.»

خاخام «مندی چیتریک»، رییس «ائتلاف خاخام‌ها در کشورهای اسلامی» که این خاخام ایرانی را در سفرش به آمریکا همراهی کرده درباره او گفت: «خاخام گرامی نه از سیاست صحبت می‌کند و نه با آن سروکار دارد... هدف او مانند بسیاری از خاخام‌ها تقویت جامعه خود است.»

او افزود: «یهودیان ایران اعضای خانواده و روابط خانوادگی زیادی در ایالات متحده دارند و خاخام گرامی مردم و خانواده‌ها را به خصوص در مورد مسایل مذهبی گرد هم می‌آورد. از دید من فضای دیدار او با اعضای جامعه یهودیان ایرانی در آمریکا بسیار صمیمانه و دوستانه بود. من متوجه هیچ هدف تبلیغاتی نشدم برعکس آنچه که حس کردم تلاش خاخام گرامی برای تقویت جامعه یهودیان بود.»^۱ (عصر ایران)

• **ملاحظه:** رهبر جامعه کلیمیان ایران تابستان گذشته در مصاحبه با نشریه یهودی الگماینر گفته بود که «بر خلاف اروپا (و آمریکا) یهودیان ایرانی نیازی به محافظ برای مدارس و کنیسه‌های خود ندارند... اکثر مردم ایران به ما احترام می‌گذارند و زندگی ما در کنار مردم ایران صلح‌آمیز است.»

^۱ <https://www.ynetnews.com/article/b\utyayvf>

خاخام گرامی در فرصتی دیگر گفته بود که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، و یهودیانی که ساکن اسرائیل هستند، نماینده یهودیان دنیا نیستند.

خاخام گرامی در مصاحبه تابستان گذشته با نشریه یهودیان الگمایتر درباره حضور در خانه قاسم سلیمانی در روزهای پس از شهادت او گفته بود که «نمایندگان تمامی مذاهب ایران، از جمله مسیحیان، در آن دیدار حضور داشتند تا تأکید کنند که مسئله، جنگ بین مذاهب مختلف نیست».

او افزوده بود که «شهید سلیمانی یک قهرمان ملی است... که داعش را در سوریه شکست داده و این مسئله برای مردم ایران خیلی مهم است». گرامی ظاهراً یکی از جوان‌ترین شخصیت‌های یهودی است که تاکنون به مقام رهبر کلیمیان ایران رسیده است.

گفتنی است خاخام آرون تیتلبام رهبر یهودیان آمریکایی شاخه یهودیت حسیدی (ساتمار) است؛ پیروان «ساتمار» موجودیت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسند و با صهیونیسم به شدت مخالف هستند.

سفری مهم که مورد توجه رسانه‌ها قرار نگرفت؛ لابی‌دین در امر سیاست

مسعود صدر محمدی



اواخر اکتبر گذشته، بارتلمیوس، رهبر پاتریکخانه فنر استانبول پس از ۱۲ سال راهی آمریکا شد و با رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه این کشور و برخی مقامات دولتی و غیردولتی دیدار کرد.

او پس از دیدار با بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا را رهبری دیندار و دارای افقی باز نامید. او در این دیدار نسبت به سیاست‌های کلیسای ارتودوکس روسیه در قبال مسئله کلیسای اوکراین و مواضع اعلامی آنها انتقاد کرده و کلیسای روسیه را متهم به سیاسی‌کار کرد.

نکته قابل توجه در مورد این سفر نقش‌آفرینی بارتلمیوس در سیاست‌های واشنگتن در قبال اوکراین و ترکیه است.

پاتریکخانه فنر استانبول از دوران جنگ سرد به عنوان ابزار آمریکا برای تاثیرگذاری در حوزه ارتودوکس‌های بالکان، اروپای شرقی و تا حد امکان خود روسیه بوده است در حالی که پاتریکخانه مسکو به عنوان ابزار روسیه در این مناطق عمل کرده است. با در نظر داشتن چنین پیشینه‌ای و بحران مذهبی‌ای که در نتیجه جنگ اوکراین پیش آمد سفر بارتلمیوس به آمریکا آن هم در دوره ریاست بایدن امری قابل توجه است که حساسیت روسیه را برخواهد انگیخت. اما این سفر از منظر روابط ترکیه و آمریکا نیز حائز اهمیت است. به طوری که برخی مخالفان معتقدند که اردوغان در حال استفاده از لابی ارتودوکس‌ها و پاتریکخانه فنر در کاخ سفید است. از منظر این کارشناسان دیدار بارتلمیوس با بایدن آن هم دقیقاً پیش از دیدار بایدن و اردوغان دیداری اتفاقی نیست و اردوغان تلاش دارد تا از سرمایه سیاسی پاتریکخانه به نفع خود استفاده کند و طبیعتاً در این مسیر برخی امتیازات نیز به پاتریکخانه خواهد داد.^۱

^۱ <https://t.me/turkeycaucasus/۱۳۱۴>

علی عبدالرحمن الحذیفی: از حمله به روافض، در حضور هاشمی رفسنجانی تا دعوت به وحدت اسلامی!



حامد دهقانی فیروزآبادی

جمعه ۱۴ آبان، علی عبدالرحمن الحذیفی، امام و خطیب مشهور مسجد نبوی، خطبه‌های نماز جمعه را به موضوع «وحدت مسلمانان و نهی از تفرقه» اختصاص داد. حذیفی در خطبه‌های نماز

جمعه در مسجدالنبی در شهر مدینه منوره گفت که انسجام، وحدت، وابستگی متقابل، هماهنگی، همبستگی، شفقت، دفاع از حقیقت، دست برداشتن از اختلاف و دست برداشتن از تفرقه، دژی است که جامعه به آن پناه می‌برد و مأمنی برای همه و قدرتی برای دین و راه حفظ منافع دنیوی، امنیت و سلامتی از دسیسه‌ها و آسیب‌های دشمنان است.^۱

شنیدن از «دعوت به وحدت و پرهیز از اختلافات» به خودی خود از زبان یک شیخ سلفی سعودی غریب است، سلفیتی که هویت خود را در تمرکز بر

^۱ <https://www.elbalad.news/۵۰۳۲۲۲۳>

گسل‌های عقیدتی دیده است و از فرعی‌ترین اختلافات مذهبی به مثابه اصول اعتقادی و معیار ایمان و کفر کوتاه نیامده است.

اما شنیدن چنین سخنانی از زبان حدیفی بسیار شگفت‌آورتر است، کسی که نزدیک به چهل سال یکی از ائمه جماعت مسجد نبوی بوده است و در طول این سالیان بارها و بارها از خطر اندیشه «رافضی» گفته است.

برای مخاطب ایرانی اگر نام «حدیفی» یادآور چیزی باشد، به احتمال بسیار یادآور ماجرای حملات شدید او به شیعیان در خطبه نماز جمعه مسجد نبوی در حضور رئیس‌جمهور پیشین ایران، هاشمی رفسنجانی، باشد. جمعه ۸ اسفند ۷۶ رفسنجانی در سفرده روزه خود به عربستان، به رسم ادب و حدت، در نماز جمعه مسجد نبوی حاضر می‌شود، اما حدیفی چنان خطابه‌ای علیه شیعیان و مسئله تقریب مذاهب می‌خواند که رفسنجانی و هیئت همراه مجبور به ترک نماز جمعه می‌شوند.

او تقریب بین شیعه و سنی را همچون تقریب میان اسلام با یهود و مسیحیت خواند و گفت: «چگونه ممکن است بین قرآن و تلمود شیطان تقریبی صورت گیرد؟ تقریب اسلام و مسیحیت چگونه است؟... و چگونه می‌توان بین اهل سنت و شیعه تقریبی حاصل شود؟ اهل سنتی که حامل قرآن کریم و سنت رسول خدا صلی الله علیه و سلم بوده‌اند و خداوند دین را به وسیله آنان حفظ کرد و آنها بودند که برای برافراشتن چراغ اسلام و ساختن تاریخ باشکوه آن تلاش کردند و (در مقابل) روافضی که صحابه را لعن می‌کنند و اسلام را نابود می‌کنند، زیرا

صحابه رضی الله عنه کسانی هستند که دین را به ما منتقل کردند، پس اگر کسی به آنها طعن زند دین را از بین برده است».

اوج سخنرانی تند حدیفی آنجا بود که گفت: «چگونه می‌توان بین اهل سنت و روافض تقریب ایجاد کرد، وقتی که خمینی، امام ضلالت، را امام معصوم قرار داده‌اند و او را نایب مهدی خرافی خود می‌شمرند؟!»^۱

هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود ادامه ماجرای آن روز را چنین نوشته است: «من و همراهان به عنوان اعتراض از صفوف جماعت بیرون رفتیم. در اتاق کناری، نمازمان را جداگانه به جماعت خواندیم. به همراهانمان از سعودی‌ها و رئیس حرم شریف که همراه ما آمدند، گفتیم این اظهارات تفرقه‌انگیز بین مسلمین، دلیل عدم صلاحیت این فرد برای امامت جمعه است؛ آن‌ها هم حرف ما را تأیید کردند. رئیس حرم عذرخواهی کرد و گفت، این امام جمعه، فرد بی‌اطلاعی است. ساعتی بعد، آقای دکتر نفیسه، وزیر همراه، تلفنی گفت که مأموران به دستور مرکز مشغول رسیدگی به اظهارات او هستند و برخورد شدیدی خواهد شد و از من عذرخواهی کرد. عصر امیر عبدالله هم تلفنی از ریاض

^۱ زهرة البساتین من مواقف العلماء والربانیین، سید بن حسین العفّانی، دار العفّانی، ج ۴،

ص ۸۷. همچنین صوت این بخش از سخنرانی را می‌توانید در لینک زیر بشنوید:

<https://youtu.be/CuED5jDt6yw>

با من صحبت کرد و شدیداً اظهار تأسف کرد و گفت، «اِنِّیْ اَسْفُ کَثِیْر کَثِیْر کَثِیْر کَثِیْر» و گفت، این شخص تنبیه می‌شود.^۱

حذیفی مدتی (که ظاهراً بیش از سه سال نبوده است^۲) از امامت مسجد نبوی کنار گذاشته می‌شود و سپس دوباره این خطیب و قاری محبوب سعودی به امامت این مسجد شریف بازمی‌گردد. اما رویه حذیفی پس از این دوره نیز چندان تغییری نکرده و همچون هر شیخ سلفی، «روافض» را از انتقادات خود بی‌نصیب نمی‌گذاشت.

در بهار عربی و در اکتبر ۲۰۱۱ و پس از اعتراضات شیعیان العوامیه در استان قطیف،^۳ حذیفی خطبه تند دیگری علیه شیعیان در نماز جمعه مسجد النبوی (ص) خوانده و از حکومت می‌خواهد معترضان رافضی را سلب تابعیت کرده و آنها را به سرداب سامرا بفرستد! همین باعث می‌شود حکومت سعودی برای جلوگیری از تنش‌های بیشتر، بار دیگر حذیفی به مدت یک سال از امامت مسجد نبوی کنار گذارد.^۴

حال پس از ده سال، حذیفی با استناد به آیاتی از قرآن کریم که از اختلافات میان امت مسلمان و درافتادن در فتنه‌ها پرهیز می‌دهد، به وحدت اسلامی دعوت

^۱ https://rafsanjani.ir/records/_۱۳۷۶-سال-رفسنجانی-سال-۱۳۷۶ خاطرات روزانه آیت‌الله هاشمی-رفسنجانی

کتاب سردار-سازندگی-۱۱۷

^۲ https://ar.wikipedia.org/wiki/علي_بن_عبد_الرحمن_الحذيفي

^۳ https://ar.wikipedia.org/wiki/أحداث_العوامية_والقطيف

^۴ <https://gate.ahram.org.eg/News/۲۵۴۷۴۲.aspx>

کرده است. او هشدار می‌دهد که گفتار و نوشتار ممکن است صفوف را از هم جدا و گروه‌ها را متفرق کند، بین چهره‌ها اختلاف افکند، از راه حق منحرف کند و اختلاف را گسترش دهد؛ زیرا پیامبر اکرم (ص) فرمودند «من کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلیقل خیراً أو لیصمت: هر که به خدای تعالی و به روز قیامت ایمان دارد باید به خیر و نیکی سخن گوید، یا باید که خاموش باشد».

این سخنان را به سختی می‌توان سفارشی خواند؛ نه خطبه‌های نماز جمعه در عربستان از دستورالعملی هفتگی پیروی می‌کند (چنانکه مثلاً در امارات خطبه‌های هر هفته به موضوعی ویژه اختصاص می‌یابد) و نه حدیثی ۷۶ ساله چندان از خود شخصیتی گوش به فرمان حاکمان نشان داده است.

این نشان می‌دهد خاموشی و کم‌فروغی این روزهای گفتمان سلفیت در عربستان، تنها واکنشی به فشارهای حکومت و تشدید سیاست‌های لیبرالی در سالیان اخیر نیست. اینکه یکی از مهم‌ترین و تندترین خطیبان جمعه در عربستان چنین مفصل در ثنای وحدت مسلمانان و کنار گذاشتن اختلافات خطبه می‌خواند، باید به مثابه نشانه‌ای دیگر از «پوست انداختن نهاد دین در عربستان» دیده شود.

سال ۲۰۱۵ بود که پیش از این دوره تازه، با انتشار کتاب «ما بعد السلفیة» گفتگوهای بسیاری بر سر افول جریان سلفی و آینده پس از سلفیت در گرفت. دو نویسنده مصری و نوسلفی کتاب، احمد سالم و عمرو بسیونی، در این اثر خوانشی تازه از سلفیت معاصر ارائه داده و با دست گذاشتن بر عواملی درون‌زا، آینده‌ای نزدیک را برای رسیدن به دوران پساسلفیت پیش‌بینی کردند.

از جمله این عوامل، خلأ مرجعیت فکری در سلفیت سعودی است؛ در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱، سه مرجع و ستون اصلی اندیشه سلفی، یعنی ابن باز، البانی و ابن عثیمین از دنیا رفتند و سلفیت به یکباره به یک جنبش بی‌سر بدل شد که پس از آن دیگر نتوانست شخصیت‌های علمی برجسته‌ای در آن تراز به خود ببیند.

از این گذشته، سلفیت تازگی و جذابیت نخستین خود را نیز از دست داد و از سوی دیگر خوی دیگرستیزی شدید در سلفیان، دامن خود آنها را نیز گرفته و با اندک اختلاف‌هایی، جریان سلفیت فرقه فرقه شده و انشقاق‌های گسترده‌ای را به خود دید. اختلاف‌هایی که حتی به تکفیر دوستان دیروز می‌انجامید.

این همه در کنار عوامل برون‌زا و درون‌زای دیگر، چنین می‌نماید که دوران جدیدی را برای سلفیت رقم زده است؛ دورانی که دیگر نه تنها از کلیدواژه‌های «شرک» و «کفر» و «رافضی» و... بر منبرهای شیوخ سلفی عربستان چندان خبری نیست، بلکه همان حنجره‌هایی که تا دیروز خود آتش منازعات را می‌دمیدند، امروز خیرخواه امت شده و به وحدت مسلمانان و سکوت در برابر اختلافات دعوت می‌کنند.

مبلغان قهوه‌خانه‌ها؛ مردان الازهر بین دودقلیان و ترانه‌های ام‌کلثوم



الازهر پس از آنکه وزارت اوقاف کنترل خود را بر مساجد شدیدتر کرد و توانست دیدگاه خود را در مورد روش و ابزار گفتگو با نمازگزاران تحکیم ببخشد، به دنبال فضاهای جدیدی است که بتواند نقش‌های اجتماعی و مذهبی خود را در کف جامعه تقویت کند.

الازهر به فکر مسیرهای دیگری خارج از مساجد افتاد و واعظان خود را به حضور مؤثر در کانون‌های جوانان، کلوپ‌ها و قهوه‌خانه‌ها سوق داد و حضور کاروان‌های تبلیغی خود را در جاهای مختلف تشدید کرد تا به نوعی وجود و حضور معنوی خود را اثبات کند.

نظیر عیاد، دبیر کل مجمع البحوث الإسلامية (وابسته به الازهر)، از حوزه‌های تبلیغی خواست تا «ایده‌های جدیدی را برای ارتباط با مردم ابداع کنند

و یک گفتمان تبلیغی روشنگرانه را ارائه دهند و مفاهیمی که به غلط فهم شده است را برای مردم روشن کنند و زمینه‌های گفت‌وگوی متقابل و مؤثر با آنها را فراهم کنند.»

چنین می‌نماید که فعال شدن جنبش مبلغان با واکنش به اقدامات موفق وزارت اوقاف مرتبط است، چرا که الازهر چهار سال پیش نیز بیش از ۶۰۰ کاروان تبلیغی را به قهوه‌خانه‌ها و مراکز جوانان اعزام کرد که به نتیجه نرسید و طرح خود را که از مناطق دورافتاده آغاز کرد و قرار بود به قاهره برسد، کامل نکرد.

فعالان شبکه‌های اجتماعی تصاویر واعظانی را که در قهوه‌خانه‌ها و مراکز جوانان در مناطق مختلف و با لباس رسمی الازهر (روپوش و عمامه) پرسه می‌زدند، پخش کردند. نظرات مربوط به این قضیه به دلیل تناقض میان ظاهر مبلغان جوان و موضوعاتی که در قهوه‌خانه‌ها مطرح می‌کنند و میان تصویر شیخ الازهر احمد الطیب، که به نظر می‌رسد تلاش می‌کند تا ایده‌های خود را در میان ترانه‌ها و دود قلبان به اشتراک بگذارد، طنز زیادی به همراه داشت.

اقدامات الازهر با مخالفت برخی از علمای آن مواجه شده است و معتقدند که نقش اصلی الازهر این است که مرجع و نهادی مهم باشد که برنامه‌ریزی‌های مؤسسات مذهبی مرتبط با فتوا و تبلیغ را تنظیم می‌کند.

این افراد باور دارند که قرار دادن تعدادی از شیوخ الازهر در آماج مزاحمت‌ها و انتقادات به دلیل حضور آنها در محیطی که برای انتقال دیدگاه‌های تبلیغی آنها مناسب نیست، تأثیرات منفی بر تصویر الازهر در بین شهروندان دارد.

و در عین حال شهروندان به گروه‌هایی سوق داده می‌شوند که ذهنیت‌هایی فراتر از نهادهای رسمی مذهبی دارند.

یکی از واعظان که از تعدادی قهوه‌خانه در اسکندریه بازدید کرده و ترجیح داد نامش فاش نشود، گفت: «کاروان‌ها با مشکل بی‌تفاوتی جوانان نسبت به آنچه که برای آن آمده‌ایم مواجه هستند و ممکن است یک مسابقه فوتبال یا غوطه‌ور شدن در بازی دومینو عاملی مخرب برای جلب توجه بسیاری از جوانان باشد و به همین دلیل پاسخ آنها برای درخواست گفتگو منفی باشد.»

وی افزود: «هدف ما این است که به جزئیات مشکلات زندگی شهروندان بپردازیم، توصیه‌های دینی ارائه کنیم تا برخورد با این مشکلات را تسهیل کنیم و اسلام میانه‌رو را که شامل افراط‌گرایی و خشونت نباشد، گسترش دهیم. اینها مسائلی کلی است که اکثر مردم به آن اهمیت می‌دهند، اما در عین حال با مخالفت برخی از صاحبان قهوه‌خانه‌ها مواجه هستیم که از فتوای تحریم سیگار کشیدن یا روبه‌رو شدن با مشکلات امنیتی به دلیل نقض رویه‌های بهداشتی ترس دارند.»

اقدامات الازهر با اعتراض بخش‌هایی از روشنفکران مواجه شده است که معتقدند محل تبلیغ در داخل مسجد است و نه در میان هیاهوی خیابان‌ها و قهوه‌خانه‌ها. از نظر این افراد شیخ الازهر طعمه تکرار روش‌های تبلیغی جریان‌ات سلفی شده است که در دهه هشتاد میلادی در پیش می‌گرفتند، در حالی که نقش الازهر باید با ماهیت او به عنوان نهادی با وزن تمدنی همخوانی داشته باشد، بدون گرفتار شدن در مسائلی که نهادهای جامعه مدنی قرار است با آن برخورد کنند.

عبدالغنی هندی، یکی از اعضای المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية (وابسته به وزارت اوقاف)، گفت: «تحرکات الازهر در سطح خیابان‌ها در زمانی صورت می‌گیرد که وزارت اوقاف تصمیم گرفت که جلسات موعظه را در داخل مساجد متوقف کند، که این امر نشان‌دهنده عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف مذهبی است.»

وی شانس موفقیت الازهر در تقویت نقش اجتماعی خود از طریق «مبلغان قهوه‌خانه‌ها» را کم شمرد. وی گفت: «آنچه اکنون دولت به آن نیاز دارد، راه‌اندازی پروژه‌ای است که مؤلفه‌های فکری مدرنی را برای مقابله با مشکلات اجتماعی در حال گسترش پیش رو قرار می‌دهد، مشروط بر اینکه به زبانی متفاوت از زبان الازهر در گفتگوهای خود با مردم باشد.»

برخی ناظران تأکید دارند که نهادهای دولتی از الازهر خواسته‌اند تا نقش‌های اجتماعی خود را افزایش دهد تا خلأ اخوان را پر کند. اما بزرگ‌ترین نهاد دینی مصر بدون توجه به تجدید گفتمان دینی و توسعه محتوا متناسب با تحولات جامعه، به این خواسته‌ها به صورتی رسمی پاسخ داده است.

تلاش نهادهای دینی برای برقراری ارتباط با شهروندان با موانع بسیاری برخورد می‌کند که باعث می‌شود آنها به اهداف خود نرسند، اتفاقی که در تجربه قبلی الازهر و اوقاف از طریق کاروان‌های حمل و نقل عمومی و ایستگاه‌های مترو رخ داد. مشکل این است که این مؤسسات روش‌های خود را برای گفتگو با مردم بر پایه مبانی یا مطالعاتی علمی استوار نمی‌کنند.

احمد سالم، استاد فلسفه اسلامی دانشگاه طنطا، توضیح داد که پدیده‌های فزاینده خودکشی، خشونت و فروپاشی نظام خانواده نیازمند مداخله مؤثر نهادهای مذهبی و اجتماعی است که فقدان بعد معنوی فرد مصری را جبران کند. با این حال، متولیان آن باید مشخصات خاصی داشته باشند تا نتیجه مثبتی به دور از جنبه صرفاً مذهبی به دست آورند و بتوانند گروه‌های جوان را به آنچه فرامی‌خوانند، متقاعد کنند.

وی افزود که «ادامه گفتمان‌های ارباب و نهی که نهادهای دینی به آن عادت کرده‌اند، منجر به تغییر واقعی نخواهد شد و در پیش گرفتن گفتمان‌های مدارا، سازش و پذیرش دیگری، برای مخاطبان قهوه‌خانه‌ها قابل قبول‌تر است. مشروط بر اینکه این امر همراه با نقش‌هایی اجتماعی برای حل مشکلات شهروندان در مناطق فقیرنشین و شناسایی درد آنها باشد، و این همان نقش‌هایی است که سازمان‌های افراطی برای جلب حمایت مردم ساده‌تر ایفا می‌کردند.»^۱

^۱ الأزهر-بیبحث-عن-إثبات-وجوده-من-خلال-وعاظ-المقاهي/ <https://alarab.co.uk/>

تأثیر ظهور طالبان بر پرونده تروریسم در اردن

خروج آمریکا از افغانستان و تسلط طالبان بر این کشور در ۱۰ اوت گذشته، زنگ خطر را برای بسیاری از کشورها به صدا درآورد. گفتگوهای گسترده‌ای بر سر احتمال سرایت ویروس طالبان به مناطقی دیگر از جمله قدرت‌های غربی و کشورهای عربی و اسلامی که از حضور گروه‌های تروریستی و افراطی رنج می‌برند، وجود دارد. از جمله این کشورها، اردن است که آشکارا نگرانی خود را از بازگشت کنترل طالبان بر افغانستان ابراز کرده است.

در اولین واکنش اردن به تسلط طالبان بر افغانستان، ایمن صفدی وزیر امور خارجه اردن در یک کنفرانس مطبوعاتی در ۱۷ اوت، «نگرانی اردن را از آنچه در افغانستان رخ می‌دهد» ابراز کرد و افزود: «اولویت، تضمین امنیت، ثبات و عدم هرج و مرج است» و خواستار همکاری جهانی به منظور تامین امنیت و ثبات در افغانستان، تضمین احترام به حقوق شهروندان، تخلیه تمامی اتباع خارجی و حفظ امنیت آنان شد.

دلیل نگرانی اردن ناشی از تجربه پیشین او با به اصطلاح «افغان‌های عرب» است. با وجود آنکه ممکن است برای برخی به نظر برسد که هیچ ارتباطی بین آنچه در افغانستان و اردن اتفاق می‌افتد وجود ندارد، تعدادی سرنخ، شواهد و رویدادها وجود دارد که به اعتقاد نویسنده عمق این ارتباط را تایید می‌کند. در میان این سرنخ‌ها و شواهد، به عنوان مثال به موارد زیر اشاره کرده و تأکید می‌شود که شواهد محدود به اینها نیست:

۱- نظریه پرداز پدیده جهاد افغانستان و افغان‌های عرب، عبدالله عزام اردنی بود. او از طریق دفتر خدمات مجاهدین که در شهر پیشاور پاکستان تأسیس کرد، توانست پدیده جهاد جهانی را پایه‌گذاری و پس از آن چارچوب کلی، رویکرد و ایدئولوژی القاعده را تعیین کند. تعداد زیادی از جوانان اردنی به دلایل مختلف و متعددی که برشمردن آنها در اینجا دشوار است، به دور عزام جمع شده بودند که مهم‌ترین آنها دلایل اقتصادی بود. به نظر می‌رسد که اکثر اردنی‌هایی که به مجاهدین پیوسته‌اند این کار را به دلیل فرصت طلبی اقتصادی انجام داده‌اند تا اعتقادات مذهبی.

۲- اکثر رهبران مشهور اردنی در جنبش‌های سلفی جهادی و گروه‌های تروریستی از «مدرسه جهاد در افغانستان» به دست عبدالله عزام یا شاگردانش در افغانستان فارغ‌التحصیل شدند.

در رأس اینها ابومحمد مقدسی (عصام طاهر محمد البرقاوی) قرار دارد که پیش از اختلاف با عزام، وارد اردوگاه «صدی» شد که توسط عبدالله عزام اداره می‌شد و در آنجا آموزش نظامی دید.

همین امر در مورد شاگرد مقدسی، ابو مصعب الزرقاوی (احمد فاضل الخلیله) نیز صادق بود که در نبرد با شوروی در منطقه خوست شرکت کرد و سازمان او به نام «القاعده بین‌النهرین» اردن را در دوره بین ۲۰۱۷-۱۹۹۴ با ۱۳ عملیات تروریستی ناموفق و موفقیت‌آمیز هدف قرار داد که سخت‌ترین آنها بمب‌گذاری در هتل عمان در سال ۲۰۰۵ بود.

۳- پیامدهای ظهور طالبان در افغانستان در سال ۱۹۹۴ به سرعت در عرصه اردن منعکس شد، زمانی که یک سازمان موسوم به «افغان‌های اردنی» پس از حمایت شدن از سوی هسته‌های القاعده دست به عملیات تروریستی زد. در همان سال عملیات «بیعة الإمام» رخ داد که مقدسی و زرقاوی به خاطر آن متهم شدند و در سال ۱۹۹۷ حزب «التجدید الإسلامی» و «الإصلاح و التحدی» ظاهر شد و در سال ۲۰۰۰ توطئه‌ای برای هدف قرار دادن برخی مکان‌ها در اردن در آستانه جشن هزاره خنتی شد و به «توطئه هزاره» معروف شد.

۴- عرصه افغانستان محل تلاقی مهم‌ترین شخصیت‌های تروریست و مهم‌ترین شخصیت‌های القاعده از نسل دوم و گروه‌های سلفی اردنی - به ویژه مقدسی و زرقاوی - بوده که وجه مشترک تمام عملیات‌های تروریستی در اردن از زمان ظهور طالبان بوده‌اند.

بازتاب ظهور طالبان بر گروه‌های وفادار به القاعده و داعش

در کوتاه مدت، ارزیابی تأثیر ظهور طالبان بر گروه‌ها و ایدئولوگ‌های وفادار به القاعده و همچنین داعش در اردن بسیار دشوار است. این به دلیل وضعیت عمومی انتظاری است که جامعه بین‌الملل در مورد طالبان دارد.

به طور کلی، القاعده و شاخه‌های آن در جهان و هیئت تحریر الشام در سوریه که از القاعده جدا شده، پیروزی طالبان در افغانستان را تبریک گفتند. در حالی که طالبان به شدت مورد حمله داعش قرار گرفته است و جز در درجه و انواع کفر فرقی بین طالبان و دشمنان آن نمی‌بیند.

در اردن انتظار می‌رود که شخصیت‌های جریان سلفی - به ویژه ابومحمد مقدسی - در حالت انتظار، احتیاط و پیگیری جدی رفتار طالبان و موضع آن در قبال گروه‌های جهادی در جهان، به ویژه نسبت به جنگ در سوریه، عراق، منطقه ساحل، شمال آفریقا و دیگر حوزه‌ها در اروپا و آسیا هستند. به عنوان مثال، آیا طالبان، تروریسم و عملیات تروریستی را که این گروه‌ها هنوز انجام می‌دهند، به ویژه در آفریقا و عملیات‌های «گرگ تنها»^۱ در اروپا را محکوم خواهند کرد؟ آیا واقعاً با آمریکا همکاری خواهند کرد؟ با جامعه بین‌المللی معامله خواهند کرد؟ به قوانین بین‌المللی و معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی، به ویژه حقوق زنان، آزادی عقیده و رسانه، دموکراسی و اقلیت‌ها پایبند خواهند بود؟

همه اینها برای سلفی‌های جهادی، چه القاعده و چه داعش، مسائلی مهم و حساس است و انتظار می‌رود که رابطه بین طالبان و بقیه گروه‌های سلفی-جهادی که به طور مطلق دموکراسی و آزادی زنان را رد می‌کنند، نابود شده و از بین رود. از این رو، مقدسی در صفحه توئیتر خود موضعی محافظه کارانه گفت: «ما نگفتیم که خلافت طالبان بر اساس منهج نبوی است، اما در زمانه استضعاف، به هر شوکتی برای مسلمانان نیاز داریم.»

^۱ گرگ تنها (Lone wolf) شخصی است که در حمایت از یک گروه، جنبش یا ایدئولوژی دست به اعمال خشونت‌آمیز می‌زند، اما این کار را به تنهایی، خارج از ساختار فرماندهی و بدون کمک مادی هیچ گروهی انجام می‌دهد.

آیا ترس و تهدید واقعی وجود دارد یا خیر؟

عروهٔ عجب، محقق و تحلیلگر سیاسی سوری در حوزه گروه‌های جهادی، می‌گوید که نوستالژی گذشته‌ای خیالی و امتی منسجم، گروه‌های اسلامی را وادار می‌کند تا پیروزی جنبش طالبان افغانستان را به عنوان یک حرکت بین‌المللی تحلیل کنند! شاید چیزی که برخی از این گروه‌ها متوجه نمی‌شوند یا نادیده می‌گیرند، این است که طالبان امروز به یک پروژه سیاسی محلی تبدیل شده است، درست مانند سایر احزاب اسلامی که با (مشکلات امت) همدردی می‌کنند، اما تنها بر منافع سیاسی محلی خود به عنوان یک حزب تکیه می‌کنند.

تهدیدها ممکن است کوتاه‌مدت یا فوری نباشند، اما زمانی که شرایط، زمان و مکان مناسب برای آنها فراهم شود، واقعی می‌شوند و احتمال وقوع آنها وجود دارد، زیرا خطر تروریسم در کشور (اردن) پایان نیافته است و بعید است که در آینده‌ای قابل پیش‌بینی به پایان رسد. همچنین نمی‌توان خطر سناریوی الهام‌بخش و انگیزه‌ای را که طنین به اصطلاح «پیروزی طالبان» به دنبال آورده، کنار گذاشت.^۱

^۱ <https://www.ammonnews.net/article/۶۴۳۱۸۶>

در پی افزایش جمعیت مسلمان در اوتاراکنند، هند انگشت اتهام خود را متوجه سازمان اطلاعات پاکستان کرد



افزایش ناگهانی جمعیت مهاجران مسلمان در اوتاراکنند و ساخت صدها مدرسه و مساجد در ۲ سال گذشته باعث نگرانی دولت هند و مسئولین ایالتی آن منطقه پیرامون برهم خوردن توازن جمعیتی شده است. آژانس‌های امنیتی نگران افزایش جمعیت مسلمانان در مناطق خاصی از این ایالت هم‌مرز با نپال و مشکلات احتمالی در پی آن هستند.

نهادهای امنیتی این افزایش ناگهانی جمعیت مسلمانان در چندین منطقه اوتاراکنند را برآمده از یک برنامه‌ریزی در پشت پرده دانسته و به وزارت کشور هندوستان هشدار داده‌اند. با توجه به این شرایط، آژانس‌های امنیتی در اوایل سال جاری گزارشی را به وزارت کشور ارائه کرده بودند که حاوی اطلاعاتی در مورد این مناطق آسیب‌پذیر بود.

طبق این گزارش، در مناطق آسیب‌پذیر مشخص شده جمعیت به طرز قابل توجهی در مقایسه با سرشماری سال ۲۰۱۱ تغییر کرده است. در همین راستا شمار مهاجرین غیرقانونی نیز دو و نیم برابر افزایش پیدا کرده است. در گزارشی که از سوی آژانس امنیتی هندوستان به وزارت کشور آن کشور ارائه شد سه منطقه کوماون، یعنی ادهم سینگ نگر، چمپاوات و پیتوراگره را به عنوان مناطق حساس مشخص کرده است. در میان این مناطق دو شهر پیتوراگره و دارچولا به عنوان مناطق بسیار حساس طبقه‌بندی شده‌اند.

ساخت بیش از ۴۰۰ مدرسه و مسجد در مناطق مرزی با نپال

در همین راستا، بیش از ۴۰۰ مدرسه و مسجد در مناطق کنار مرز نپال در مدت کوتاهی ساخته شده است. به غیر از مناطق مرزی اوتاراکنند، هشدار برای بسیاری از مناطق در اوتار پرادش نیز صادر شد. دلیل آن این است که طی ۲ سال گذشته، تقریباً ۴۰۰ مدرسه جدید، مسجد و مؤسسه مذهبی در مناطقی مانند بحرایچ که دارای مرز بین‌المللی با نپال در قسمت شمالی است و همچنین در امتداد مرز هند و نپال که تحت گوراخپور قرار دارد ساخته شده‌اند. در این گزارش آمده است که با توجه به ورود جمعیت‌های غیر بومی به منطقه احتمال خروج ساکنان محلی از منطقه وجود دارد.

بر اساس اطلاعات نهادهای اطلاعاتی، تصور می‌شود که توطئه‌ای برای تقسیم هند بر اساس عدم توازن جمعیتی طراحی شده است. بنابراین، طبق

دستورالعمل‌های دولت محلی اوتاراکنند، سازمان‌های اطلاعاتی در حال بررسی تمام جزئیات و نظارت شدید بر مناطق مرزی هستند.

امکان ساخت کریدوری برای اتصال پاکستان

بر اساس گزارش داینیک جاگران، آژانس‌های امنیتی فاش کرده‌اند که این مهاجران غیرقانونی در تلاش هستند تا یک کریدور از پیش طراحی شده را که اوتاراکنند، بنگلادش، بیهار، نپال، اوتار پرادش، هاریانا و پنجاب را به هم متصل می‌کند را شکل دهند. احتمال اتصال پاکستان به این کریدور نیز وجود دارد. در واقع، بر اساس گزارش‌ها، در ۱۰ سال گذشته، تعداد زیادی از مسلمانان تحت پوشش پناهندگی در قالب طرح ایجاد کریدور مذکور به این منطقه آورده شده‌اند. سازمان‌های امنیتی مدعی هستند که سازمان اطلاعات پاکستان در هند از طریق نپال در حال فعالیت است. بر اساس گزارش‌ها، مدارس یا مدارس دینی اسلامی در درجه اول در مکان‌هایی تأسیس می‌شوند که دارای اهمیت ژئوپولیتیک باشند. این فهرست شامل مناطق اوتاراکنند، پیتوراگره، ادهم سینگ نگر و چمپاوات و همچنین بخش‌های گوراخپور و باستی از اوتار پرادش می‌باشد. نانیتال، شهر تفریحی هیمالیا در منطقه کومائون اوتاراکنند به دلیل تغییرات جمعیتی قابل توجه، یکی از مهم‌ترین مناطق متاثر از این مسئله است. گزارش‌هایی مبنی بر زمین‌خواری غیرقانونی در نقاط مختلف دریافت شده است. مردم محلی می‌گویند که تقریباً همه ساکنان آن مهاجران مسلمان هستند.

گاجراج سینگ بیشت، دبیر کل سابق حزب مردم هند وابسته به نخست‌وزیر هند، در اوتاراکند، در مورد تغییر جمعیت در این ایالت گفته است: «در ابتدا، این مسلمانان می‌آیند و به پای شما می‌افتند. سپس آنها دست به سینه از شما التماس می‌کنند. اما وقتی تعداد آنها از یک نفر به ده نفر افزایش یابد، آنها حتی به شما اجازه دسترسی به خیابان‌های آنجا را نمی‌دهند».

طبق سرشماری سال ۲۰۱۱، ۸۳ درصد جمعیت اوتاراکند که ۲۱ سال پیش از ایالت اوتار پرادش جدا شد از هندوها می‌باشند. همچنین مسلمانان دومین گروه بزرگ پس از هندوها ۱۴ درصد از جمعیت این ایالت را تشکیل می‌دهند. سیک‌ها، مسیحیان و بودایی‌ها ۳ درصد باقیمانده از جمعیت را تشکیل می‌دهند.^۱

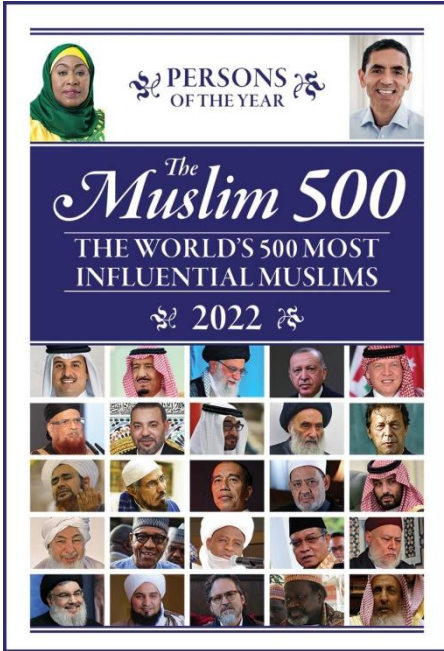
- **ملاحظه:** گزارش‌هایی از این دست نشان از آن دارد که دستگاه‌های امنیتی هند دامنه تهدید مسلمانان را از کشمیر به مناطق جنوبی‌تر آن کشیده‌اند. این احساس تهدید، چه واقعی باشد و چه خودساخته، احتمالاً آینده‌ای پرتنش را برای مسلمانان این مناطق خبر می‌دهد و باید قلع و قمع‌های تازه دولت هند نسبت به مسلمانان ایالت‌های جنوبی کشمیر را نیز انتظار کشید.

^۱ <https://www.opindia.com/۱۰/۲۰۲۱/uttarakhand-muslim-migrant-influx-nepal-border-pakistan-isi-locals-exodus-encroachment-demography-change>



بخش سوم: منشورات

انتشار و ویرایش جدید کتاب «پانصد مسلمان موثر جهان»



در اکتبر گذشته نسخه سال ۲۰۲۲ میلادی از کتاب «پانصد مسلمان موثر در جهان» منتشر شد.

این کتاب هر ساله به طبقه‌بندی مسلمانان جهان بر حسب تأثیرگذاری آنها در جهان می‌پردازد. کتاب حاضر توسط مرکز سلطنتی تحقیقات راهبردی اسلام مستقر در اردن و مرکز شاهزاده ولید بن طلال برای

تفاهم اسلامی - مسیحی در دانشگاه جورج تاون آمریکا تهیه و منتشر می‌شود. در سر لیست امسال نیز همانند سال‌های گذشته رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه‌ای و آیت الله سیستانی و سیدحسن نصرالله جای گرفته‌اند. در سر لیست شخصیت‌های امسال، اوغور شاهین، دانشمند ترک‌تبار کاشف واکسن کرونا (فایزر) به عنوان مرد سال و سامیا سولهو حسن، نخستین رئیس‌جمهور زن تانزانیا به عنوان زن سال در میان مسلمانان معرفی شده‌اند. ۵۰ نفر نخست این لیست از این قرار است:

۱. تمیم بن حمد آل ثانی - امیر قطر
۲. سلمان بن عبدالعزیز - پادشاه عربستان
۳. آیت الله سید علی خامنه‌ای - رهبر معظم انقلاب
۴. رجب طیب اردوغان - رئیس‌جمهور ترکیه
۵. عبدالله دوم - پادشاه اردن
۶. محمد تقی عثمانی - رهبر دینی دیوبندیه
۷. محمد ششم - پادشاه مراکش
۸. محمد بن زاید آل نهیان - رئیس امارات متحده عربی
۹. آیت الله سید علی سیستانی - مرجعیت اعلی شیعیان عراق
۱۰. عمران خان - نخست‌وزیر پاکستان
۱۱. عمر بن حفیظ - رهبر صوفیان یمن، رئیس مدارس بین‌المللی دارالمصطفی در تریپ و عضو هیئت عالی بنیاد طابه در ابوظبی
۱۲. سلمان عوده - از علمای نوسلفی و از رهبران جنبش معارض الصحوه در عربستان، زندانی آل سعود از سال ۲۰۱۷
۱۳. جوکو ویدودو - رئیس‌جمهور اندونزی
۱۴. احمد الطیب - شیخ الازهر، مصر
۱۵. محمد بن سلمان - ولیعهد عربستان
۱۶. عبدالله بن بیه - برجسته‌ترین عالم مالکی، مستقر در ابوظبی، امارات
۱۷. محمدو بوهاری - رئیس‌جمهور نیجریه

۱۸. محمد سعد ابوبکر سوم - مشهور به «سلطان سوکوتو»، ایالتی واقع در شمال غرب نیجریه، رئیس شورای عالی امور اسلامی و رهبر حدود صد میلیون مسلمان نیجریه

۱۹. سعید عقیل سراج، عالم مسلمان اندونزیایی و رئیس فعلی شورای اجرایی نهضت العلماء، بزرگ‌ترین سازمان اسلامی در جهان.

۲۰. علی جمعه، مفتی اعظم سابق مصر و عضو هیئت کبار العلماء در الازهر

۲۱. سید حسن نصرالله - دبیرکل حزب‌الله لبنان

۲۲. علی الجفری - مبلغ صوفی و رئیس بنیاد مطالعات اسلامی طابه

۲۳. حمزه یوسف هانسون - مبلغ و مؤسس کالج زیتونه، آمریکا

۲۴. احمد تیجانی علی سیسی، رهبر معنوی طریقت تیجانیه، بزرگ‌ترین

طریقت غرب آفریقا با نزدیک به ۳۰۰ میلیون پیرو

۲۵. منیره قیسی، مبلغ و بنیان‌گذار جمعیت القیسیات النسائیه الإسلامیه در

سوریه

۲۶. عبدالعزيز بن عبدالله آل‌الشیخ - مفتی اعظم عربستان سعودی

۲۷. محمود مدنی - رئیس جمعیه العلماء هند، دیوبندیه

۲۸. مصطفی حسنی - مبلغ مصری

۲۹. اسامه ازهری - عالم مصری

۳۰. کریم آفاخان - رهبر اسماعیلیان نزاری

۳۱. یوسف قرضاوی - رهبر معنوی اخوان المسلمین و رئیس الاتحاد العالمی

لعلماء المسلمین

۳۲. محمد لطفی بن یحیی - عالم دینی و رئیس جمعیهٔ أهل الطریقهٔ المعتمدهٔ النهضیهٔ در اندونزی، رئیس مجلس العلماء اندونزی، رهبر معنوی طریقت باعلوی در اندونزی

۳۳. سید عبدالملک بدرالدین الحوثی - رهبر انصار الله یمن

۳۴. محمود افندی - شیخ طریقت نقشبندی، ترکیه

۳۵. طارق جمیل - عالم برجسته دیوبندی، پاکستان

۳۶. حلیمه یعقوب - نخستین رئیس‌جمهور زن سنگاپور

۳۷. محمد یعقوبی - عالم و رهبر دینی، سوریه

۳۸. سید حسین نصر - استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه جرج واشنگتن

۳۹. عثمان طه - خطاط مشهور قرآن

۴۰. راشد غنوشی - اندیشمند و رئیس حزب النهضهٔ تونس

۴۱. محمد صلاح - فوتبالیست مصری

۴۲. مقتدی صدر - رهبر دینی و سیاسی، عراق

۴۳. نذر الرحمن - امیر فعلی جماعت تبلیغی در پاکستان

۴۴. معز مسعود - مبلغ و مجری تلویزیونی، مصر

۴۵. تیموتی وینتر یا عبدالحکیم مراد، پژوهشگر و مدرس مسلمان انگلیسی

۴۶. عارف علی نایض، استاد دانشگاه، مبلغ و سفیر سابق لیبی در امارات

متحدہ عربی

۴۷. ابراهیم صالح - عالم دینی، رئیس المجلس الأعلى للفتوی و الشؤون

الإسلامیة در نیجریه

۴۸. محمد بشاری - اندیشمند مغربی، دبیر کل شورای جوامع مسلمان جهان،

فرانسه

۴۹. عمرو خالد - مبلغ مصری

۵۰. هبة الله آخوندزاده - رهبر طالبان^۱

چکیده مقاله «چانه‌زنی موسیقایی میان اسلام معتدل و رادیکال در مراکش»

مشخصات مقاله: نینا تر لانا، «چانه‌زنی موسیقایی میان اسلام معتدل و رادیکال در مراکش؛ هارمونی ناهمگون و صوتی در میان نوازندگان موسیقی‌های الهام‌گرفته از اسلام»، دین، انتشارات راتلج، جلد ۵۱، شماره ۲، ۲۰۲۱، صص ۲۳۶-۲۱۴.

این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه در مراکش، از موسیقی برای ساختن و براندازی گفتمان‌هایی درباره اسلام معتدل در مقابل اسلام افراطی و رادیکال استفاده می‌شود. پس از ۱۱ سپتامبر و پس از حملات تروریستی کازابلانکا در سال ۲۰۰۳، مراکش در کنار اجرای تدابیر شدید امنیتی، فعالانه در حال تغییر چهره خود از طریق موسیقی و از آن مهم‌تر برگزاری جشنواره‌های

^۱ برای مشاهده تمام متن این کتاب و نیز نسخه‌های مربوط به سال‌های قبل به لینک زیر مراجعه کنید:

<https://themuslim500.com/books/The20.Muslim20.2022.2050.edition/20-20.Free20.eBook.pdf>

بین‌المللی موسیقی در مقیاسی بزرگ است، که برای ارسال پیام «تساهل و اعتدال مذهبی در مراکش» طراحی شده‌اند.

نینا تر لانا در مقاله خود به طور خاص بر آوازاها و موسیقی‌های الهام گرفته از اسلام تمرکز دارد که به طور گسترده شامل دو حوزه است: موسیقی «صوفیانه» و موسیقی «آناشید». از آنجایی که دولت مراکش رسماً تصوف را به عنوان نماد اسلام «میان‌رو» معرفی می‌کند، به نوازندگان موسیقی صوفیانه فضای کافی در پلتفرم‌های رسانه ملی و در صحنه‌های جشنواره‌های معتبر داده می‌شود. با این حال، همتایان آنها، اجراکنندگان آناشید (تواشیح؛ اجرای دسته‌جمعی سرودهای اسلامی)، عمدتاً به عنوان متعصبان مسلمان معرفی می‌شوند و برای آنها فضای کمی توسط دولت پشتیبانی می‌شود. در عوض، آنها شبکه‌های موازی خود را برای تولید و اجرای این سنخ موسیقی دارند.

تر لانا بر اساس کار میدانی گسترده قوم‌نگاری در میان خوانندگان آناشید و موسیقی صوفیانه، تحلیل می‌کند که چگونه واکنش مراکش به جنگ علیه تروریسم، و ادراک هم‌زمان از دوگانه اسلام «رادیکال» در مقابل «معتدل»، بر موسیقی و شیوه‌های ارائه آنها تأثیر می‌گذارد. او مفهوم «هارمونی ناهمگون (دزونانس)» را پیشنهاد می‌کند تا تحلیل کند که چگونه این شیوه‌های موسیقایی با گفتمان دولت در مورد اسلام «میان‌رو» همگرایی داشته، و در عین حال به طور هم‌زمان با آن مقابله می‌کنند.^۱

^۱ <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/X.2021.1865602>

مشکل کثرت: واسازی، تصوف، و طالبان،

نویسنده: آنیکا اشم‌دینگ

ترجمه: محمدباقر صداقت

ناشر: «مرکز برکلی دانشگاه جورج تاون برای دین، صلح و امور جهانی»، در مجموعه مقالات «اسلام، سیاست و آینده افغانستان»

تاریخ انتشار: ۳ نوامبر ۲۰۲۱

زمانی که طالبان در اوت ۲۰۲۱ افغانستان را تصرف کرد، مشکل چگونگی اداره تنوع مذهبی را نیز به ارث بردند. در حالی که چیزهای زیادی در مورد دولت تازه تأسیس در کابل ناشناخته باقی مانده است، رویارویی بین مقامات طالبان و جوامع صوفی در دهه ۱۹۹۰ می‌تواند بینش‌هایی را در مورد برخی از مذاکرات پیچیده آینده ارائه دهد. اما برای روشن کردن درست این تجربیات، ابتدا باید همان اصطلاحاتی را که به کار می‌بریم تجزیه و تحلیل کنیم، زیرا نه صوفی‌ها و نه طالبان، علی‌رغم تلاش‌های سرسختانه‌شان - مخصوصاً در مورد طالبان - برای نشان دادن خود به عنوان یک گروه یکپارچه، در این امر موفق نبوده‌اند.

انبوهی از تصوف‌ها

تعریف رایج تصوف به عنوان «عرفان اسلامی» که مقوله‌ای واحد و فراگیر را مطرح می‌کند، گمراه‌کننده است. جوامع صوفی در طیفی مورد مناقشه - از

گروه‌های مختلف- وجود دارند، از فقیر تا ثروتمند، از عمل‌گرا تا عالم، از بی‌تفاوت -نسبت به دولت- تا مخالف یا همسو با دولت.

همانطور که جایگاه اجتماعی آنها متفاوت است، تجربه آنها در رژیم سابق طالبان نیز متفاوت است. بسیاری از نویسندگان صوفی در حوزه روشنفکری افغانستان ادامه زندگی خود را در دهه ۱۹۹۰ در دوران طالبان دشوار دیدند. اکثر آنها پس از هدف قرار گرفتن و زندانی شدن به جرم نوشتن یا منع شدن از انتشار آزادانه افکار، دوری از وطن را انتخاب کردند.

سایر گروه‌های صوفی «سیاسی» که رسماً با دولت‌های قبلی همسو بودند و گروه‌های مبارز را در طول جهاد ضد شوروی ایجاد کردند، مانند نقشبندیه مجددیه و قادریه گیلانی، پس از سقوط رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱ بازگشتند. اما دسته سومی از صوفیان وجود دارند که در افغانستان باقی ماندند و در دهه ۹۰ میلادی به طور مستمر در مورد موجودیت خود در زیر سلطه طالبان مذاکره می‌کردند. واقعیت‌هایی که آنها با آن مواجه شدند پیچیده بود زیرا خود طالبان سیاست داخلی واحدی در قبال جوامع صوفی نداشتند. چندین موضوع، از بخش موسیقی گرفته تا جنسیت، و نیز مواضع شخصی فرماندهان طالبان، مذاکرات را تحت تاثیر گذاشت و فضای آن برای صوفیان محدود کرد.

جریان‌های مختلف در درون طالبان

در حالی که طالبان به وحشیگری خود، به ویژه نسبت به زنان و گروه‌های اقلیت مانند جامعه شیعه هزاره معروف بودند، ویژگی‌های خاص آنان، روستایی

بودنشان و اعمال مختص پشتون‌های جنوبی در آنها که ریشه در اسلام سنی حنفی داشت با بسیاری از صوفی‌های سنی در افغانستان مشترک بود. پیشینه تحصیلی و اجتماعی نسل اول طالبان (در مقایسه با نسل‌های بعدی که عمیق‌تر در رویکردهای سلفی غوطه‌ور بودند) به واسطه چهارچوب آموزشی دیوبندی و سنت‌های روستایی مدارس مذهبی آنها تحت تأثیر تصوف بود. چندین مقام طالبان از نسل اول، که در دهه ۱۹۹۰ در قدرت بودند و من در سال ۲۰۱۸ با آنها مصاحبه کردم، قائل به حقانیت برخی از اعمال صوفیانه بودند.

این زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی، با گشایشی خاص نسبت به عبادات صوفیانه، در تضاد با منش مبارزان و عالمان غیر بومی طالبان بود که عمدتاً سلفی و وهابی‌هایی بودند که در طول دوره جهاد در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ به افغانستان آمدند. آنها که خود را فداییان می‌نامیدند، معمولاً به عنوان «افغان العرب» شناخته می‌شوند که یک اصطلاح گمراه‌کننده است، زیرا این گروه نه افغانی و نه کاملاً عرب بودند.

معروف است که این گروه با افغان‌ها بر سر عبادات صوفی‌ها و زیارت مزارها در افغانستان درگیر بودند، همانطور که یکی از مصاحبه‌شوندگان برای من از ورود اولیه آنها نقل کرد: «اعراب وارد جهاد شدند. زیارتگاه‌ها را ویران کردند، پرچم‌های مزار و قبور را تکه تکه کردند. اما گاهی با واکنش‌های تند مردم علیه خود مواجه می‌شدند. به همین دلیل این کار را در شب انجام می‌دادند.» در حالی که آن مصاحبه‌شونده این اعمال را اقدامات تخریبی مخفیانه می‌دانست، گزارش‌های دیگر تنش‌های آشکار و فراگیر بین افغان‌ها و این

جنگجویان خارجی را نشان می‌دهد؛ حداقل در یکی از موارد، رهبر یکی از احزاب اسلام‌گرای افغانستان، مولوی خالص، مجبور شد به قندهار سفر کند تا در یک مناقشه که پس از برداشتن پرچم‌ها از قبور توسط افغان‌های عرب رخ داده بود میانجی‌گری کند.

مدیریت کردن مجالس ذکر

از اکثر صوفی‌ها نقل شده است که مجالس ذکر و مراقبه همچنان در دولت نخست طالبان برگزار می‌شد، در حالی که دولت طالبان نگران نحوه برگزاری این مراسم بود و اینکه آیا با موسیقی همراه است یا خیر. طالبان در دوران حکومت خود به ممنوعیت ویدیو، تصویر و موسیقی شهرت داشت. این رویکرد با طریقت‌های صوفیانه قدیمی‌تر در افغانستان که از ترکیب ذکر با موسیقی دفاع می‌کنند، در تنش بود.

با این حال، وقتی از مولوی پیرمحمد روحانی، یکی از اعضای برجسته و اولیه طالبان که در دهه ۱۹۹۰ ریاست دانشگاه کابل را بر عهده داشت، در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۸ در مورد مجالس ذکر در فرقه‌های مختلف صوفیانه سؤال کردم، او به وضوح فرضیه من را رد کرد. با این استدلال که در زمان طالبان هیچ گروه صوفی که از موسیقی در کنار ذکر استفاده کند وجود نداشت و اینها انحرافات بود که در کشورهای دیگر یافت می‌شد. این انکار یک واقعیت شناخته‌شده بود؛ طالبان به طور هم‌زمان به ذکر مشروعیت می‌بخشید در حالی که ذکر را در صورت همراهی با موسیقی نامشروع می‌دانست.

با این وجود، مجلس ذکر همراه با موسیقی تنها مراسمی نبود که در زمان حکومت طالبان زیر ذره بین قرار می‌گرفت. برخی از صوفیان گزارش کردند که طالبان حتی ذکر با نغمه (ذکر جهر) را که در آن صدای شرکت‌کنندگان به تنهایی ریتم مراسم را تشکیل می‌دهد نیز محدود کرد. ریتم‌سازی آن را بسیار نزدیک به مجالس همراه با موسیقی قرار می‌دهد و همراه با پتانسیل القای خلسه که می‌تواند به رقص منجر شود. معتصم آغا جان، وزیر دارایی پیشین طالبان و معتمد نزدیک ملا عمر، بنیان‌گذار طالبان، در مصاحبه‌ای استدلال کرد که «ذکر باید مخفیانه و در دل باشد».

همانطور که طالبان در مورد نحوه عبادات اختلاف نظر داشتند، صوفیان نیز در نحوه برخورد با محدودیت‌های طالبان بر یک رأی نبودند. برخی از جوامع صوفیانه اشکال خاصی از ذکر را پنهان کرده و اعمال مورد قبول طالبان را به عنوان یک مکانیسم محافظ - در برابر برخوردهای آنان - مطرح کردند. گاهی اوقات افراد طالب به جلسات می‌پیوستند، چه به عنوان ناظر و چه از روی علاقه شخصی. تمسک به خودسانسوری و کنش‌گری غیرسیاسی از جمله راهکارهای متداول به منظور حفظ جوامع صوفی و مجالس آنان در این دوران بود. نکته مهم دیگر آنکه هیچ یک از گروه‌های صوفی در این مدت اجتماعات زنانه را برپا نمی‌کردند.

این استراتژی صوفیان مؤثر واقع شد و در دوره پس از سال ۲۰۰۱، تصوف در اشکال مختلف آن در افغانستان بار دیگر شکوفا شد. اما مناقشات همچنان ادامه دارد. همچنان جایگاه سیاسی اجتماعی صوفیان و نحوه ارتباط آن با قدرت‌ها

تعریف نشده است، از طالبان دهه ۹۰ میلادی گرفته تا دولت‌های شبه‌دموکراتیک بعد از ۲۰۰۱ و همچنین دولت امروزی طالبان.

در عین حال، تفسیرهای گوناگون، پیش‌زمینه‌های شخصی، یا وابستگی‌های گروهی در درون طالبان نیز در موضع آنها در قبال تصوف و جوامع صوفی موثر است. برای مثال، تجربه گذشته طالبان در همراهی با جنگجویان خارجی سلفی و وهابی، چارچوب عملی دیگری را به این ترکیب تزریق کرده است. این گروه‌ها به صورت کاملاً جدا از هم فعالیت نمی‌کردند بلکه هر کدام از گروه‌ها از نظریات دیگر گروه‌ها بهره می‌بردند. به عنوان مثال دیدگاه‌های افغان‌های عرب بر نسل جدیدی از جنگجویان طالبان تأثیر گذاشته است.

گروه‌های صوفی را که در افغانستان مورد بررسی قرار داده‌ام معتقدند که مذاکره با طالبان بر سر برگزاری عبادات صوفیانه همچنان ممکن است. با روشن‌تر شدن ساختار دولت جدید طالبان، خواهیم دید که آیا تعدد رویکردها کماکان ادامه خواهد داشت یا اینکه موضع یکپارچه‌تر و احتمالاً همراه با تساهل کمتر از جانب طالبان در قبال تصوف پدیدار خواهد شد.^۱

^۱ <https://mersadcss.com/products/translations-مشکل-کثرت-واسازی-تصوف-و>